

افغانستان

گزارش سالانه ای 2010 در مورد محافظت از غیر نظامیان در منازعات مسلحانه



Canadian Press via AP Images



هیئت معاونت ملل متحد در
افغانستان



16 جوزا 1381

کمیسیون مستقل حقوق بشر
افغانستان

کابل - افغانستان، مارچ
2011

افغانستان
گزارش سالانه ای 2010 در مورد
محافظت از غیرنظامیان در منازعات
مسلحانه



هیئت معاونت ملل متحد در
افغانستان



16 جوزا 1381
کمیسیون مستقل حقوق بشر
افغانستان

کابل - افغانستان، مارچ
2011

مأموریت

گزارش سالانه ای 2010 حقوق بشر در مورد محافظت غیرنظامیان در منازعات مسلحانه در افغانستان که توسط واحد حقوق بشر یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان تهیه شده اند، دوره زمانی 1 جنوری تا 31 دسمبر سال 2010 را دربر می گیرد.

جایگاه کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان بر اساس ماده 58 قانون اساسی افغانستان به عنوان یک نهاد ملی حقوق بشر تصریح و تعریف شده است. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان بر اساس قانون با توجه به ساختار، وظایف و مأموریت کمیسیون، تسجیل در (می 2005) صلاحیت دارد تا: بر وضعیت حقوق بشر در کشور نظارت کند؛ حقوق بشر را ترویج و حفاظت نماید؛ بر وضعیت و دسترسی مردم به حقوق و آزادی های بنیادی شان نظارت نماید؛ دوسیه های نقض یا تخلف حقوق بشر را تحقیق و بررسی نموده، جهت بهبود و محافظت حقوق بشر در افغانستان اقدامات لازم را اتخاذ نماید.

گزارش سالانه ای 2010 در مطابقت با مأموریت کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان جهت نظارت بر حقوق بشر در افغانستان و در مطابقت با مأموریت دفتر معاونت سازمان ملل متحد بر اساس قطعنامه 1917 (2010) شورای امنیت ملل متحد تهیه شده است که مطابق بر آن موضوعات چون " نظارت بر وضعیت غیرنظامیان، هماهنگی تلاش ها برای تضمین حفاظت آنها، ترویج فرهنگ پاسخ دهی و کمک بر تحقق کامل آزادی های بنیادی و مقررات حقوق بشر قانون اساسی افغانستان و معاهدات بین المللی که افغانستان عضو آنها می باشد، بخصوص مقررات که ارتباط می گیرد تا زنان بطور کامل از حقوق بشری شان استفاده نمایند." را شامل می گردد.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و واحد حقوق بشر یوناما یک سلسله فعالیت های را با هدف کاهش اثرات جنگ بر غیرنظامیان به شمول موارد ذیل به عهده گرفته اند: نظارت مستقل و بیطرفانه از حوادثی که در آن افراد غیر نظامی کشته یا زخمی شده اند؛ فعالیت های جانبدارانه برای تقویت حفاظت غیرنظامیان آسیب دیده در درگیری های نظامی؛ فعالیت های که باعث رعایت بیشتر حقوق بشر دوستانه بین المللی و حقوق بشر و قانون اساسی افغانستان در میان تمام طرفهای درگیر می شود.

روش جمع آوری معلومات

واحد حقوق بشر یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، در صورت امکان از طریق اجرای تحقیقات در محل حادثه و یا از طریق رایزنیها با منابع وسیع مختلفه و انواع مختلف اطلاعات که معتبر و قابل اطمینان ارزیابی می گردد روی گزارش تلفات افراد ملکی تحقیق می کند. برای انجام تحقیقات و تحلیل هر رویداد، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و واحد حقوق بشر یوناما بهترین تلاش ها را روی دست می گیرد تا اطلاعات جمع آوری شده از منابع مختلف و گسترده را تا آنجای که امکان دارد که شامل گفته های شواهد عینی و افراد آسیب دیده، فعالین نظامی (بشمول نیروهای نظامی دولت و نیروهای بین المللی)، بزرگان محلی روستا ها و مسئولین ولایتی، رهبران اجتماعی و مذهبی و همچنان اطلاعات بدست آمده از طریق بازدید مستقیم، آزمایش و بررسی عینی شواهد جمع آوری شده در محل حادثه، بازدید از شفاخانه و کلینیک ها، عکس ها، تصاویر ویدیویی، گزارشات اداره امنیت و مصئونیت ملل متحد و دیگر نمایندگی های آن، اطلاعات از منابع دسته دوم مانند گزارش رسانه ها و اطلاعات جمع آوری شده از طریق مؤسسات غیر دولتی و دیگر افراد را چندین مراتب بررسی و تأیید نمایند.

در صورت امکان، تحقیقات بر اساس شهادت ابتدایی قربانیان و یا توضیحات شاهدان عینی رویداد و بررسی محل واقعه صورت می گیرد. در بعضی موارد، بخصوص به علت محدودیت های امنیتی که دسترسی را مشکل می سازد، این گونه تحقیقات امکان پذیر نمی باشد. در این گونه حوادث، واحد حقوق بشر یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان بر یک سلسله تکنیک ها برای جمع آوری اطلاعات از طریق شبکه های معتبر و باز هم از طریق یک سلسله منابع که معتبر و قایل اطمینان ارزیابی گردیده است، اتکاء می کنند.

در صورتی که کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و واحد حقوق بشر یوناما از صحت اطلاعات جمع آوری شده رضایت نداشته باشند، چنین اطلاعات در گزارش ارایه نمی شود. در بعضی موارد، قبل از نتیجه گیری، تحقیقات می تواند چندین هفته را دربر گیرد. بدین معنی که نتیجه گیری در مورد تلفات غیر نظامیان یک حادثه می تواند با دریافت اطلاعات بیشتر اصلاح گردیده و بعد در تحلیل ها جا می گیرد. در صورتی که اطلاعات واضح و روشن نباشد، در آنصورت تا زمانی که مدارک قناعت بخش بدست نیامده نتیجه گیری صورت نمی گیرد و یا دوسیه این گونه حادثات بدون هیچگونه نتیجه گیری بسته شده و در گزارش آماری هم گنجانیده نمی شود.

در بعضی موارد، وضعیت غیر نظامی بودن قربانیان گزارش شده را نمی توان بطور قطعی مشخص نمود و یا هم مورد بحث می باشد. در این گونه رویداد ها، واحد حقوق بشر یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان از یک سلسله معیار های قابل اعمال حقوق بشر دو ستانه بین المللی کمک می گیرند، که مطابق بر آن مردان که در سن جنگی قرار دارند را بطور قطعی غیر نظامی و یا نظامی تلقی نمی نمایند. بلکه این گونه ادعا ها بر اساس واقعیت های موجود در مورد رویداد مشکوک مورد ارزیابی قرار می گیرد. در صورتی که وضعیت یک یا چندین قربانی مشکوک و نامشخص باقی بماند، در آنصورت این گونه مرگ ها در شمار کلی تلفات افراد ملکی شامل نمی شود.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان یک پایگاه اطلاعاتی (دیتابیس) الکترونیکی را در سال 2008 ایجاد نمود تا تحلیل ها و گزارش های خود در مورد محافظت غیرنظامیان در منازعات مسلحانه را تقویت

نماید. واحد حقوق بشر یوناما نیز دیتابیس خود را در سال 2009 ایجاد نمود. این دیتابیسها با هدف تسهیل جمع آوری اطلاعات به شکل منظم، یکپارچه، مؤثر و تحلیل معلومات، بشمول تجزیه اطلاعات بر اساس جنسیت و سن ایجاد شده اند. با توجه به محدودیت های مرتبط به محیط های عملیاتی، مانند ماهیت مشترک بعضی از عملیات ها و عدم توانایی منابع اولیه در خیلی از رویداد ها، تشخیص دقیق یا تفکیک میان فعالین مختلف نظامی و شورشیان مشکل بوده و در صورتی که هیچ یک از طرفین مسئولیت حادثه را به عهده نگیرد، واحد حقوق بشر یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان مسئولیت رویداد های مشخص را یا به نیروهای طرفدار دولت و یا عناصر ضد دولتی نسبت می دهند. واحد حقوق بشر یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان هیچگاه ادعا نمی کنند که آمار های ارائه شده در این گزارش کامل می باشد؛ بلکه امکان دارد با توجه به محدودیت های ناشی از محیط عملیاتی، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و واحد حقوق بشر یوناما تلفات ملکی را کمتر گزارش داده باشند.

مسئولیت های قانونی طرف های درگیر

واحد حقوق بشر یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان به این نظر هستند که جنگ افغانستان یک نبرد داخلی بوده که در آن دولت افغانستان و نیروهای نظامی بین المللی با عناصر ضد دولتی درگیر جنگ می باشند. عناصر ضد دولتی شامل افراد و گروه های مسلح با سوابق مختلف، اهداف و ساختار های فرماندهی متفاوت بوده و آنها را شامل می گردد که بنام طالبان، شبکه حقانی، حزب اسلامی، وابستگان شبکه القاعده مانند جنبش اسلامی ازبکستان، اتحاد جهاد اسلامی، لشکر طیبه و جیش محمد مشخص گردیده اند.

تمام طرف های درگیر در جنگ داخلی افغانستان تحت قوانین بین المللی مسئولیت دارند تا افرادی را که مستقیماً در این خصومت ها سهم نداشته محافظت نموده و در ضمن اثرات فعالیت های خود را بر جمعیت ملکی و زیربنا های عامه به حد اقل برسانند. ماده 3 مشترک در *کنوانسیون چهار گانه 1949 ژنو* حد اقل معیار هایی را که طرف های درگیر در جنگ داخلی باید رعایت نمایند، وضع نموده است. اعمال ماده 3 مشترک در حقوق بشردوستانه بین المللی بر موضوعات که در داخل یک کشور مستقل اتفاق می افتد عمومیت داشته، نه تنها طرفهای دولتی شامل در جنگ را ملزم می دارد بلکه بر طرفهای غیر دولتی شامل در جنگ نیز ایجاد التزام می کند.

قواعد عرفی حقوق بشردوستانه بین المللی شامل حال طرف های درگیر در جنگ افغانستان نیز می گردد. ارگان های قضایی بین المللی اعلام نموده اند که قواعد متعدد در کنوانسیون های ژنو و پروتکول های الحاقی آنها بخشی از قانون عرفی بین المللی می باشد¹. مرتبط ترین اصول چنین اند:

¹- کمیته بین المللی صلیب سرخ استنتاج نموده است که قواعد متعدد چهار کنوانسیون ژنو و پروتکول الحاقی 1، نیروی حقوق عرفی بین المللی را بدست آورده و اکثر این قواعد در جنگ های داخلی و خارجی کاربرد دارد (کمیته بین المللی صلیب سرخ، حقوق عرفی بشردوستانه بین المللی، توسط جین ماری هینکرتس و لوئیس دوسوالد بک (CU P) / کمیته بین المللی صلیب سرخ، کامبریج) {مطالعات کمیته بین المللی صلیب سرخ}.

❖ تشخیص: "[طرف ها] باید در تمام اوقات جمعیت ملکی را از جنگجویان" و "اهداف ملکی را از اهداف نظامی" تشخیص دهند.¹

❖ تناسب: "اگر یک حمله احتمالاً باعث تلفات اتفاقی افراد ملکی، جراحت به غیرنظامیان، صدمه به اهداف ملکی و یا ترکیبی از آنها می گردد، در آنصورت این حمله فراتر از امتیازات قابل پیش بینی و دقیق نظامی می باشد."²

❖ احتیاط و دقت در حمله: "در زمان انجام عملیات نظامی، باید همیشه دقت شود تا جمعیت غیر نظامی و اهداف ملکی را تفکیک نمود" از هر گونه احتیاط ممکن کار گرفته شود تا از "هر گونه تلفات احتمالی افراد ملکی، جراحت به آنها و صدمه به اهداف غیر نظامی جلوگیری شده و یا در بعضی موارد به حداقل رسانده شود."³

علاوه بر حقوق بشر دوستانه بین المللی یک سلسله قوانین دیگر نیز در جنگ افغانستان اعمال می گردد. شورش ها زمانی که درگیر جنگ نمی باشد (زمان که دستگیر می شود یا جنگ ختم می گردد)، میتواند بر اساس قوانین جزایی کشور مربوطه تحت پیگرد قرار گیرد. معیار های بین المللی حقوق بشر که دولت عضو آن است و یا بخشی از قانون عرفی بین المللی را تشکیل می دهد، مدام بر وضعیت منازعات مسلحانه اعمال می گردد. نیرو های نظامی دولت و اعضای نیرو های نظامی بین المللی هم چنان در برابر نقض مقررات حقوق بشردوستانه بین المللی و حقوق بشر و همچنین قوانین داخلی کشور مربوطه مسؤول شمرده می شوند.

همه کشور های کمک کننده ای نیرو که در افغانستان حضور دارند، بشمول قوت های آیساف، نیروهای امریکایی در افغانستان، اعضای ائتلاف عملیات تحکیم آزادی و نیرو های که خارج از این سلسله فرماندهی قرار دارند، همه امضاء کنندگان چهارکنوانسیون 1949 ژنو می باشند. هرچند تمام کشورهای شرکت کننده نظامی امضاء کننده پرتکول الحاقی 1 سال 1977 نیستند، اما تمام این نیروها به رعایت قواعد حقوق بشردوستانه بین المللی که بخشی از حقوق عرفی بین المللی است، ملزم می باشند. دولت افغانستان علاوه سایر کنوانسیونهای بین المللی، امضاء کننده ای کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی بوده که بر مبنای آن دولت افغانستان مکلف است تا حمایت های اساسی برای تمام اشخاص که در تحت صلاحیت و قلمروش زندگی می کند را مهیا سازد.⁴

²- پرتکول الحاقی 1، ماده 48. برای اطلاعات بیشتر به بند (2) ماده 51 که در آن گفته شده افراد ملکی "نباید مورد هدف قرار گیرند" و به بند (2) ماده 52 که در آن گفته شده "حملات فقط باید مواضع نظامی را هدف قرار دهد" مراجعه شود.

³- پرتکول الحاقی 1، بند (ب) فقره (5) ماده 51. جهت اطلاعات بیشتر به ماده 57 در مورد احتیاط در حمله مراجعه کنید.

¹- پرتکول الحاقی 1، بن فقره های 1 و 2 ماده 57.

²- افغانستان عضو کنوانسیون و میثاق های حقوق بشری ذیل می باشد: میثاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی تصویب به تاریخ 24 اپریل 1983؛ میثاق بین المللی حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تصویب به تاریخ 24 اپریل 1983؛ میثاق بین المللی محو هرگونه اشکال تبعیض نژادی تصویب به تاریخ 5 اگست 1983؛ کنوانسیون محو هرگونه تبعیض علیه زنان تصویب به تاریخ 5 مارچ 1983؛ کنوانسیون منع شکنجه و دیگر برخورد های خشین، تحقیر کننده و غیر انسانی تصویب به تاریخ 26 جون 1987، کنوانسیون حقوق کودکان

دولت افغانستان بخاطر تأمین حقوق مردم و نظم دهی بر آن در سراسر افغانستان وجیبه و مسؤلیت دارد. این، حق و وظیفه دولت افغانستان هست تا قوانین کشوری را که قوانین بین المللی را پذیرفته است و مطابق بدان ملزم می باشد را تطبیق نماید.

تصویب به تاریخ 27 اپریل 1994؛ پرتکول اختیاری میثاق حقوق کودکان در مورد فروش، تن فروشی و هرزه نگاری کودکان تصوب به تاریخ 19 اکتوبر 2002؛ پرتکول اختیاری کنوانسیون حقوق کودکان در مشارکت کودکان در درگیری های نظامی تصویب به تاریخ 24 سپتمبر 2003. منبع: http://www.aihrc.org.af/English/Eng_pages/X_pages/Conventions_af_z_party.html

واژه نامه

AGE: عناصر ضد دولتی. شامل تمام افراد و گروه های مسلحی می گردد که فعلاً درگیر جنگ مسلحانه با دولت افغانستان و یا نیروهای نظامی بین المللی می باشند. عناصر ضد دولتی شامل "طالبان" و همچنین افراد و گروه های مسلح بوده که بر اساس یک سلسله اهداف تحریک شده اند و بانام و برچسب های مختلفی که شامل شبکه حقانی، حزب اسلامی، وابستگان شبکه القاعده، مانند جنبش اسلامی ازبکستان، اتحاد جهاد اسلامی، لشکر طیبه و جیش محمد می شود، وا نمود می گردد.

حملات هوایی: مهمات قابل شلیک از طیاره و یا تجهیزات هوایی بشمول حمایت هوایی (حمایت برای واحد ها و نیروهای داخل تماس که مورد تهدید عاجل قرار گرفته اند) و در ضمن مهمات قابل شلیک از تجهیزات هوایی با بال های ثابت (غیر از چرخ بال).

ANA: اردوی ملی افغان

ANP: پولیس ملی افغان

ANSF: نیروهای امنیتی ملی افغان؛ یک اصطلاح پوششی که شامل پولیس مرزی، اردوی ملی، پولیس ملی و نیروهای تحت ریاست امنیت ملی افغان می گردد.

ALP: پولیس محلی افغان

ANAP: پولیس کمکی ملی افغان

AP3: پروگرام حفاظت عامه افغان

APRP: پروگرام صلح و ادغام مجدد در افغانستان

AIHRC: کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان

BBIED: مواد منفجره جا سازی شده در بدن

BDA: ارزیابی خسارات جنگ

تلفات: می تواند به دو دسته تقسیم شود:

- **تلفات مستقیم:** تلفاتی که بطور مستقیم از درگیری نظامی بشمول تلفات برخاسته از عملیات های نظامی توسط نیروهای طرفدار دولت (نیروهای دولتی و یا نیروهای نظامی بین المللی) ناشی می گردد، مانند رویداد های حفاظت از نیروها، حملات هوایی، عملیات های تلاشی و دستگیری، مبارزه با شورشیان یا عملیات های ضد تروریسم. این گونه تلفات شامل تلفاتی نیز می گردد که در نتیجه فعالیتهای عناصر ضد دولتی مانند کشتار هدفمند، مواد منفجره جاسازی شده و یا درگیری مستقیم با نیروهای طرفدار دولت ناشی گردد.

- **سایر تلفات:** تلفاتی که بصورت غیر مستقیم از درگیری ها ناشی می شود، بشمول تلفات ناشی از مواد منفجره باقی مانده از دوران جنگ، مرگ در زندان، مرگ احتمالی ناشی از وضعیت غیر صحتی که در جریان عملیات های نظامی رخ می دهد و یا زمانی که دسترسی به مراقبت های صحتی منع شده یا موجود نباشد. این گونه تلفات می تواند مرگ ناشی از حوادثی را نیز شامل شود که عامل آن را به هیچ اندازه نتوان مشخص ساخت. مانند مرگ

یا جراحات های ناشی از تبادل آتش. در نهایت شامل تلفات ناشی از درگیری های قومی یا قبیله ای نیز می گردد.

کودکان: بر اساس کنوانسیون حقوق کودک، "کودک" به کسی گفته می شود که زیر سن 18 سال (صفر الی 17 سال) قرار داشته باشد. به نظر می رسد میزان تلفات کودکان کمتر گزارش می شود و دلیل آن هم مشخص نبودن یا گزارش نشدن سن دقیق افراد مجروح در زمان حوادث می باشد.

افراد غیر نظامی یا ملکی: هر فردی که مستقیماً در خصومت ها سهم ندارد. این افراد شامل ملکی ها، کارکنان عامه؛ یعنی کسانی که مستقیماً برای اهداف نظامی یا جنگیدن کار نمی کنند، بشمول معلمین، کارکنان کلنیک های صحتی، ارائه دهندگان خدمات ملکی، شخصیت های سیاسی یا کارمندان ادارات، می باشد. در ضمن سربازان یا هر فردی را که دیگر در جنگ شرکت ندارد؛ خواه اینکه به دلیل جراحت بوده یا تسلیم شده باشد یا فردی که دیگر تصمیم گرفته در خصومت ها سهم نگیرد. همچنین پولیس ملکی که به عنوان جنگجو یا در عملیات ضد شورش سهم نداشته، آنهای که مستقیم در خصومت ها دخیل نبوده و حتی آنهای که خارج از وظیفه قرار دارند نیز ملکی به حساب می آید.

COM-ISAF: فرمانده نیروی های بین المللی کمک به امنیت یا آیساف در افغانستان.

EOF Incidents: وقایع برخورد نیرو که به عنوان "حفاظت از نیروها" نیز به آن اشاره شده: زمانی که افراد در نزدیک شدن به کاروان های نظامی یا سبقت گرفتن از آن به هشدار افراد نظامی توجه نکنند و یا هم در پوسته های تلاشی از دستور العمل ها سرپیچی نمایند، این واقعه اتفاق می افتد. و نیز واقعه برخورد نیرو زمانی رخ می دهد که یک فرد به پایگاه یا قرارگاه های نظامی بسیار نزدیک شده و یا به هشدار های افراد نظامی توجه ننماید.

IHL: حقوق بشر دوستانه بین المللی

IDP: بیجا شدگان داخلی

ICRC: کمیته بین المللی صلیب سرخ

IED: وسیله انفجاری تعبیه شده. یعنی بمب که برخلاف روش معمول نظامی ساخته و یا جاسازی شده باشد. وسیله انفجاری تعبیه شده می تواند بصورت بمب انتحاری؛ یعنی جاسازی شده در بدن، کنترل از راه دور، جاسازی شده در موتر و یا بصورت بمب های جاسازی شده با صفحات روکش دار باشد.

Incidents: زمانی که افراد ملکی در اثر منازعات مسلحانه تلفات ببینند. گزارش تلفات ناشی از فعالیت های جرمی شامل گزارشات تلفات ملکی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و واحد حقوق بشر یوناما نمی شود.

IM Forces: "نیرو های نظامی بین المللی" شامل تمام سربازان خارجی می گردد که بخشی از نیروهای آیساف و نیروهای امریکایی مستقر در افغانستان (بشمول نیروهای عملیات تحکیم آزادی) که تحت فرماندهی فرمانده آیساف قرار دارد را تشکیل می دهد، در ضمن این اصطلاح افرادی را نیز شامل می گردد که تحت فرماندهی آیساف عمل نکرده و شامل نیروهای ویژه امریکا می گردد.

Injuries: به معنای جراحات های جسمی با میزان شدت متفاوت. میزان شدت جراحات ها در پایگاه داده های (دیتابیس) کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و واحد حقوق بشر یوناما ثبت نشده است. جراحات ها شامل شک (شوگ) یا صدمه های روانی نمی گردد.

IMU: جنبش اسلامی ازبکستان

ISAF: نیروهای بین المللی کمک به امنیت در افغانستان. آیساف بر اساس فصل 7 منشور ملل متحد مأموریت تأمین صلح را به عهده دارد. این نیرو ها بر اساس صلاحیت شورای امنیت ملل متحد اعزام شده است. در اگست 2003، ناتو بر اساس درخواست ملل متحد و دولت افغانستان فرماندهی آیساف را به عهده گرفت. نیروهای آیساف در حال حاضر شامل 131730 نفر از 48 کشور می گردد که در شش فرماندهی ساحوی و نیز مقر عمومی آیساف در کابل مستقر می باشند. از نومبر 2008 بدینسو، فرمانده آیساف به عنوان فرمانده نیروهای امریکایی در افغانستان نیز خدمت می کند، در حالیکه سلسله فرماندهی هر دو نیرو جداگانه می باشد.

KLE: مشارکت کلیدی رهبری

LDI: ابتکار دفاع محلی

LEGAD: مشاور حقوقی در آیساف

MoI: وزارت داخله

NATO: سازمان پیمان اتلانتیک شمالی. اعضای ناتو عمده ترین کشور های سهم در آیساف می باشند.

NDS: ریاست امنیت ملی افغانستان یا خدمات استخبارات دولتی افغانستان

NSC: شورای امنیت ملی افغانستان

NGO: سازمان غیر دولتی

OHCHR: دفتر کمشنری عالی حقوق بشر ملل متحد

OEF: "عملیات تحکیم آزادی" نام رسمی است که دولت امریکا برای مشارکت اش در جنگ افغانستان و مبارزه جهانی با تروریسم بکار میبرد. عملیات تحکیم آزادی در افغانستان که یک عملیات مشترک میان امریکا و افغانستان، از آیساف جدا می باشد، زیرا آیساف شامل نیروهای ناتو، امریکا و دیگر کشورهای مشارکت کننده می باشد. اکثر نیروهای امریکایی که در تحت عملیات تحکیم آزادی عمل می کنند از اکتوبر 2008 به بعد، در داخل "نیروهای امریکایی در افغانستان" ادغام شده اند و تحت فرماندهی جنرال دیوید پترویس که هم چنان فرمانده ناتو و آیساف است، فعالیت می کند.

Pro-Government Forces (PFG): نیرو های طرفدار دولت

• **نیروهای دولت افغانستان:** تمام نیرو هایی نظامی و شبه نظامی که در عملیات های ضد تروریسم فعالیت می کنند و بطور مستقیم یا غیر مستقیم تحت کنترل دولت افغانستان می باشد. این نیرو ها شامل اردوی ملی، پولیس ملی، پولیس سرحدی و ریاست امنیتی ملی می گردد، اما محدود به این ها نمی باشد.

• **نیروهای نظامی بین المللی**

RCIED: بمب تعبیه شده ای کنترل از راه دور

SVBIED: بمب تعبیه شده ای انتحاری در موتر

SOP: دستور العمل عملیات های معیاری
SOFA: نیروهای ویژه در عملیاتها
TCN: ملت های مساعدت کننده ای نیرو
US Forces Afghanistan: یا "USFOR-A" در واقع مقر فرماندهی جهت کنترل و فرماندهی وظیفوی برای عملیات نیروهای امریکای در افغانستان می باشد. نیروهای "USFOR-A" تحت فرماندهی جنرال دیوید پترویس می باشد که به عنوان فرمانده نیروهای آیساف و ناتو نیز خدمت میکند. نیروهای که از اکتوبر 2008 بدینسو تحت این سیستم تنظیم شده اند، به عنوان بخشی از عملیات تحکیم آزادی، تحت کنترل عملیاتی "USFOR-A" فعالیت می نمایند. سلسله فرماندهی آیساف و عملیات تحکیم آزادی از هم جدا می باشد.
USSF: نیروهای ویژه ایالات متحده
USAID: نمایندگی ایالات متحده برای انکشاف در سطح بین المللی
UNDSS: دپارتمنت امنیت و مصئونیت ملل متحد
UNAMA: هئیت معاونت ملل متحد در افغانستان
UNHCR: کمیشنر عالی ملل متحد در امور مهاجرین
VBIED: بمب تعبیه شده در موتر

فهرست مطالب

| | |
|---|---|
| خلاصه | |
| | |
| | i |
| پیشنهادات | |
| | |
| | |
| عناصر مخالف دولت و محافظت از غیرنظامیان ix | |
| | |
| 1 .. | |
| طرح کلی | |
| | |
| حملات انتحاری و بمب های تعبیه شده 1 | |
| | |
| ترورها، اعدام ها و اختطاف ها 7 | |
| | |
| 13 | |
| اختطاف | |
| | |
| 17 | |
| تهدید، آزار و اذیت، پوسته های غیر قانونی و شب نامه ها | |
| | |
| 20 | |
| حمله بر زنان و کودکان | |
| | |
| 20 | |
| نیروهای طرفدار دولت و محافظت از غیرنظامیان | |
| | |
| 23 | |
| طرح کلی | |
| | |
| 23 | |
| حملات هوایی | |
| | |
| 25 | |
| افزایش تدریجی عکس العمل نیروها | |
| | |
| 28 | |
| عملیات جستجو و تلاشی یا حملات های شبانه | |
| | |
| 30 | |
| نیروهای عملیات های ویژه | |
| | |
| 34 | |
| تحقیقات و پاسخ دهی در رابطه با تلفات افراد ملکی | |
| | |
| 36 | |

| | | |
|--|---|----|
| اموال | پرداخت غرامت برای اقارب مقتولین، مجروحین و خساره وارده بر | 39 |
| محافظة | از افراد ملكی و پولیس محلی افغان | 41 |
| طرح | كلي | 41 |
| نظارت بر محافظت غیرنظامیان و پولیس محلی افغان | نگرانی ها در مورد كنترول و فرماندهی | 42 |
| نگرانی ها در قسمت استخدام و ارزیابی | آموزش پولیس محلی افغان | 42 |
| گرفتاری و توقیف | عملیات پولیس محلی در خارج از ساحه مسئولیت شان | 44 |
| عناصر مخالف دولت و پولیس محلی افغان | دیدگاه های اجتماعی | 45 |
| نتیجه گیری در مورد پولیس محلی افغان | محافظة از افراد ملكی در حوزه جنوب | 46 |
| طرح | كلي | 48 |
| عملیات پاکسازی و عواقب بعدی آن در ولسوالی های مارجه و نادعلی هلمند ولایت | عملیات پاکسازی در ولسوالی های اطراف شهر قندهار و عواقب آن | 49 |
| کمپاین ترور توسط طالبان در جنوب | ضمیمه | 52 |
| 56 | | |

| | |
|------|-------------------------------|
| 59 | گراف های الحاقی در مورد تلفات |
| ملکی | |
| 59 | |

خلاصه

تلفات افراد ملکی ناشی از منازعات مسلحانه در افغانستان روند صعودی را در سال 2010 طی نموده است. ثبت تلفات افراد ملکی توسط کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و بخش حقوق بشر هیئت معاونت سازمان ملل متحد برای افغانستان (یوناما) نشان می دهد که به تعداد 2777 فرد ملکی در جریان سال 2010 کشته شده اند که این رقم 15 درصد افزایش را نسبت به سال 2009 نشان می دهد. در جریان چهار سال گذشته به تعداد 8832 فرد ملکی کشته شده اند و آمار کشته گان افراد ملکی هر سال سیر صعودی داشته است.¹ بدتر شدن اوضاع جنگی و تأثیر جدی آن با لای افراد ملکی، ضرورت مبرم را ایجاد می کند تا طرفین درگیر سعی لازم و کافی را جهت حفظ جان افراد ملکی روی دست گیرند. آنهای که در خانه ها و در بین جامعه ای شان در سال 2010 کشته و زخمی شده اند ممکن آمار ایشان بیشتر از آن چیزی باشد که ثبت گردیده است. بخش حقوق بشر یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، عناصر مخالف دولت و نیروهای طرفدار دولت را در تقویت حفاظت افراد ملکی ترغیب نموده و از آنها می خواهند تا مطابق به مسؤولیت های قانونی شان تلفات افراد ملکی را به حد اقل رسانند.

افراد ملکی که در جریان جنگها کشته شده اند

از مجموع 2777 فرد ملکی کشته شده در سال 2010، 2080 (75 درصد از مجموع افراد ملکی کشته شده) آنها توسط نیروهای مخالف دولت به قتل رسیده اند.² و نسبت به سال 2009، 28 درصد افزایش یافته است. حملات انتحاری و مواد انفجاری تعبیه شده (مین های کنار جاده و غیره) عامل بیشترین آمار مرگ و میر بوده، جمعاً 1141 یعنی 55 درصد کشته شده گان منسوب به نیروهای مخالف دولت را تشکیل می دهد. مهیب ترین مسئله در سال 2010، ترور تعداد زیادی از افراد ملکی بود که توسط نیروهای مخالف دولت صورت می گرفت. در مجموع 462 فرد ملکی ترور گردیدند که نسبت به سال 2009 بیشتر از 105 درصد افزایش را نشان می دهد. نصف این ترورها در جنوب افغانستان صورت گرفته که ولایت هلمند شاهد افزایش 588 درصد و ولایت کندهار افزایش 248 درصد را در ترور افراد ملکی توسط نیروهای مخالف دولت در مقایسه با سال 2009 تجربه نموده است.

نیروهای دولتی و بین المللی باعث قتل 440 (16 درصد از مجموع آمار کشته شده گان) فرد ملکی بوده که 26 درصد کاهش را نسبت به سال 2009 نشان می دهد. در سال 2010 حملات هوایی بیشترین فیصدی کشته گان

¹ - واحد حقوق بشر یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در تحلیل ها و گزارش دهی خود در مورد تلفات غیرنظامیان در دوره زمانی اول جنوری تا 31 دسمبر 2010 میلادی، فقط آنعده از تلفات (مقتولین و مجروحین) غیرنظامی را ثبت نموده اند که دفاتر ساحوی شان گزارش داده و برآن تحقیق نموده بودند، بخصوص از طریق رفتن به ساحه حادثه، مصاحبه با یک سلسله افراد آسیب دیده، بررسی مدارک بطور فزینگی، بررسی مجدد حوادث با منابع مختلفه قابل اطمینان و تأیید قضایا. واحد حقوق بشر یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان ادعا نمی کنند که ارقام نشان داده شده در این گزارش کامل می باشد؛ به خصوص با توجه به محدودیت ها در اسلوب شناسی و محیط عملیاتی، شاید تعداد واقعی تلفات غیر نظامی در گزارش این دو سازمان حقوق بشری کمتر نشان داده شده باشد. (به بخش روش شناسی این گزارش مراجعه کنید.)

² - عناصر مخالف دولت شامل گروههای مسلح مخالف دولت و افراد با سابقه های مختلف بوده که انگیزه ها و ساختار فرماندهی اینها را به نام طالبان، شبکه حقانی، حزب اسلامی و القاعده مسمی نموده و القاعده در بین خود نیروهای چون جنبش اسلامی ازبکستان، اتحاد جهاد اسلامی، لشکر طیبه و جیش محمد که در خصوصت ها علیه نیروهای دولتی و همکاران نظامی بین المللی شان دخیل هستند، را جا داده اند.

منسوب به نیروهای طرفدار دولت را تشکیل میدهد که در مجموع 171 فرد ملکی (39 درصد از مجموع کشته شده گان منسوب به نیروهای طرفدار دولت) بدین سبب کشته شده اند. همچنان قابل تذکر هست که آمار کشته شده گان در نتیجه حملات هوایی نسبت به سال 2009، 52 درصد کاهش یافته است.¹ 9 درصد از کشته شده گان افراد ملکی در سال 2010 به هیچ یکی از طرف های درگیر بطور مشخص نسبت داده شده نمی تواند. در مجموع دلایل روند صعودی تلفات افراد ملکی در سال 2010، افزایش استفاده از مین ها، ترورهای که افراد مشخص توسط مخالفین دولت هدف قرار می گرفتند و تشدید عملیات های نظامی بخصوص در جنوب افغانستان می باشد. هرچند حد اکثر جنگ ها در سال 2010 در جنوب و جنوب شرق افغانستان اتفاق افتاد، اما نا امنی و فراز و فرود جنگ، در مناطق شمالی، شرقی و غربی مدام در حال گسترش بوده است.² تمام مناطق افغانستان به استثناء منطقه شرقی در ارتباط به آمار افراد ملکی کشته شده با مقایسه ای سال 2009 حالت افزایشی داشته است. شمال افغانستان شاهد تشدید جنگ در سراسر سال 2010 بود، بدین لحاظ آمار کشته شده گان منازعات در این حوزه 76 درصد درمقایسه با سال 2009 افزایش یافته است. بخش های جنوب شرق و جنوب نیز سیر صعودی را به ارتباط ارقام کشته شده گان جنگ طی نموده و به ترتیب 40 درصد و 21 درصد در مقایسه ای سال 2009 افزایش یافته است.

تأثیر جنگ بالای زنان و کودکان

جنگ در افغانستان، مدام اثر مخربی را بالای زنان و کودکان بجا گذاشته، این قشر بیشتر از سال 2009 کشته و یا زخمی گردیده اند. تلفات زنان و کودکان به ترتیب 6 و 21 درصد نسبت به سال 2009 افزایش یافته است. نه تنها آمار تلفات اینها در سال 2010 سیر صعودی داشته بلکه گسترش و تشدید جنگ بدین معناست که تعداد زیاد از زنان و کودکان به ضرورت های اساسی زندگی مانند مواظبتهای صحتی و آموزش و پرورش دست رسی اندکی داشته اند.

عامل 40 درصد مرگ زنان و 44 درصد مرگ کودکان انفجار مواد تعبیه شده و حملات انتحاری می باشد، این ارقام نشان دهنده ای 31 درصد افزایش در مرگ زنان و 66 درصد افزایش در مرگ کودکان را نسبت به سال 2009 نشان می دهد. عناصر مخالف دولت حتی هشت طفل را نیز به قتل رساندند.

مرگ 37 درصد زنان و 29 درصد کودکان از مجموع کشته شده گان که ارتباط به نیروهای دولت و هم رزمان شان می گیرد را به حملات هوایی میتوان نسبت داد که این ارقام به ترتیب 62 و 72 درصد کاهش را نسبت به سال 2009 نشان می دهد. در سرتاسر کشور به تعداد 8 زن و 9 کودک

¹ - هرچند آمار مجموعی قتل افراد ملکی در نتیجه حملات هوایی توسط نیروهای متحد دولت در سال 2010 در مقایسه با سال 2009 کاهش یافته است اما در جریان سال 2010 کشته شدن افراد ملکی در اثر حملات هوایی روند صعودی داشته، بدین معنا که در نصف اول سال 2010، 69 فرد ملکی به اثر حملات هوایی کشته شده بودند در حالیکه در نصف دوم سال 2010، 102 فرد ملکی در نتیجه حملات هوایی از بین رفته اند که این رقم 48 درصد افزایش را در مقایسه به نصف اول سال 2010 نشان می دهد. این روند رو به رشد ارتباط می گیرد با افزایش حملات هوایی در جنگ ها در نصف دوم سال 2010.

² - هر حوزه ساحوی ولایات زیر را در بر می گیرد: حوزه مرکزی شامل کابل، پنج شیر، کاپیسا، لوگر، پروان و وردک. حوزه شرقی شامل کنر، لغمان، ننگرهار، و نورستان. حوزه غربی شامل بادغیس، فراه، غور، هرات. حوزه شمالی شامل بلخ، فاریاب، جوزجان، سمنگان و سرپل. حوزه شمال شرق شامل بدخشان، بغلان، کندز و تخار. حوزه جنوب شرق شامل غزنی، خوست، پکتیکا و پکتیا. حوزه جنوب شامل هلمند، کندهار، نیمروز، ارزگان و زابل. حوزه مرتفع مرکزی یعنی هزاره جات شامل بامیان و دایکندی.

در نتیجه ای حملات شبانه متحدین دولت کشته شده اند. در نتیجه همچو حملات در مقایسه به بخش های دیگر افغانستان بیشتر کودکان در بخش جنوبی و بیشتر زنان در بخش جنوب شرقی به قتل رسیده اند.

افراد ملکی که در اثر جنگها مجروح گردیده اند

مجروحین ناشی از درگیریها در سال 2010 افزایش 22 درصد را نسبت به سال 2009 نشان میدهند. در مجموع به تعداد 4343 فرد ملکی در سال 2010 مجروح گردیده که عناصر مخالف دولت مسؤل 3366 مجروح میباشند (78 درصد از مجموع مجروحین) که نسبت به سال 2009، 21 درصد افزایش یافته است. نیروهای دولت و هم دستان شان عامل مجروح ساختن 400 (9 درصد از مجموع مجروحین) فرد ملکی بوده که نشان دهنده ای 13 درصد کاهش نسبت به سال 2009 می باشد و در نهایت 577 نفر افراد ملکی مجروح (13 درصد از مجموع مجروحین) به مرتکبین قابل تشخیص نسبت داده نمی شود.

به عهده گرفتن مسؤلیت حملات

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و بخش حقوق بشر یوناما در سال 2010 آن حملات را که باعث تلفات افراد ملکی گردیده و یک طرف درگیر در منازعه در مورد پذیرش مسؤلیت نموده است، را تعقیب نموده اند. هدف این تلاشها این بوده که پاسخ دهی در صورت تلفات افراد ملکی را که به طرفهای مشخص و گروه های مسلح نسبت داده میشود، توسعه بخشیده و ترویج روحیه حفاظت افراد ملکی را به حیث یک هدف با طرفهای مشخص، تعقیب نماید. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و بخش حقوق بشر یوناما در ارتباط مسؤلیت برای حملات، تعداد زیاد از تلفات افراد ملکی را در سال 2010 برجسته ساخته که هیچ یکی از طرفین درگیر یا گروههای مسلح مسؤلیت آن را به عهده نگرفته است.

عناصر مخالف دولت

عناصر مخالف دولت از وسایل غیر قانونی جنگی که شامل تاکتیک های نا متوازن می گردد، استفاده نموده است. بویژه استفاده از مواد انفجاری تعبیه شده و حملات انتحاری که ظاهراً اهداف نظامی را هدف قرار میدادند اما به شمول حق زنده گی حقوق اساسی افغانها، قواعد اسلامی و اصول حقوق بشر دوستانه بین المللی را در رابطه با معیارهای تشخیص، تناسب و احتیاط در جنگ، نقض نموده است.¹ این تاکتیک ها باعث افزایش ارقام تلفات افراد ملکی گردیده، به شکل سیستماتیک در بین مردم ملکی وحشت ایجاد نموده و در تعداد زیادی از

¹ - تمامی طرفهای درگیر در افغانستان که تمام عناصر نیروهای مخالف دولت را نیز شامل میگردد، براساس مقررات بین المللی مسؤلیت قانونی دارد تا از حمله بر افراد ملکی خود داری نموده و از اصول زیر اطاعت نماید: اصل تمیز: "طرفهای درگیر در تمام اوقات بین افراد ملکی و نیروهای جنگی فرق قایل گردد" و نیز "بین اهداف نظامی و ملکی". پروتوکول الحاقی 1، ماده 48. برای معلومات بیشتر به فقره 2 ماده 51 مراجعه گردد که میگوید "افراد ملکی هدف حمله نباید قرار گیرد" و فقره 2 ماده 52 که بیان میدارد "حملات باید دقیقاً به اهداف نظامی محدود باشد" اصل تناسب: "در حمله که قتل و جرح افراد ملکی، تخریب اهداف غیر نظامی یا ترکیب ازین دو را باعث می شود، اگر در مقایسه به آن هدف مستقیم و اصلی حمله نظامی آثار مخرب بیشتری را برملکی ها ایجاد کند موضوع نامتناسب بودن حمله مطرح می گردد." پروتوکول الحاقی 1، جزء (ب) فقره (5) ماده 51. اصل احتیاط در حمله: "در اجرای عملیات های نظامی، مواظبت های پایدار جهت حفاظت افراد ملکی و اهداف ملکی مد نظر گرفته شود" و تمام اقدامات احتیاطی عملی بخاطر "جلوگیری، یا هر نوع تلاش که قتل و جرح افراد ملکی و تخریب اهداف غیر نظامی را به حد اقل می رساند" مد نظر گرفته شود" پروتوکول الحاقی 1، فقرهای (1) و بخش (2) جزء (الف) فقره 2 ماده 57.

بخشهای که متأثر از جنگ بوده، دست رسی به وسایل ضروری زندگی را محدود ساخته است. افزایش زیاد در استفاده از مقادیر زیاد و اشکال پیشرفته مواد انفجاری تعبیه شده بطور نامتناسب افراد ملکی را متضرر ساخته است. در سراسر کشور 21 درصد انفجارهای مواد انفجاری تعبیه شده و 46 درصد حملات انتحاری منجر به تلفات افراد ملکی گردیده است.

حملات انتحاری 11 درصد از مجموع مرگ افراد ملکی که به نیروهای مخالف دولت نسبت داده می شود و 8 درصد از مجموع کشته شده گان سال 2010 را تشکیل میدهد که نسبت به سال 2009، 15 درصد کاهش یافته است. همان طوریکه رقم حملات انتحاری در سال 2009 و 2010 در سطح مشابه بوده (تقریباً 140 حمله در هر سال) این ظاهراً نشان می دهد که حملات انتحاری افراد کمتری را نسبت به سال 2009 از بین برده است. عناصر مخالف دولت مسؤول قتل های هدفمند صدها فرد ملکی هستند، افراد و اقارب افراد که گمان می رفتند حامی دولت افغانستان و یا نیروهای بین المللی می باشند، مقامات بلند پایه حکومت در سطح ولایت مانند والی، ولسوال، اعضای شورای ولایتی، بزرگان مذهبی و مردمان عادی از قبیل داکتر، معلم، متعلمین و کارمندان بازسازی مورد هدف قرار می گرفتند و به قتل می رسیدند. عناصر مخالف دولت تعداد زیادی از افراد ملکی را به ظن جاسوسی، نسبت به هردلیل واضح دیگر به قتل رسانیده اند که غالباً شکل قتل های خارج از حوزه محکمه (فرا قضایی) را بخود می گرفت. کمک رسانان، کارمندان مؤسسات غیر دولتی (داخلی و خارجی) و آنهای که بخاطر ترقی و رشد مردم کار می کردند در طول سال مورد هدف قرار می گرفتند. آنها یا به قتل می رسیدند یا اختطاف میشدند و یا هم تاکتیک های تهدید آمیز دیگر در مورد آنها بکار گرفته می شد.

تأثیرات اجتماعی و روانی و نقض حقوق بشر در قبال قتل ها و ترورهای که صورت می گیرد به مراتب مخرب تر از کشته شدن یک فرد است. یک فرد که مصمم به راه یافتن به شورای ولسوالی هست یا می خواهد به سود کاندیدای مشخص کمپاین کند، می خواهد وظیفه ای را در یک نهاد که کارهای توسعه وی دارد احراز نماید یا دوست دارد آزادانه در مورد یک فرمانده ساحوی طالبان صحبت نماید، غالباً می داند که تصمیم شان نتایج احتمالی مرگ و زنده گی را بدنبال دارد. ترورها بدین معناست که افراد را از مستفید شدن از بنیادی ترین حقوق بشری شان یعنی زندگی و امنیت، آزادی بیان، مشارکت سیاسی، انجمن، کار و آموزش و پرورش باز بدارد. این ممانعت و عدم استفاده افراد از حقوق شان بار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی داشته، چون این روند تلاش های حکومت داری و توسعه را باز می دارند. نه نیروهای امنیتی افغان و نه قوت های نظامی بین المللی می تواند افراد ملکی را از ترورها حفاظت کند.

اختطاف های افراد ملکی در مقایسه با سال 2009، 83 درصد افزایش یافته که 137 نفر در سال 2009 و 251 نفر در سال 2010 را تشکیل می دهد.

هرچند انتشار لایحه یا دستور عمل جدید توسط طالبان در ماه می 2010 مقررات مبنی بر کاهش تلفات افراد ملکی را شامل می شدند. اما کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و بخش حقوق بشر یوناما هیچ تلاش هماهنگ شده ای را مبنی بر تحقق این فرامین توسط طالبان یا عکس العملی در مقابل آن فرماندهان یا اعضای طالبان که از این مقررات اطاعت نمی کردند، را مشاهده ننموده و همچنان بخش حقوق بشر یوناما

و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان تعداد زیاد حملات نا متناسب و بدون تفکیک را در سال 2010 درج کرده اند که منجر به تلفات افراد ملکی گردیده و طالبان مسؤولیت حمله را به عهده گرفته است.

نیروهای طرفدار دولت

هرچند تعداد نیروهای طرفدار دولت به 107000 نفر توسعه یافتند، این افزایش، عملیات های نظامی را نیز به دنبال داشت، با آنهم تلفات افراد ملکی (کشته و مجروح) منسوب به نیروهای طرفدار دولت در مقایسه با سال 2009، 21 درصد کاهش یافته است. به تعداد 840 فرد ملکی کشته و مجروح (12 درصد از مجموع کشته شده گان و زخمی ها) منسوب به نیروهای طرفدار دولت می باشد. با وجود افزایش حملات هوایی و حملات جستجو و بازداشت یا تلاشی شبانه در سال 2010، تلفات افراد ملکی ناشی از این نوع حملات روند نزولی داشته که در ارتباط به حملات جستجو و بازداشت یا تلاشی شبانه کاهش 18 درصد به ثبت رسیده است.

تلاش های نیروهای نظامی بین المللی و افغان به هدف کاهش تلفات افراد ملکی در سال 2010 باعث شده تا افراد ملکی کمتر در مقایسه با سال قبلی توسط این نیروها کشته و زخمی گردد. در حالیکه در شمار نیرو های بین المللی و عملیات های نظامی در سال 2010 افزایش بعمل آمده است، از تلاش باعث بر کاهش در آسیب رساندن به افراد ملکی قدردانی میگردد.

تلفات افراد ملکی ناشی از حملات شبانه و دیگر تاکتیک های جنگی در سال 2010 کاهش یافته است. ظاهراً دلیل این کاهش همانا مقررات بود که در قالب رهنمود های متعدد تاکتیکی، روشهای عملیاتی استاندارد و رهنمود های نافذ در رابطه به عملیات های ضد شورش توسط نیروهای بین المللی روی دست گرفته شدند که استفاده از نیرو را محدود ساخته و در مورد حفاظت افراد ملکی تأکید به عمل می آورد. ولی هنوز هم نگرانی های در مورد تحقق کامل و هماهنگ روش ها و رهنمود های تاکتیکی در ساحه ای جنگی و نگرانی ها در زمینه تداوم فقدان شفافیت در تحقیقات و پاسخ دهی در مورد تلفات افراد ملکی وجود دارد.

حملات شبانه باعث ارقام بلند تلفات افراد ملکی نگردیده اما این عملیات ها مدام خشم و رنجش گسترده ای را در بین مردم افغانستان بجا می گذارد. به باور تعداد زیاد از مردم، نیروهای طرفدار دولت بخاطر عدم تعقیب عدلی و تحقیق شفاف و کارا برای بد رفتاری های که در جریان حملات شبانه انجام می دهند، از معافیت برخوردار می باشند. نگرانی های دیگر مانند عدم اطلاعات در مورد موقعیت اشخاص که در تحت توقیف قرار گرفته، ناتوانی در زمینه جبران خسارت برای آنها که حیات شان را از دست داده، مجروح گردیده و در موارد که تخریب ملکیت صورت گرفته، وجود دارد. عوارض جانبی دیگر که حملات شبانه به دنبال دارد، بدنامی خانواده متاثر شده ای بزرگان محل در بین مردم میباشد که گویا "از فامیل و خانه شان واری کرده نمیتواند".

با در نظر داشت تشدید جنگ، نیروهای طرفدار دولت نمیتوانند رهنمود های تاکتیکی و معیارهای را که استفاده از نیرو و حملات شبانه را تنظیم مینمایند، رعایت نمایند. بازنگری مداوم، تحلیل و ارزیابی رهنمود های تاکتیکی و تطبیق آنها در ساحه، حفاظت افراد ملکی توسط نیروهای طرفدار دولت را بیشتر تقویت می بخشد.

طرح پولیس محلی در افغانستان

در ماه اگست سال 2010، حکومت افغانستان برنامه ایجاد پولیس محلی در افغانستان را روی دست گرفت. به عنوان طرح امنیت روستایی، تحت پوشش وزارت امور داخله تصمیم گرفته شد تا برای حفاظت جامعه از نیروهای مخالف دولت از طریق استخدام افراد محلی در قالب نیروی مسلح همراه با وظایف امنیتی محدود، اقدام صورت گیرد. این برنامه در حال حاضر برای جذب 15700 سرباز در 61 ولسوالی اجازه میدهد که تا سطح 30000 سرباز در 100 ولسوالی بالا برده شده میتواند. در سطح ولسوالی، پولیس محلی مستقیماً به قومندان امنیه گزارش می دهد. نیروهای ویژه امریکا بدون در نظر داشت نقش رسمی نظارتی، نقش مربی را داشته و قبل از تسلیم پولیس محلی افغان به نیروهای دولتی برای آموزش بیشتر، برای یک دوره ای محدود با بخشهای مربوطه کار میکند و آنها را آموزش می دهد.

بخش حقوق بشر یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، تأسیس و کارکرد پولیس محلی افغان را در حوزه های متعدد دیده بانی کرده اند. درحالیکه پذیرفتنیست که از آغاز این کار چند ماه محدود میگذرد و ارزیابی درست آن مستلزم مدت زیادی میباشد، نگرانی های در مورد نظارت ضعیف و میکانیزمهای استخدام، بررسی، فرماندهی و کنترل، آموزش محدود مستخدمین و کارایی گزارش دهی اینها به قومندان امنیه وجود دارد. این نگرانیها در ولایات کندز و بغلان، ولسوالی خاص ارزگان در ولایت ارزگان و ولسوالی کجران ولایت دای کنده مشاهده گردیده است. در ساحات دیگر که شامل ولسوالی پشت رود ولایت هرات، ولسوالی جاجی ولایت پکتیا و ولسوالی برمل ولایت پکتیکا می باشد، مردم در باره پولیس محلی در مناطق شان خوشبین بودند. قابل یاد آور است که صلاحیت، مسؤولیت و نقش پولیس محلی در ارتباط به بازداشت افراد، به شکل واضح تعریف نشده و در مورد توقیف های خود سرانه وضاحت داده نشده و پروسه تسلیم دهی اشخاص بازداشت شده، شرایط بازداشت و پیشگیری از رفتارهای بد نیازمند تعریف می باشد. کمیسیون مستقل حقوق بشر و بخش حقوق بشر یوناما اصرار بر این دارد که نظارت شدید و بررسی در مورد تمام عناصر پولیس محلی و نیز تأدیب فوری اعمال جرمی و سوء استفاده های پولیس محلی ضروری پنداشته می شود تا اطمینان حاصل گردد که این برنامه باعث کاهش حفاظت افراد ملکی نشده و زمینه بیشتر معافیت مهیا نمی گردد.

عملیات های نظامی در جنوب افغانستان

در سال 2010، افزایش نیروهای بین المللی و عملیات های نظامی بر مناطق جنوبی تمرکز یافته بود. عملیات های گسترده جهت زدودن نیروهای طالبان از ولایت هلمند و ولسوالیهای اطراف شهر کندهار آزمون بزرگی منجیت استراتژی مبارزه با شورش پنداشته شده که بواسطه نیروهای دولتی و هم دستان شان دنبال می شد. طالبان با تلاش های رقابتی شدید در برابر گسترش کنترل حکومت با ابزار مختلفی که ترور افراد را نیز شامل می گردید، واکنش نشان دادند. 41 درصد از مجموع کشته شده گان و مجروحین سال 2010 در مقایسه با تمام مناطق افغانستان در جنوب اتفاق افتاده است.

در جریان سال 2010، بخش حقوق بشر یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان که موضوعات مربوط به حفاظت افراد ملکی در جنوب را به دقت نظارت و بررسی می کردند، به این نتیجه رسیدند که موضوعات مربوط به حفاظت افراد ملکی در جنوب خیلی مشابه با دیگر مناطق

افغانستان است. مواد انفجاری تعبیه شده نسبت به تاکتیکهای دیگر، افراد ملکی را بیشتر تلف نموده و نیروهای دولتی و هم دستان شان عملیاتهای مکرر را به شمول حملات شبانه انجام داده اند. هرچند روند تلفات افراد ملکی در ولایات هلمند و کندهار بطور برجسته متمایز بود. در ولایت هلمند تلفات افراد ملکی ناشی از جنگ های مسلح بین طالبان و نیروهای طرفدار دولت و ترورهای هدفمند به شکل حیران کننده ای 78 درصد در مقایسه به سال 2009 افزایش یافته است. در حالیکه در ولایت کندهار ارقام کشته ها و زخمی ها فقط 11 درصد در مقایسه با سال 2009 افزایش یافته. گرچند آمار تلفات افراد ملکی در کندهار پیش از این بالا بود. عملیات های تصفیوی توسط نیروهای طرفدار دولت در فبروری سال 2010 در ولسوالی های مارجه و نادعلی ولایت هلمند که خشونت های شدید را نیز به دنبال داشت، در واقع بخش عمده و اساسی افزایش تلفات افراد ملکی را در ولایت متذکره تشکیل می دهد. برعکس عملیات های تصفیوی در ولسوالی های سرحدی شهر کندهار مانند ارغنداب، دند، پنجوایی و ژئی در بین ماه های جولای و نومبر 2010 منجر به بالا رفتن مشابه تلفات افراد ملکی نگردید، هرچند که این عملیات ها منجر شد تا ملکیت های مردم به مقیاس وسیعی تخریب گردد.

به هدف ترویج امنیت بهتر برای افراد ملکی در افغانستان در سال 2011، بخش حقوق بشر یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، ملاحظات ذیل را در ارتباط عملیاتهای مارجه و کندهار پیشکش می کند: تصمیم استراتژیکی مقدماتی توسط نیروهای طرفدار دولت با گزینش یک ساحه ای جنگی مهم در محیط روستایی پر جمعیت در مارجه، بدون در نظر داشت موجودیت پولیس افغان و بالا بردن ظرفیت های حمایتی برای مردم، زمینه افزایش تلفات افراد ملکی را مساعد ساخته بود. تصمیم بر ایجاد پایگاه های متعدد نظامی و پوسته های پولیس در مناطق پر جمعیت قبل از پاکسازی کامل آنجا زمینه خطرات بالقوه را مهیا ساخت چون زد و خورد های مسلحانه بین طالبان و نیروهای دولتی به شکل روزمره افراد ملکی را متأثر می ساخت. ترور افراد ملکی توسط طالبان و استفاده از ملکیتها به حیث سپر انسانی، مشخصاً در مناطق پر جمعیت نه تنها از جمله تاکتیک های غیر قانونی به شمار میرفت بلکه نتایج مخربی را بر افراد ملکی بجا گذاشت.

این تفاوت در تلفات ملکی بین عملیات ها در ولسوالی مارجه و نادعلی و ولسوالی های اطراف شهر کندهار با وجود تشدید عملیاتها در کندهار، ممکن نتیجه درس های باشد که نیروهای طرفدار دولت در عملیات های هلمند آموخته بودند. در عملیات های کندهار دو عامل مرتبط به هم را می توان برجسته ساخت: نیروهای دولتی و همکاران شان مشوره های وسیعی را قبل از آغاز عملیات ها با مردم روی دست گرفتند و یک سلسله عملیات های کوچکتر در اطراف شهر کندهار به راه انداخته شد. تعداد زیادی از عملیات ها در کندهار از قبل پلان شده بودند یعنی در واکنش به حملات طالبان نبود که نیرو های طرفدار دولت در پاسخ دست به اقدام می زدند. علاوه حملات به شکل دقیق جنگجویان طالبان را هدف قرار میداد که در نتیجه تلفات افراد ملکی محدود بود.

بخش حقوق بشر یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان شاهد مقیاس گسترده ای تخریبات خانه ها، محصولات و سیستم آبیاری در حملات که در کندهار صورت گرفته بود، می باشد. تعداد زیادی از خانه ها به هدف از بین بردن مواد انفجاری تعبیه شده و تقویت پایگاه های دفاعی نیروهای متحد دولت خراب گردیدند. موثرهای نظامی بخاطر

جلوگیری از آسیب مواد انفجاری تعبیه شده در سرکها، در کنار جاده ها رفت و آمد می کردند اما در این جریان، دیوار ها، باغها و سیستم های آبیاری را تخریب می نمودند. نیروهای متحد دولت ساختمان های را که بخاطر کشمکش سازی ساخته شده بود به هدف این که مبادا نیروهای مخالفین از آن ساختمان ها به حیث سنگر استفاده کند، تخریب نمودند. بخش حقوق بشر یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر سازمان ملل متحد با بزرگان ولسوالی ژئی و پنجوایی صحبت نموده و نگرانی های افراد ملکی را چنین جمع بندی نموده است: " تاکنون تمام عملیات های نظامی نتیجه منفی داشته، زیرا آنها خانه ها، باغها، و سیستم های آبیاری مردم را خراب می سازد. ما نمی دانیم که چه روشنایی در پشت این عملیاتها نهفته است." و "تصور کنید که من یک خانه کوچک و باغی دارم، اگر شما آن را در بدل آمدن صلح در آینده خراب می کنید، آنگاه این صلح چه خوبی را میتواند برای من داشته باشد."

در حالیکه نیروهای متحد دولت مواظبت های را بخاطر جلوگیری از تلفات افراد ملکی در عملیات های کندهار مد نظر گرفته بود، اما نورم های حقوق بشردوستانه بین المللی در مورد تعریف اهداف نظامی، تناسب و در نظر گرفتن احتیاط در حمله، چنین به نظر می رسد زمان که ملکیت های ملکی در خطر بودند به دقت اعمال نمی شدند.

این یک موضوع مهم هست که عملیات های تصفیوی در اطراف شهر کندهار در مقایسه با هلمند تلفات ملکی اندکی را بجا گذاشت. هرچند نتایج دراز مدت این عملیات ها برای مردم معطوف براینست که نیروهای متحد دولت امنیت با ثبات را در مناطق متذکره ایجاد نماید، اولویت بندی و وجوه کافی را برای باز سازی ملکیت های مردم اختصاص دهند. نتایج دراز مدت همچنان به طرفین درگیر و چگونگی اقدام آنها در جلوگیری از تلفات افراد ملکی در تابستان آینده و روند صعودی پیش بینی شده ای جنگها در کندهار و جلوگیری از تکرار بهار و تابستان 2010 مارجه ارتباط می گیرد. تعداد اندکی ساکنین کندهار خوش بینی محتاطانه ای را درباره آینده شان ابراز نموده اند چنانکه یکی از بزرگان قوم از ولسولی پنجوایی به بخش حقوق بشر یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در اکتوبر 2010 گفته بود که "ما می خواهیم شاهد امنیت در طول سال باشیم، نه امنیت شش ماهه".

دست رسی به کمک های بشر دوستانه

افراد ملکی در جریان درگیری های مسلحانه به شدت متأثر گردیده، اینها نه تنها در یک فضای مملو از وحشت و دهشت کشته و مجروح گردیده بلکه بیجا شده گی، ویرانی و تخریب ملکیت، از دست دادن وسیله معیشت، نبود آزادی رفت و آمد و عدم دست رسی به وسایل اولیه زندگی مانند مواظبت های صحی، غذا، و آموزش و پرورش از جمله مشکلاتی بودند که افراد ملکی با آن دست و پنجه نرم می نمودند. بر اساس اطلاعات کمیشنری عالی سازمان ملل در امور مهاجرین به تعداد 102658 نفر در اثر درگیری های سال 2010 از خانه های شان بیجا شده اند. نا امنی و خشونت سد راه اصلی جهت کمک رسانی بوده که کمک کننده گان با توجه به اوضاع پرمخاطره نمی تواند به افراد نیازمند و اشخاص بیجا شده کمک نمایند. کمک کننده گان به این اشخاص و در محیط که اینها زندگی می کنند دست رسی ندارند و اوضاع افراد آسیب پذیر بدتر نیز می شود. حضور تعداد زیاد از گروههای مسلح بر کمک های انسان دوستانه تأثیر منفی را بجا گذاشته چون

سلامت کارمندان کمک های بشر دوستانه در تعداد زیادی از ساحات تضمین نمی شود.

نتیجه

چنانچه موضوع پروسه انتقال مسؤولیت امنیتی از نیروهای بین المللی به قوت های افغان در جریان سال 2011 عملی می گردد، بخش حقوق بشر یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان تأکید می نماید تا پروسه انتقال، امنیت و محافظت افراد ملکی را باید تقویت ببخشد. پروسه انتقال دست کم نباید منجر به کاهش حفاظت افراد ملکی گردد چون نیروهای امنیتی افغان بشمول پولیس محلی افغانستان نیازمند نظارت، آموزش، اداره و مسؤولیت پذیری در مناطق که انتقال صورت می گیرد، می باشد. بخش حقوق بشر یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان تأکید می نماید که پروسه انتقال عناصر مهم از برنامه های گسترده ای مربوط به امنیت مردم را باید در بر داشته و احترام به حقوق بنیادی انسان ها، بخصوص حقوق زنان و کودکان را رشد داده و نهادینه سازد.

حکومت افغانستان، نیروهای بین المللی و مخالفین دولت به حیث طرفهای درگیر در منازعه مطابق به مقررات بین المللی مسؤولیت های واضح را در ارتباط به محافظت افراد ملکی دارند. بخش حقوق بشر یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان بار دیگر از طرفهای درگیر دعوت به عمل می آورد تا بالای افراد ملکی حمله نکنند، به حقوق بنیادی مربوط به حیات افراد ملکی در افغانستان احترام گذاشته و مقررات مشروع بین المللی مانند اصول تفکیک، تناسب و احتیاط در جنگها را بپذیرند، اصول که طرفهای درگیر را به حد اقل رساندن تلفات افراد ملکی مکلف می سازد.

پیشنهادات

پیشنهاد به عناصر مخالف دولت یعنی طالبان و دیگر گروههای مسلح مخالف دولت:

- هدف قرار دادن افراد ملکی به شکل فوری متوقف گردد. چون کارمندان ملکی دولت افغانستان و افراد ملکی که با نیروهای نظامی بین المللی کار میکنند مطابق به مقررات اسلامی و قواعد بین المللی از هر نوع حمله مصون میباشند، پس نباید کشته شوند، همچنان تمام فرامین که حملات و کشتن افراد ملکی را اجازه می دهد باید برگردانده شود.
- تطبیق و اجرای دستور العمل و رهنمود های که حمله بر افراد ملکی را منع می کند و تطبیق دستور العمل های که آن عناصر مخالف دولت را، که افراد ملکی را به قتل رسانیده و مجروح می سازد، مسؤول قرار می دهد.
- توقف تلفات افراد ملکی با پذیرش مقررات حقوق بین المللی بشر دوستانه که اصول تناسب، تفکیک و احتیاط در جنگ را در برمی گیرد.
- بررسی و گزارش دهی تمام حادثات که منجر به تلفات افراد ملکی گردیده و عامل آن عناصر مخالف دولت می باشد. گماشتن یک شخص مسؤول قابل اطمینان جهت شریک نمودن اطلاعات مربوط به تلفات افراد ملکی.
- توقف عاجل گونه های مختلف قتل و ارباب و ارباب که بر اساس قانون اساسی، قوانین داخلی افغانستان، حقوق بین المللی بشر دوستانه و حقوق بشر بین المللی ممنوع قرار داده شده است. گونه های مختلف قتل و ارباب، ترور، اختطاف، تهدید، قطع عضو و گردن زدن را شامل می گردد.
- حصول اطمینان بر اینکه افراد ملکی بتواند به طور کامل از حق آزادی رفت و آمد شان مستفید شده و به سهولت های اولیه زندگی که شامل صحت، آموزش و پرورش می شوند، دست رسی داشته باشد.
- توقف فوری ایجاد پوسته های غیر قانونی که آزادی عبور و مرور افراد ملکی را محدود می سازد.
- توقف فوری استفاده افراد ملکی به حیث سپر انسانی که جنگجویان را ازین طریق در مقابل حملات حفاظت می کنند.
- توقف عاجل حملات بر مکاتب، تأسیسات صحتی و مساجد که بر مبنای حقوق بین المللی بشر دوستانه اینها از جمله مکان های بیست که باید محافظت گردد.

پیشنهاد به نیروهای نظامی بین المللی:

- به عهده گرفتن تحقیقات شفاف و منصفانه در مورد تمام حادثات که این نیروها عامل تلفات افراد ملکی می باشند. گزارش بدون تأخیر و همگانی در مورد جریان و نتایج تحقیقات و عکس العمل انضباطی و جزایی در مقابل افراد که در مورد نقض فاحش حقوق بشر بر مبنای مقررات بین المللی حقوق بشر و نقض شدید حقوق بین المللی بشر دوستانه، مسؤول قلمداد می گردد.
- حصول اطمینان از اینکه فرماندهان ساحوی، طرز العمل عملیاتی معیاری و رهنمود های تاکتیکی را در جریان استفاده از نیرو و حملات شبانه بطور کامل تطبیق نموده و با تقویت پروسه معیاری

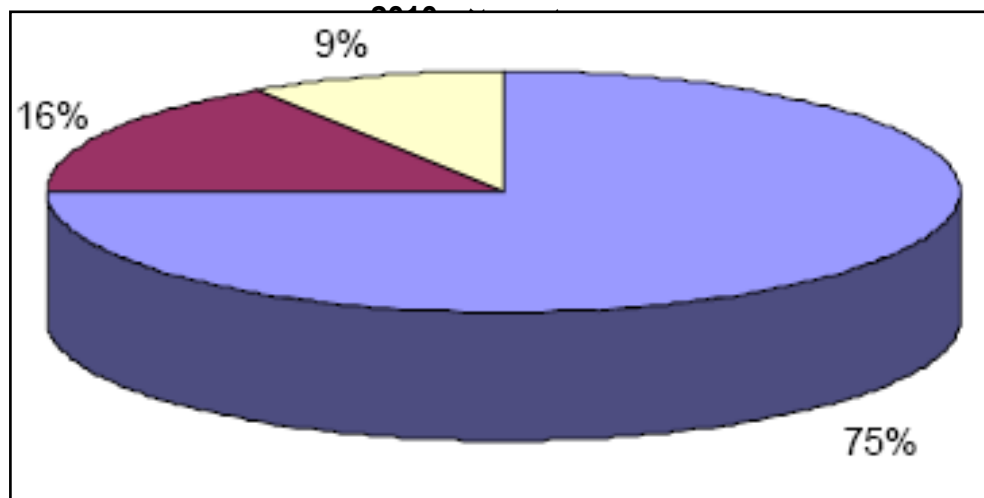
- ساختن، دیده بانی شفاف و میکانیزم ارزیابی، تطبیق این رهنمود ها را ارزیابی کند.
- کاوش جهت بدیل مناسب برای حملات شبانه و حصول اطمینان بر اینکه تمام حملات جستجو و بازداشت یا تلاشی شبانه مشترکاً یا با هدایت نیروهای امنیتی افغان صورت می گیرد. عنعنات مذهبی، فرهنگی و سنتی افغان ها بطور کامل احترام شده و مسؤولیت های قانونی بین المللی از قبیل اصول تناسب، تفکیک و احتیاط در جنگ ها را تطبیق کنند. حصول اطمینان بر اینکه نیروهای امنیتی افغان و نیروهای بین المللی برگه های تماس خیلی معیاری را به قربانی ها و اقارب بازداشت شده گان مطابق به رهنمودهای تاکتیکی تسلیم نماید.
- بهبود شفافیت در مورد حملات نیروهای ویژه امریکا تا این نیروها مسؤولیت آن حادثات را که مردم از اثر اعمال آنها متضرر می شوند، به شکل صریح بپذیرد.
- موضوعی که به نیروهای کمک امنیت بین المللی و تمام قوت های امریکا بشمول نیروهای عملیاتی ویژه امریکا ارتباط می گیرد همانا تأکید بر تطبیق رهنمود های غیر الزامی ناتو در مورد پرداخت جبران خسارات و ارایه طرز العمل عملی و مفصل برای ثبت تلفات افراد ملکی، اخذ درخواستها، انجام تحقیقات، و پیشنهاد اصلاحات در مورد جبران خسارات، عذرخواهی، همدردی و سایر اجراءات که بیانگر تکریم باشند، را در بر می گیرد.
- تطبیق دستور العمل عملیاتی معیاری که قواعد و مقررات متعارف را برای نحوه ای جمع آوری مدارک از محل بررسی و طرز العمل تسلیم دهی مدارک به مقامات افغان، طرح می نماید.
- بطور جامع بازنگری تمام تصامیم نیروهای کمک امنیت بین المللی و نیروهای امریکا به هدف حصول اطمینان جهت مطابقت آن تصامیم با حقوق بین المللی بشر دوستانه در ارتباط به عملیات های که منجر به تخریب ملکیت های افراد ملکی می گردد. کاوش و استفاده از ابزار و شیوه های بدیل که تخریب ملکیت و معیشت را به حد اقل رساند.
- حمایت تأسیس یک میکانیزم متناسب جهت نظارت بر ایجاد، استخدام و فعالیت های بخش پولیس محلی افغان بخاطر جلوگیری از خلاف کاری و اعمال غیر قانونی خارج از صلاحیت پولیس محلی و برای حصول اطمینان بر اینکه بخش پولیس محلی، مطابق به قواعد داخلی و بین المللی که شامل حقوق بشر و مقررات بین المللی بشر دوستانه می شود، عمل می کند.

پیشنهاد به حکومت افغانستان

- ایجاد یک ساختار مسلکی با ثبات و ذیصلاح دولتی که حادثات بزرگ تلفات افراد ملکی را رسیده گی نموده و اختیار داشته باشد تا با تمام جوانب ذیعلاقه در مورد شریک ساختن اطلاعات، تحقیقات و دست آورد ها در مورد تلفات افراد ملکی، کار نماید.
- تطبیق طرز العمل معیاری جبران خسارات با روشهای متناسب، شفاف و بموقع، آگهی عمومی در باره طرز العمل ها در مورد افراد ملکی که از جنگ متأثر می گردد. که این مهم رویه های مربوط به جبران خسارات و پاسخ دهی را نیز شامل می گردد.

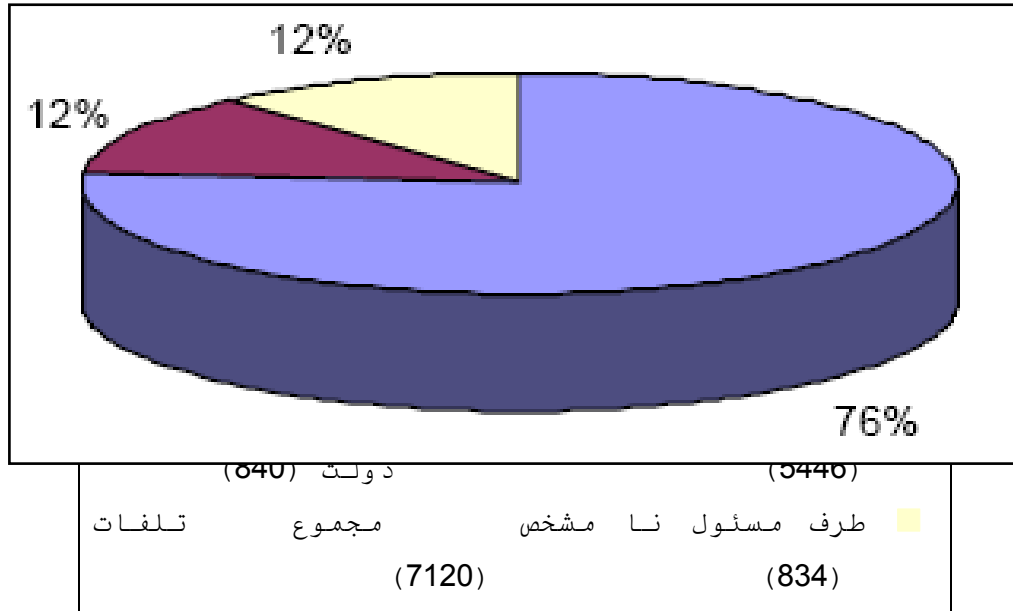
- چنانچه رهبری مسؤولیت امنیت از نیروهای نظامی بین المللی به قوت های افغان انتقال می نماید، ایجاد یک ساختار در میان اردوی ملی افغان تا به حیث یک بدنه مسؤول در مورد تلفات افراد ملکی کار کند، ضروری بوده و موضوعات چون مستند سازی، تحقیقات، پاسخ دهی و جبران خسارات را نیز بررسی نماید.
- نیروهای افغان با همکاری طرفداران بین المللی شان معیارهای را تقویت و تحقق بخشد که بر مبنای آن افراد ملکی که بالقوه برای ترور هدف هستند را محافظت کند.
- حصول اطمینان از اینکه نیروهای امنیتی افغان بشمول پولیس محلی مسؤولیت های شان را بر اساس حقوق بین المللی بشر دوستانه به هدف حفاظت افراد ملکی و مد نظر گرفتن تمام اقدامات احتیاطی موجهه بخاطر جلوگیری و به حد اقل رساندن تلفات افراد ملکی و جلوگیری از تخریب ملکیت افراد ملکی، بطور کامل احترام نماید.
- مدنظر گرفتن معیارهای شفاف و فوری به هدف نهادینه ساختن روحیه پاسخ دهی برای هر عضو نیروهای امنیتی افغان بشمول پولیس محلی. یعنی برای آنها که به شکل غیر قانونی باعث کشته و مجروح شدن افراد ملکی یا سبب نقض حقوق شهروندی افغان ها می گردند، معیارهای انضباطی و تعقیب عدلی را نیز شامل می گردد.
- حصول اطمینان از اینکه تمام میکانیزم های بازداشت، تحقیق، تعقیب عدلی و محاکمه با استاندارد های ملی و بین المللی یک محاکمه بی طرف مطابقت داشته و هیچ شخصی بدون تحقیقات و تعقیب عدلی مناسب رها نگردد و آنها که مسؤول جنایت های شدید می باشند، در مقابل جنایات شان جواب ده باشند.
- به ملاها و رهبران با نفوذ مذهبی انگیزه داده شود تا طرف های منازعه را دعوت نمایند که به کشتن و مجروح ساختن افراد ملکی خاتمه داده و تأثیر جنگها بر افراد ملکی را کاهش دهد.

مجموع کشته شده گان افراد ملکی توسط طرفهای درگیر در منازعه در

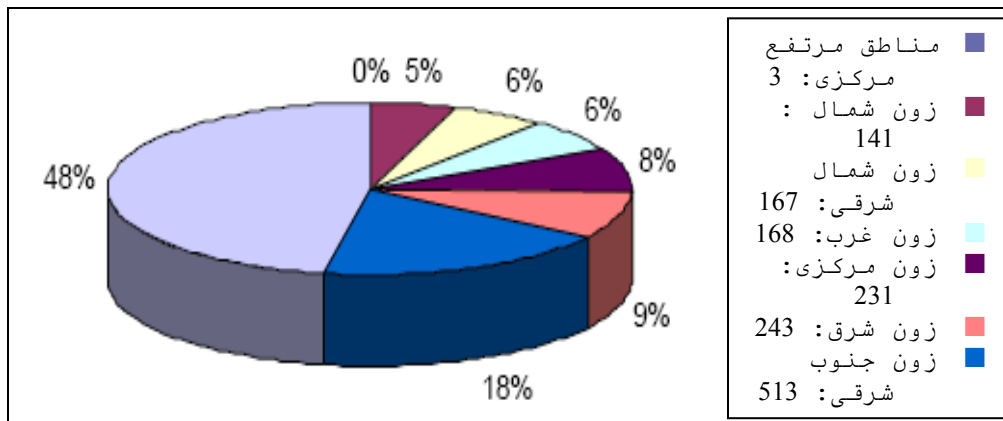


| | |
|---------------------|--------------------|
| ■ عناصر ضد دولتی | ■ نیرو های طرفدار |
| (2080) | دولت (440) |
| ■ طرف مسئول نا مشخص | مجموع تلفات (2777) |
| (257) | |

مجموع تلفات افراد ملکی (به شمول قتل و جرح) در جریان سال 2010،
توسط طرفهای درگیر منازعه

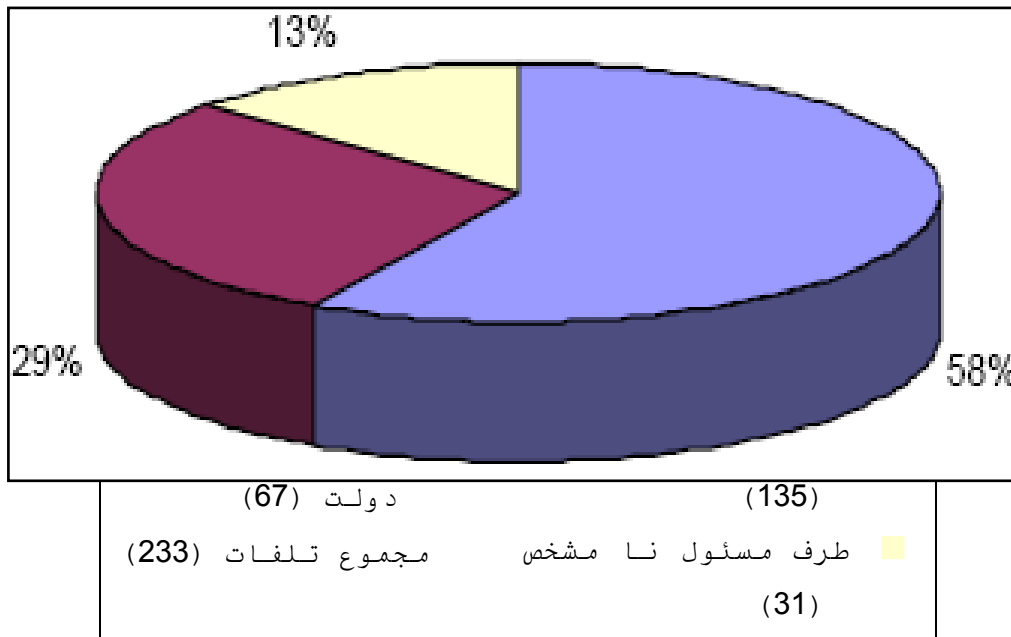


مجموع کشته شده گان افراد ملکی در جریان سال 2010، تفکیک بر
مبنای زون ها

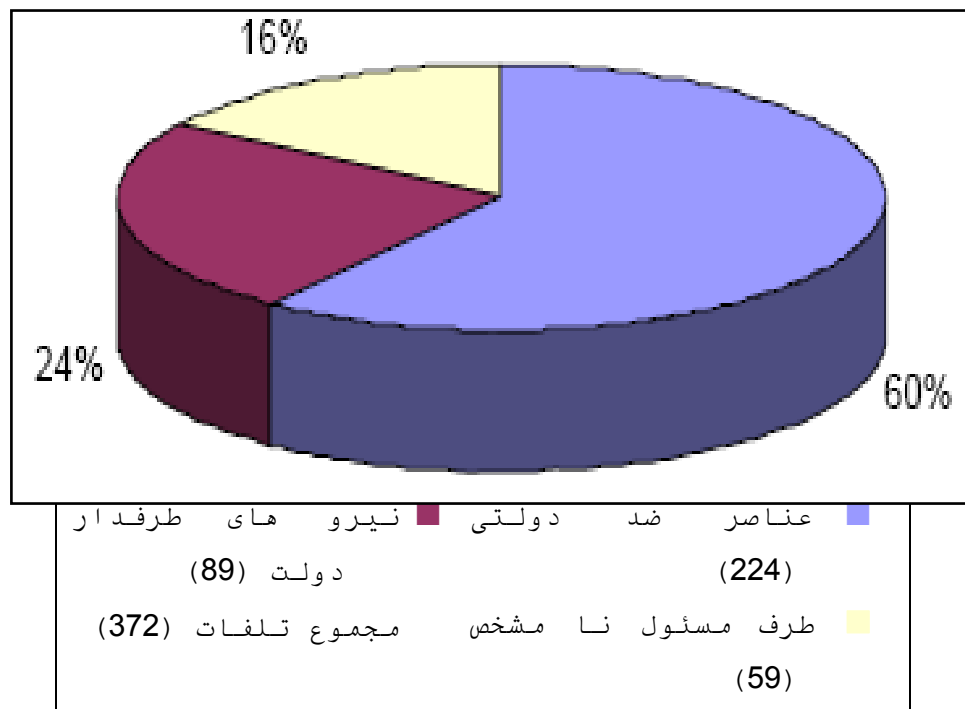


تعداد کشته شدگان طبقه اناث توسط طرف های درگیر در جریان سال

2010



تعداد اطفال کشته شده توسط طرف های درگیر در جریان سال 2010



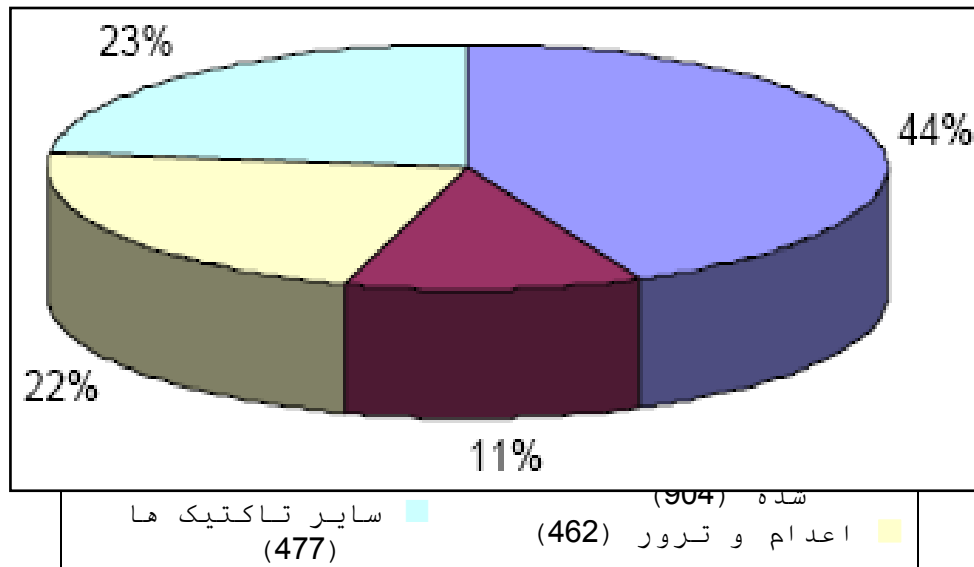
عناصر مخالف دولت و محافظت از غیر نظامیان

تحلیل حقوقی پیرامون وجایب طرف های غیر دولتی: در یک منازعه مسلحانه ای که بعد بین المللی ندارد، طرفهای غیر دولتی از گروه های مسلحی تشکیل گردیده، مانند طالبان و سایر عناصر ضد دولتی در گیر در جنگ در افغانستان که طبق حقوق عرفی بشردوستانه بین المللی و مطابق حکم ماده سوم مشترک بین کنوانسیونهای 1949 ژنیو و پروتوکول الحاقی دوم کنوانسیون ژنیو، ملزم می باشد. این گروهها عین وجایب دولت ها را مبنی بر محدود نمودن خطراتی که از ناحیه منازعات متوجه اشخاص ملکی می گردد، حفاظت از افراد ملکی ای که در خصومت ها دخیل نمی باشند و خودداری از هدف قرار دادن اشخاص و اشیای ملکی، را دارا می باشند. از دید این گزارش، شخص ملکی شخصی است که نقش مستقیمی را در خصومت ها ایفا نمی کند. این تعریف دربرگیرنده همه ای اشخاص ملکی و آنهاست که مصروف ارائه خدمات عمومی است و آن خدمات به شکل مستقیم برای مقاصد نظامی به کار نمی رود، شامل می گردد. افراد که شامل معلمین، کارمندان صحت کلینیک ها و سایرینی می گردد که مشغول ارائه خدمات عامه بوده، به شمول شخصیت های سیاسی و دفتر داران. این تعریف همچنین شامل آنچه از سربازان می شود که دیگر توانایی اشتراک در عملیات های محاربوی را به دلیل جراحت شدید یا تسلیم شدن، ندارند. همچنین شامل پولیس ملکی که در درگیری و جنگ علیه شورشیان سهم ندارند و همچنان سربازان که به شکل مستقیم در جنگ دخیل نیست و حالاتی را شامل می شود که سربازان مشغول وظیفه نمی باشند.

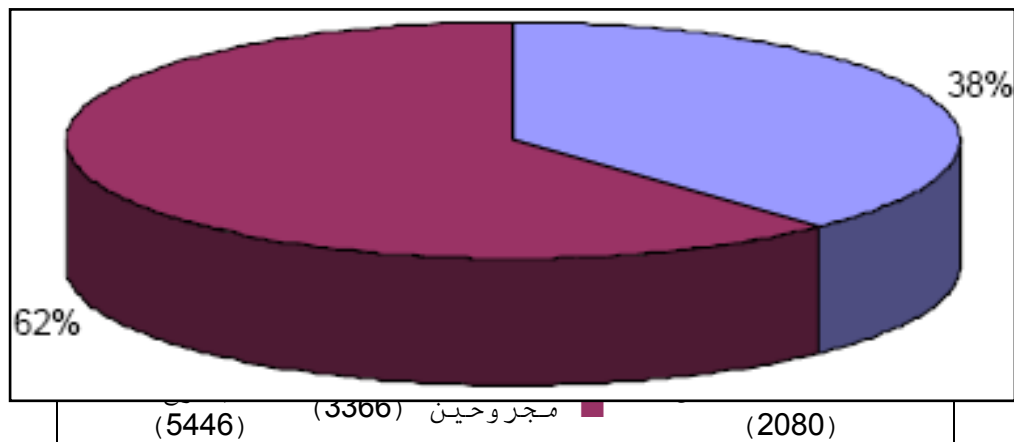
1. طرح کلی

از 1 جنوری الی 31 دسمبر 2010، تعداد 5446 کشته شده گان و زخمی های افراد ملکی به عناصر ضد دولتی نسبت داده شده است که 76% مجموع تلفات ملکی طی سال مذکور را تشکیل می دهد. عناصر ضد دولتی به تعداد 2080 کشته شده گان ملکی و 3366 حادثه منجر به جراحت افراد ملکی به ترتیب (75 و 78% مجموع کشته شده گان و مجروحین افراد ملکی در سال 2010 را) مسؤل می باشد. مواد منفجره کارگذاری شده، حملات انتحاری، ترور، اعدام، اختطاف، تهدید و ارباب از شایع ترین تاکتیک های به کار گرفته شده از سوی عناصر ضد دولتی بوده است. این طور معلوم می شود که به کارگیری تاکتیک های مذکور به هدف سبوتاژ کردن حمایت از دولت افغانستان و متحدین بین المللی اش و ایجاد ترس و وحشت میان افراد ملکی به عنوان ابزاری برای کنترل شان بوده است.

تعداد افراد ملکی کشته شده ای منسوب به عناصر ضد دولتی در جریان سال 2010، تفکیک بر اساس نوع حادثه



تعداد تلفات افراد ملکی (کشته شده گان و زخمی ها) توسط عناصر ضد دولتی



گروه های مسلح بی شماری در افغانستان فعالیت دارند که در این گزارش به مجموع آنان عناصر ضد دولتی اطلاق شده است. این گروه ها شامل ذیل بوده ولی محدود به آن نمی باشند: طالبان، که به دسته های متعددی تقسیم شده اند و همکاران این گروه؛ حزب اسلامی و سایر دسته های آن، شبکه حقانی، و همکاران القاعده مانند جنبش اسلامی ازبکستان، اتحادیه جهاد اسلامی، لشکر طیبه، و جیش محمد. طی سال 2010 بعضی موقع یک گروه مشخص مسئولیت یک حادثه خاص را به عهده گرفته اند. رویهمرفته همه گروه ها تاکتیک هایی را به کار برده اند که شامل حملات که حالت دفاعی بخود می گیرد، درگیری زمینی، و همچنین تاکتیک های نابرابر مانند مواد انفجاری کارگذاری شده،

حملات انتحاری، ترور، اعدام، اختطاف و ارباب می شود. در مواقع که هیچ گروهی مسئولیت را به عهده نگیرد، این غالباً دشوار است که بتوان مسئولیت یک حمله ویژه را به گروه مسلح مخالف مشخص نسبت داد.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و بخش حقوق بشر یوناما یک سلسله مساعی را برای ردیابی اطراف که مسئولیت حملات را به عهده گرفته اند، به خرج دادند تا در بر جسته نمودن فرهنگ حساب دهی و به شکل بهتر جانب داری از محافظت افراد ملکی و طرح آن با یک عده ای مشخص از عناصر مخالفین دولت، کمک نموده باشد. با ردیابی قبول مسئولیت ها کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و بخش حقوق بشر یوناما تعداد زیادی از حملاتی را برجسته ساختند که هیچ گروهی مسئولیت آنها را به عهده نگرفته اند، و با ردیابی حوادث، تمایلات را که تمام حملات نیروهای مخالف دولت و تلفات افراد ملکی را به طور مشخص به طالبان نسبت دهد، رفع نموده باشد.

تحلیل الگو هایی از حملات انجام شده توسط مواد منفجره کارگذاری شده در سطح ولسوالی ها در سراسر کشور نشان می دهد که چه یک تفاوت فاحش میان این ولسوالی ها از نظر اینکه چگونه این مواد بدون فرق گذاری [اهداف مشخص] انفجار داده شده اند، وجود دارد. با تحلیل ولسوالی های با ده یا بیشتر انفجار، تفاوت های جالب متعددی به ملاحظه رسیده است. به طور نمونه در ولسوالی ژیری (قندهار) 75% از انفجارات انجام شده توسط مواد منفجره کارگذاری شده، منجر به قتل و جراحت افراد ملکی شده است، در حالیکه در ولسوالی پنجوایی (قندهار) ده درصد از این انفجارات باعث قتل و جراحت افراد ملکی شده است. در ولسوالی چمکنی (پکتیا) 27 درصد از انفجارات باعث قتل و جراحت افراد ملکی شده و در حالیکه در ولسوالی زرمات این ولایت تنها 10 درصد از انفجارات باعث تلفات ملکی شده است. این تفاوتها بیانگر این است که قتل و جراحت افراد ملکی بسته به تصمیم گیرنده گان در سطح ولسوالی ها و عملکرد قومندان های موجود عناصر مخالف دولت در سطح ولسوالی هاست.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و بخش حقوق بشر یوناما تحلیل های بیشتری را در مورد این رویدادها جهت توسعه گزارش دهی حادثه و گفتگو با فرماندهان و ساحات مشخص به هدف جانب داری از محافظت افراد ملکی، انجام می دهد.

کاربرد مواد منفجره کارگذاری شده، حملات انتحاری، راکت و هاوان در سال 2010 افزایش یافته است. حتی در مواردی که اشیای نظامی مانند تاسیسات نظامی، جنگجویان (نیرو های طرفدار دولت) هدف قرار می گیرند، این حملات و تاکتیک ها غالباً به شکل غیر متناسبی به افراد ملکی آسیب رسانیده است. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و بخش حقوق بشر یوناما دریافته اند که اکثر حملات در مناطق ملکی انجام شده است جایکه اهداف نظامی یا مشخص نبوده و یا ناشناخته بوده اند. مواد منفجره کارگذاری شده و حملات انتحاری به طور ویژه در مناطقی همچون بازار ها، مراکز تجارتي و یا در طول جاده ها به کار رفته اند که غالباً مملو از افراد ملکی می باشند.

کاربرد تاکتیک هایی مانند ترور، اعدام، اختطاف و برخی از مواد منفجره کارگذاری شده و حملات انتحاری غالباً افراد خاصی را قصداً هدف قرار داده اند که به شکل مستقیم در خصومت ها دخیل نبوده اند. در قالب یک کمپاین وسیع ایجاد رعب و وحشت، طبقه قابل ملاحظه ای از مقامات ولایتی، بزرگان قومی، و افراد ملکی ای که برای حکومت و یا نیروهای نظامی بین المللی کار می نمودند به شکل سیستماتیک و گسترده ای هدف قرار داده شده اند. افراد مورد هدف مذکور غالباً، اختطاف گردیده، کشته شده، سربریده شده، و در برخی موارد معیوب گردیده اند. عناصر ضد دولتی در اکثر موارد یادداشتی را در کنار اجساد افراد ملکی ای که کشته شده بود می گذاشتند که در آن سبب قتل فرد مذکور ذکر می گردید. این تاکتیک باعث گسترش ترس و رعب در جوامع گردیده و بیش از پیش باعث کاهش حمایت از حکومت و نیروهای نظامی بین المللی می گردید.

عناصر ضد دولتی پوسته های بازرسی غیر قانونی را بویژه در زون های شرق، شمال و جنوب ایجاد نموده اند. این پوسته ها آزادی گشت و گذار مردم را شدیداً محدود ساخته است و مردم نمی توانند بدون ترس و آزار و اذیت تردد نمایند. در برخی موارد که عملیات نظامی جریان دارد در نتیجه محدودیت گشت و گذار، مردم، مشخصاً از دسترسی به خدمات معالجوی عاجل، محروم گردیده بود. عناصر ضد دولتی همچنین پوسته های بازرسی غیرقانونی را به منظور شناسایی کارمندان دولتی و یا افرادی که برای نیروهای نظامی بین المللی کار می کنند ایجاد نموده بودند. بسا افراد ملکی که در این پوسته بازرسی که توقف داده شده بودند اختطاف گردیده و یا به قتل رسیده اند.

1.1. به عهده گرفتن مسئولیت توسط طالبان

طالبان به شکل مکرر مسئولیت حملات، بویژه حمله با مواد منفجره کارگذاری شده، حملات انتحاری، و ترور را به عهده گرفته اند که در آن از موفقیت در تحقق اهداف شان گزارش داده اند. در یک عده حملات دیگر، گروه های مسلح مخالف به شمول طالبان بعضاً بیانیه هایی را صادر نموده اند و طی آن مسئولیت عین حمله را به عهده گرفته اند.

طالبان غالباً مسئولیت حملات را از طریق سخنگوی شان و از طریق بیانیه های مطبوعاتی و یا یادداشتهایی که نزدیک جسد فرد مقتول به جا می گذاشته اند، به عهده گرفته اند. در تلفات ملکی ثبت شده توسط کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و بخش حقوق بشر یوناما، طالبان در بیشتر موارد مسئولیت آن حملاتی را که منجر به تلفات ملکی شده اند به عهده نگرفته اند. به عنوان مثال، در حالیکه اکثریت قاطع تلفات ملکی به وقوع پیوسته در سال 2010، در نتیجه مواد منفجره کارگذاری شده بوده است، ولی طالبان مسئولیت تعداد محدودی از آنها را به عهده گرفته اند. در شرق، از مجموع 88 حادثه مواد منفجره کارگذاری شده که توسط کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و بخش حقوق بشر یوناما ثبت شده اند، طالبان فقط مسئولیت 6 مورد از آن را به عهده گرفته اند. سه مورد از این حوادث نیروهای طرفدار حکومت را هدف قرار دادند ولی بقیه آن علیه اهداف غیر نظامی انجام شده که منجر به قتل 10 تن و جراحت 43 تن افراد ملکی به شمول کودکان گردیده اند.¹

¹ - این حوادث ذیلاً برجسته می گردد: در 7 اپریل یک بمب کارگذاری شده در بایسکل علیه یک کاروان نیروهای نظامی بین المللی در شهر جلال آباد ولایت ننگرهار انفجار داده شد

در جنوب، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و بخش حقوق بشر یوناما 302 مورد حمله با مواد منفجره کارگذاری شده توسط عناصر مخالف دولت را ثبت نمودند که منجر به قتل 511 فرد ملکی شده بود که از آن جمله طالبان فقط مسئولیت سه مورد آن را به عهده گرفته بودند که یکی یک پوسته امنیتی را هدف قرار داده بود، و هدف یک دیگر نامشخص مانده و سومی معاون قوماندانی امنیه ولسوالی ریگستان را هدف قرار داده بود.¹

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و بخش حقوق بشر یوناما 150 مورد حملات انتحاری را در سراسر کشور ثبت نموده اند که طالبان از مجموع این رقم فقط مسئولیت 59 مورد آن را پذیرفته است. طبق اسناد کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و بخش حقوق بشر یوناما طالبان مسئولیت 21 حادثه انتحاری از مجموع 42 حادثه از این نوع ثبت شده در جنوب را به عهده گرفته اند. همه این حملات پولیس ملی را هدف قرار داده بودند. ولی با آنهم طالبان مسئولیت چندین مورد عمده از حملات انتحاری و مواد منفجره کارگذاری شده که منجر به تلفات چشمگیر ملکی در جنوب شده بود، را به عهده نگرفته اند.² در زون شرق، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و بخش حقوق بشر یوناما هفت مورد حمله انتحاری را ثبت نموده اند که از جمله این هفت مورد طالبان فقط مسئولیت چهار مورد آن را پذیرفتند. همه این حملات در مناطقی صورت گرفته که در آن ازدحام مردم ملکی وجود داشت. همه ای این حملات در روی پل ها واقع شد که ظاهراً نیروهای طرفدار دولت را هدف قرار می داد ولی منجر به تلفات زیاد شدند.³

که از اثر آن سه فرد ملکی جان داده و 13 تن دیگر آنان جراحت برداشتند. بتاريخ 4 جولای یک بمب کارگذاری شده علیه یک تانکر سوخت خالی در شهر جلال آباد انفجار داده شد که هیچگونه تلفاتی از آن گزارش نشد. بتاريخ 11 اکتوبر یک بمب کارگذاری شده، موتر مربوط به یک شرکت ساختمانی خصوصی را در ولسوالی قرغه بی ولایت لغمان هدف قرار داد که هیچگونه تلفات ملکی از آن گزارش نشد. بتاريخ 14 نوامبر یک بمب کنترل شده از راه دور به نزدیک یک وسیله نقلیه مربوط به اردوی ملی افغانستان در یک جاده مزدحم در شهر جلال آباد منفجر شد که از اثر آن دو فرد ملکی به شمول یک پسر 17 ساله کشته و هفت کودک دیگر که بین 4 الی 13 سال سن داشتند جراحت برداشتند. بتاريخ 22 نوامبر یک بمب کارگذاری شده در نزدیکی یک پوسته بازرسی پولیس ملی در مجاورت شفاخانه صحت عامه در شهر مهنترلام منفجر شد که چهار فرد ملکی را به قتل رسانید و 23 تن دیگر را مجروح ساخت. بتاريخ 26 نوامبر عناصر ضد دولتی بر یک مهمانخانه خصوصی با سلاح های سبک و مواد منفجره کارگذاری شده حمله بردند که منجر به مجروح شدن یک فرد ملکی شد.

¹ بتاريخ 9 جنوری یک بمب کنار جاده در نزدیکی یک پوسته امنیتی در شهر قندهار منفجر شد که منجر به قتل یک فرد ملکی و مجروحیت یک فرد ملکی دیگر شد. بتاريخ 19 اپریل، یک بمب کنترل شده از راه دور که در یک کراچی متصل به مرکب(خرکادی) کارگذاری شده بود، جان سه کودک را گرفته و دو فرد ملکی دیگر را مجروح ساخت. بتاريخ 29 اکتوبر یک بمب کارگذاری شده به نزدیک موتر معاون قوماندان امنیه ولسوالی ریگستان انفجار نمود که وی و یک تن از بزرگان قومی را به قتل رساند.

² به عنوان مثال به تاریخ 10 دسمبر یک وسیله نقلیه ملکی در ولسوالی خانشین ولایت هلمند که حامل 19 سرنشین بود و با یک بمب کنار جاده برخورد نمود که 15 تن از سرنشینان ملکی آن که در بین آنها زنان و کودکان نیز بودند از بین رفتند و چهار تن دیگر جراحت برداشتند. هیچ گروهی مسئولیت این بمب گذاری را به عهده نگرفت. بتاريخ 21 مارچ یک حمله کننده انتحاری در شهر گرشک ولایت هلمند در یک بازار و در بالای یک پل خود را منفجر نمود که در نتیجه آن هفت فرد ملکی کشته شده و 11 تن دیگر جراحت برداشتند. هیچ گروهی مسئولیت این حمله را به عهده نگرفت. بتاريخ 27 اپریل در ولسوالی دامان ولایت قندهار در نزدیکی میدان هوای این شهر سه تن مهاجمان انتحاری بر کاروان یک شرکت امنیتی خصوص حمله نمودند که 4 تن را کشته و 30 تن دیگر را زخمی نمودند. هیچ گروهی مسئولیت آن را به عهده نگرفت. بتاريخ 4 سپتمبر در شهر قندهار یک بمب کارگذاری شده در وسیله نقلیه در مقابل کاروان نیروهای نظامی بین المللی انفجار داده شد که منجر به قتل 4 فرد ملکی و جراحت 11 تن دیگر گردید. هیچ گروهی مسئولیت این انفجار را به عهده نگرفت.

³ به تاریخ 6 جون یک واسطه نقلیه بمب گذاری شده انتحاری در برابر یک کاروان نیروهای بین المللی در پل بهسود شهر جلال آباد ولایت ننگرهار منفجر شد که منجر به زخمی شدن 12 غیر نظامی به شمول چهار طفل گردید. بتاريخ 21 جون، یک تن انتحار کننده زن به یک پوسته بازرسی مشترک پولیس ملی افغانستان و نیروهای بین المللی در پل شولتان

از مجموع 214 مورد ترور در جنوب که توسط کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و بخش حقوق بشر یوناما ثبت شده اند، طالبان مسئولیت 9 مورد را به عهده گرفته اند. افراد قربانی شامل مسئولین بلند پایه ولایتی، اعضای شورا ها، افراد ملکی متهم به جاسوسی و بزرگان قبایل بوده اند. در شرق کشور، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و بخش حقوق بشر یوناما 18 مورد اعدام را ثبت نمودند که طالبان مسئولیت 14 مورد آن را به عهده گرفتند. اکثریت غیر نظامیان به خاطر جاسوسی کشته شدند و در کلیه موارد یا نامه های حاوی دلایل کشتن افراد از نزد اجساد شان پیدا شده است و یا اینکه طالبان خانواده فرد قربانی و مردم محل را از جریان و دلیل قتل مطلع ساخته اند.

1.2. بیانیه های طالبان در مورد تلفات ملکی

طالبان بیانیه های متعددی را در طول سال منتشر نمودند. آنها به منظور تطبیق پالیسی ها و اعلام نیت شان مبنی بر هدف قرار دادن " تمامی حامیان مهاجمان خارجی"¹ فرمانهایی را به قومندان های محلی خویش صادر نمودند و یا هم گزارش های دفتر یوناما، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و سایر سازمان های حقوق بشر در مورد تلفات ملکی را "ساختگی، جانبدارانه، یک طرفه و نا درست" خوانده و آن ها را رد یا انکار نمودند. بعد از نشر گزارش شش ماهه بخش حقوق بشر یوناما در مورد حفاظت افراد ملکی در ماه آگست، طالبان نیز بیانیه ای را بتاريخ 15 آگست منتشر نمودند و به منظور تحقیقات در مورد خسارات وارده به افراد ملکی، ایجاد یک کمیته مشترک را پیشنهاد نمودند.² با آنکه کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و بخش حقوق بشر یوناما این پیشنهاد را فرصت خوبی برای باز شدن باب گفتگو با طالبان در مورد حفاظت از افراد ملکی میدانند، اما هر گونه گفتگو و مذاکره باید بر مبنای خواست و تمایل واقعی آنها جهت کاهش سطح تلفات ملکی صورت گیرد.

در ماه می 2010، طالبان یک لایحه (مقرره طرز سلوک) جدید را برای مجاهدین امارت اسلامی صادر نمودند.³ این نسخه نیز همانند لایحه های قبلی، قواعد و مقرراتی را در باره مسایلی از قبیل زندانیان، حملات

واقع در ولسوالی شیگل و شولتان ولایت کنر حمله کرد که در نتیجه این حمله یک تن از افراد ملکی کشته و 13 تن دیگر به شمول نه طفل زخم برداشتنند. گروه طالبان از طریق یک بیانیه منتشر شده به رسانه ها حضور یک حمله کننده انتحاری زن را تایید نمودند. در 9 جولای، یک واسطه نقلیه بمب گذاری شده انتحاری در برابر کاروان نظامیان بین المللی در نزدیکی پل بهسود انفجار نمود که در اثر این رویداد، یک فرد ملکی کشته و 10 تن دیگر به شمول دو کودک مجروح شدند. بتاريخ 10 دسمبر، یک واسطه نقلیه بمب گذاری شده انتحاری در نزدیکی پل نگرک در ولسوالی سرخ رود ولایت ننگرهار، امنیت ملی را هدف قرار داد که در نتیجه این حمله یک زن غیرنظامی جان باخت. طالبان در تمام بیانیه هایی که به خاطر پذیرفتن مسئولیت انجام حملات منتشر نموده اند، تلفات ملکی را ذکر نکرده اند.

1- 8 می 2010، "بیانیه مقاومت افغانستان. بیانیه شورای رهبری امارت اسلامی افغانستان به مناسبت آغاز عملیات الفتح." این بیانیه شامل رهنمود ذیل می باشد: "عملیات الفتح علیه آمریکایی های متجاوز، پرسونل نظامی ناتو، مشاورین خارجی، جاسوس هایی که از دروغ به شکل دیپلمات های خارجی کار می کنند، اعضای اداره دست نشانده کرسی و اعضای کابینه، اعضای پارلمان، کارمندان وزارت به اصطلاح دفاع، ریاست استخبارات، وزارت عدلیه، وزارت امور داخله، قراردادی های شرکت های امنیتی خصوصی داخلی و خارجی، قراردادی ها و پرسونل شرکت های ساختمانی و لوژیستیکی نظامی و تمام حامیان متجاوزین خارجی را که به خاطر تقویت سلطه بیگانه کار می نمایند، هدف قرار خواهد داد... 1- کسانی که از کافران حمایت می نمایند، یکی از آنها محسوب گردیده و به دلیل ارتکاب این خیانت مجازات خواهند شد؛ 2- صاحبان و کارکنان شرکت های حمل و نقل و شرکت های ساختمانی... باید به این فعالیت های غیر قانونی شان نقطه پایان بگذارند. [در غیر آن مجاهدین] پرسونل شان را خواهند کشت و وسایل و تجهیزات شان را نابود خواهند کرد."²

2 "واکنش سخنگوی امارت اسلامی افغانستان در باره سروی تلفات ملکی،" 15 آگست 2010، http://www.shahamat.info/english/index.php?option=com_content&view=article&id=1181:response-of-zabihullah-mujahid-the-spokesman-of-islamic-emirate-of-afghanistan-about-civiliancasual&catid=4:statements&Itemid=4

3- لایحه مشتمل بر 14 فصل و 85 ماده می باشد.

انتحاری و طرز رفتار در حالات جنگ و منازعه بیان میدارد. طالبان چه در بیانیه ها و چه در مقررۀ طرز سلوک، هدف خویش را مبنی بر کاهش تلفات ملکی با صراحت بیان داشته و گفته اند که "رهبری گروه طالبان طرفداران خویش را در افغانستان هدایت داده است تا با مردم عوام با نرمی و ملایمت رفتار نمایند."¹ با این وجود، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و بخش حقوق بشر یوناما تا کنون شاهد هیچ گونه تلاش منسجم از طرف طالبان جهت تطبیق فرمانهای مذکور یا اقدام علیه فرماندهان و اعضای که از مقررات سر پیچی نموده اند، نبوده است. علاوه بر این، قسمیکه در فوق نیز گفته شد، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و بخش حقوق بشر یوناما چندین مورد از حملات بدون تبعیض و نا متناسب را ثبت نموده اند که منجر به ایجاد تلفات ملکی گردیده و طالبان مسئولیت انجام آنها را به عهده گرفتند.

تحلیل حقوقی در بارۀ استفاده از مواد منفجره کار گذاری شده و حملات انتحاری: استفاده از مواد منفجره تعبیه شده در موارد زیادی اصول حقوق بشر دوستانه بین المللی یعنی اصول فرق گذاری، تناسب و احتیاط را نقض می نماید. هر گونه حمله انتحاری که مستقیماً افراد ملکی را هدف قرار می دهد یا هر نوع حمله ای از این دست که احتمال می رود تلفات و خساراتی را فراتر از مقتضیات نظامی ببار آورد، نقض حقوق بشر دوستانه بین المللی تلقی می گردد. انجام حملات انتحاری به عنوان یکی از روش های حمله در جریان منازعات مسلحانه فی نفسه ممنوع نیست. هرچند، انجام حملات انتحاری در زمانی که افراد ملکی هدف قرار گیرد، یا زمانی که با نقض اصل تناسب احتمال تلفات ملکی، وجود داشته باشد و یا در حالات انجام شود که فراتر از اصول باشد، نقض حقوق بشر دوستانه بین المللی به شمار میرود. علاوه بر این، بیشتر حملات انتحاری با آنکه اهداف مشروع نظامی را آماج قرار می دهد ولی بنابر وقوع این گونه حملات در اماکن عامه و جاهایی که حضور افراد ملکی زیاد است، اصل تناسب رعایت نمی گردد، زیرا انجام حملات انتحاری در همچو موارد دلیل قاطعی است بر قصور طرف در امر اتخاذ کلیۀ اقدامات احتیاطی به منظور کاهش تلفات ملکی، در جای که زمینه تلفات احتمالی وجود داشته باشد

2. حملات انتحاری وبمب های تعبیه شده

2. 1. بمب های تعبیه شده

حملاتی که با استفاده از مواد منفجره کار گذاری شده صورت گرفته، عامل مرگ بخش اعظم افراد ملکی در سال 2010 بوده است. به اثر این تاکتیک طی سال 2010، به تعداد 904 تن کشته و 1662 تن زخم برداشتند (33 فیصد مجموع افراد کشته شده ملکی و 38 فیصد مجموع زخمی های ملکی در سال 2010)، بیش از نیم این حملات در جنوب کشور به وقوع پیوست. از زمان انتخابات ریاست جمهوری و شوراها ولایتی در آگست 2009 تا کنون ماه جولای با (355) و آگست با (316) کشته و مجروح به دلیل نزدیکی به انتخابات پارلمانی ماه سپتمبر، شاهد بلند ترین رقم تلفات ملکی ناشی از این گونه حملات بوده است.

¹ بیانیۀ طالبان در پاسخ به انتشار گزارش سالانۀ ملل متحد راجع به حفاظت از افراد ملکی در سال 2009، 15 جنوری 2010.

در مقایسه با سال 2009، در سال 2010 میزان تلفات ملکی ناشی از مواد منفجره تعبیه شده تا مرز 40 فیصد افزایش یافت. این افزایش چشمگیر ناشی از استفاده از مواد منفجره کار گذاری شده در سال 2010، حتی در مواقعی که اهداف مشروع نظامی آماج حمله قرار گرفته است، به شکل نا متناسب خسارات ملکی را ببار آورده است. مواد منفجره کار گذاری شده سبب مرگ اکثریت افراد ملکی در جنوب کشور بوده است که رویهمرفته در طول سال 511 تن کشته شدند، در این میان ماه های جون و جولای (با کشته و زخمی شدن 420 تن از افراد ملکی) مرگبار ترین ماه سال بوده است. همچنین رقم بالای تلفات ملکی در سایر مناطق کشور به ترتیب ذیل ثبت شده است: جنوب شرق در ماه آگست (65)، شمال در ماه سپتامبر (57)، شرق در ماه نوامبر (57) و شمال شرق در ماه اکتوبر (52).

عناصر ضد دولتی در سال 2010 از مواد منفجره کار گذاری شده بیش از هر تاکتیک دیگر در جنگ استفاده کردند. مواد منفجره کار گذاری شده بنابر طبیعت ویرانگرانه و محل کارگذاری شان، بیشترین خسارات را بر افراد ملکی وارد نموده اند. گرچه مقادیر زیادی از مواد منفجره کار گذاری شده قبل از منفجر شدن کشف شده اند،¹ اما بیشتر آنها پیش از اینکه کشف شوند انفجار نموده اند که به کشته و زخمی شدن افراد ملکی انجامیده اند. بر اساس ارقام اداره امنیت و مصنونیت ملل متحد (UNDSS)، دست کم 5995 مورد از مواد منفجره کار گذاری شده در جریان سال 2010 کشف و یا منفجر شده است و از این رقم کلی، حد اقل 3238 مورد آن انفجار نموده است.² بیست و یک فیصد از انفجارات ناشی از مواد منفجره کار گذاری شده منجر به مرگ 937 تن از افراد ملکی گردیده است.

در جنوب کشور 1281 مورد انفجار (ناشی از مواد منفجره کار گذاری شده) به وقوع پیوست که در نتیجه این منطقه شاهد بیشترین میزان همچو انفجارات بوده است. از این رقم مجموعی، 294 مورد سبب کشته شدن 513 فرد ملکی در جنوب گردید و بیشتر افراد کشته شده ملکی یعنی 220 آن از ولایت هلمند می باشد. ولسوالی های لشکرگاه و نادعلی (به شمول مارجه) ولایت هلمند بیشترین میزان تلفات ملکی را در این ولایت به خود اختصاص دادند و سطح تلفات ملکی ناشی از مواد منفجره کار گذاری شده در ولسوالی های مذکور بالترتیب 40 و 16 فیصد بوده است.

¹- بر مبنای این گزارش، اصطلاح IED detonations عبارت از رویداد هایی اند که مواد منفجره بدون اینکه توسط نیرو های امنیت ملی افغانستان یا نیرو های نظامی بین المللی کشف شوند، منفجر می شوند. منظور از کشفیات مواردی است که نیرو های امنیت ملی افغانستان یا نیرو های نظامی بین المللی مواد منفجره کار گذاری شده را پیدا و خنثی می نمایند و یا آن را به صورت کنترل شده انفجار می دهند. این تعریف از اداره امنیت و مصنونیت ملل متحد (UNDSS) گرفته شده است.

²- ارقام انفجارات و کشفیات مربوط به مواد منفجره تعبیه شده برای سال 2010 توسط اداره امنیت و مصنونیت ملل متحد تهیه شده است.

2.1.1. استفاده از مواد منفجره تعبیه شده بدون تفکیک

استفاده گسترده از مواد منفجره کار گذاری شده توسط عناصر ضد دولتی حاکی از عدم تمایل یا عدم توانایی آنها در فرق گذاری بین اهداف نظامی و ملکی می باشد. مواد منفجره در جاده های تحت رفت و آمد غیر نظامیان، در ساحات تجارتي مثل بازار ها، در داخل ساختمان ها مثل مکاتب و کلینیک ها یا در بدنه موتور سیکلنت ها و ریکشا ها کار گذاری و جا سازی شده بودند. در اغلب موارد حملات انجام شده سبب وقوع تلفات ملکی گردیده است در حالیکه معلوم نبوده است که عناصر ضد دولتی با انجام این حملات مشخصاً چه کسانی را هدف داشته اند.

در 45 مورد انفجارات ثبت شده توسط کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و بخش حقوق بشر یوناما، هر حادثه بیشتر از 5 نفر را به قتل رسانده است، حد اقل در 30 مورد کدام هدف مشخص نظامی وجود نداشته است. اکثر رویداد ها در اثر مواد منفجره کار گذاری شده در کنار جاده ها، مواد کار گذاری شده قابل انفجار بر اثر فشار وزن یا مواد منفجره سیم کشی شده به وقوع پیوسته است و سبب می شود که هر وسایط نقلیه که به مواد منفجره تماس نماید، انفجار رخ دهد. اکثر مناطق کشور شاهد افزایش استفاده از مواد منفجره کار گذاری شده بوده، حتا با وجود ممنوع شدن آمونیم نایتريت در ماه جنوری، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و بخش حقوق بشر یوناما ملاحظه نمودند که در موارد زیادی مواد منفجره مورد استفاده در مقایسه با موارد قبلی بزرگتر و پیچیده تر بوده است.

بر مبنای حقوق بشر دوستانه بین المللی، طرفین منازعه باید مردم ملکی را از جریان حملات و عملیات قریب الوقوع مطلع سازند. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و بخش حقوق بشر یوناما تنها چند مورد محدود را ثبت نمودند که در آن مخالفین دولت مردم محل را از موجودیت مواد منفجره کار گذاری شده در جاده ها با مطلع ساختند. این امر در ماه مارچ در ولایت فراه زمانی اتفاق افتاد که مخالفین دولت با پخش و توزیع برگه ها در بین ساکنین ولسوالی های خاک سفید و پشت رود، مردم را پیشاپیش از وقوع چندین حمله در ساحه مارجه در جنوب کشور با خبر ساختند.

2.1.2. مواد منفجره جا سازی شده در جاده های پر رفت و آمد

در حالیکه عناصر ضد دولتی مواد منفجره بهتر و بزرگتر را در امتداد جاده ها و سرک ها جا سازی نموده اند، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و بخش حقوق بشر یوناما یاد داشت نموده اند که ملی بس های حامل تعداد زیادی از افراد ملکی با مواد منفجره کار گذاری شده در کنار جاده ها برخورد نموده و در نتیجه تلفات زیادی را ببار آورده است. دست کم در 14 مورد، ملی بس های کلان حامل افراد ملکی که در حال رفت و آمد از جاده ها بودند، با مواد منفجره تعبیه شده برخورد نموده و موجب مرگ شش یا بیشتر از شش غیر نظامی گردیده است. در نتیجه این رویداد ها، به شمول زنان و اطفال مجموعاً 171 نفر کشته و 96 تن دیگر زخم برداشتند. تنها در پنج حادثه، 83 تن از غیر نظامیان کشته و 42 نفر مجروح شدند.

4 مورد این گونه رویداد ها در جنوب (سه مورد در هلمند و یک مورد در نیمروز) و یک مورد در ولسوالی کشک کهنه ولایت هرات در غرب به وقوع پیوست که از این جمله، سه رویداد به تنهایی در ماه دسمبر اتفاق افتاد. همچنین سایر وسایط نقلیه ای که حامل افراد ملکی بوده است با مواد منفجره کار گذاری شده برخورد نموده اند و در یکی از

این رویداد ها که بتاريخ 20 اکتوبر به وقوع پیوست، کاروانی از موتر های عروسی با مواد منفجره تعبیه شده تصادم کرد که در نتیجه 13 تن از افراد ملکی به شمول پنج زن و پنج طفل جان باختند و 10 تن دیگر به شمول شش زن جراحت برداشتند.

این حقیقت که شمار زیادی از افراد ملکی، عمدتاً خانواده ها، از انفجارات ناشی از مواد منفجره کار گذاری شده آسیب می بینند، بیانگر این است که عناصر ضد دولتی این وسایل مرگبار را غالباً بدون فرق گذاری جا سازی نمودند که سبب بلند رفتن میزان تلفات ملکی گردیده است. در 15 ماه مارچ، یک موتر حامل شش تن از اعضای یک خانواده در ولسوالی اندر ولایت غزنی با مواد منفجره کار گذاری شده برخورد نمود که در نتیجه این رویداد سه تن از اعضای فامیل کشته و سه تن دیگر زخم برداشتند. در 16 دسمبر، موتوری که اعضای یک خانواده بزرگ 16 نفری را در قریه چهارده باغ ولسوالی کشک رباط سنگی ولایت هرات حمل می کرد با یک بمب کنترل شده از راه دور برخورد کرد که در اثر رویداد مذکور 12 تن از اعضای آن خانواده کشته و 4 تن دیگر زخمی شدند. اعضای این خانواده برای شرکت در یک مراسم عروسی به طرف مرکز ولسوالی در حرکت بودند.

2. 1. 3. جا سازی مواد منفجره در بدنه موتور سیکلیت ها و ریکشا ها

مواد منفجره به گونه بسیار فنی در بدنه موتور سیکلت ها و ریکشا ها نیز جا سازی می گردید. همچنین از این وسایل به خاطر هدف قرار دادن افراد مشخص ملکی نیز استفاده شده است [به بخش ترور مراجعه فرمائید]. در چندین مورد دیده شده است که در انجام حمله از مقدار زیاد مواد منفجره کار گرفته شده است و اغلب آنها با هدف خویش اصلاً تناسب نداشته است زیرا در اثر انفجار مواد مزبور، شمار زیادی از افراد ملکی کشته و زخمی شده اند. بتاريخ 23 فبروری، مواد منفجره کار گذاری شده در بدنه یک عراده بایسکل ریاست پولیس ترافیک لشکرگاه را هدف قرار داد که در اثر انفجار ناشی از آن هفت تن کشته و 16 تن زخمی شدند. بتاريخ 13 نومبر مواد منفجره کار گذاری شده در بدنه یک عراده موتور سیکلت در ولسوالی امام صاحب ولایت کندز انفجار نمود. گرچه هدف این حمله ممکن یک تن از فرماندهان ملیشه های طرفدار دولت بوده است اما در عوض شش تن از افراد ملکی به شمول سه طفل کشته و 19 تن دیگر زخمی شدند. بتاريخ 31 مارچ، مواد منفجره کار گذاری شده در بازار هفته وار باباجی در ولسوالی سنگین انفجار نمود که منجر به کشته شدن 24 تن و زخمی شدن 46 تن دیگر گردید. هدف از جا سازی مواد مزبور به احتمال خیلی زیاد یک پایگاه آیساف واقع در همان حوالی بوده است که از آسیب در امان ماند.

به تاریخ 20 نوامبر، مواد منفجره جا سازی شده در بدنه یک عراده بایسکل در شهر مهترلام مرکز ولایت لغمان در حدود 20 متر دور تر از نقطه بازرسی پولیس انفجار نمود که در نتیجه آن چهار تن از افراد ملکی کشته و 23 تن دیگر زخم برداشتند. این رویداد در یک جاده مملو از افراد ملکی، در نزدیک ساختمان ها و اماکن رهائشی، مارکیت ها و در فاصله نزدیک با شفاخانه عامه به وقوع پیوست که گروه طالبان مسئولیت این حمله را به عهده گرفتند.

2.1.4. جا سازی مواد منفجره در ساحات پر رفت و آمد تجارتي

یکی از گرایش‌های قابل توجه، کار گذاری و جا سازی مواد منفجره در ساحات پر جنب و جوش تجارتي همچون بازار ها بوده است. چندین مورد انفجار ناشی از مواد منفجره کار گذاری شده در داخل و یا بیرون از مغازه ها به وقوع پیوست که تلفات سنگین ملکی را در پی داشت. وقوع این گونه رویداد ها بیشتر از همه در مناطق شرقی و جنوب شرقی کشور ملاحظه شده است. همانند آنچه در شهر جلال آباد رخ داد، اکثراً مغازه هایی که موسیقی باب و شیرینی جات می فروشند، آماج این حملات بوده اند. در یک رویداد بتاريخ 10 نوامبر، مواد منفجره کارگذاری شده در یک دکان موسیقی در شهر جلال آباد انفجار نمود که بر اساس آن 9 تن از افراد ملکی زخم برداشتند. این رویداد ها اثر هشدار دهنده ای از خود در سراسر جامعه تجارتي ولایت ننگرهار بجا گذاشت، به حدی که سایر مغازه ها از ترس مواجه شدن با حملات انتقام جویانه مخالفین دولت، فروش و نواختن موسیقی را متوقف کردند.

در چهار ولایت جنوب شرقی (خوست، پکتیا، پکتیکا و غزنی) نیز مغازه های زیادی به دلایل نا معلوم مورد حمله قرار گرفتند که منجر به تلفات ملکی گردید. بتاريخ 4 سپتمبر، در اثر انفجار مواد منفجره کار گذاری شده در مغازه ای در نزدیک یک مسجد در شهر غزنی، 28 تن از افراد ملکی زخمی شدند. در ولایت خوست هم کسانی که آماج چنین حملات قرار گرفتند شامل دکان های سلمانی، مغازه های آیسکریم فروشی، قصابی ها و دواخانه ها بوده است که در نتیجه در طی مدت 8 ماه، 21 تن از افراد ملکی کشته و زخمی شدند. در یکی از این انفجار ها که بتاريخ 30 نومبر رخ داد، یک تن از کاندیدان اسبق ولسی جرگه کشته شد. در انجام تمامی این حملات، بین افراد ملکی و نظامی تفکیک صورت نگرفته است و حملات انجام شده متوجه اهداف مشروع نظامی نبوده است.

2.2. حملات انتحاری

در سال 2010، دست کم 71 حمله انتحاری به وقوع پیوست که منجر به کشته شدن 237 غیر نظامی و زخمی شدن 737 تن دیگر شد. از این جمله، هشت مورد آن موجب کشته شدن بیش از ده فرد ملکی گردید و شماری از مرگبار ترین این حملات در مناطق جنوبی و جنوب شرقی به وقوع پیوست. قسمت اعظم این حملات در مناطق جنوبی کشور رخ داده است و سه چهارم آنها به تنهایی در ولایت کندهار اتفاق افتاده است که مجموعاً به تعداد 288 نفر تلفات ملکی را ببار آورد. بیشتر حملات انتحاری نه تنها پایگاه ها و مراکز نیروهای امنیتی ملی افغانستان و نیرو های بین المللی را هدف قرار دادند، بلکه شورا های ولسوالی و مسئولین ولایتی را نیز آماج قرار دادند و از این گونه حملات جهت قتل های هدفمند صورت می گرفت [به بخش موارد ترور مراجعه فرمائید].

حملات انتحاری عامل مرگ 11% کشته شدگان افراد ملکی از مجموع قتل های منسوب به عناصر ضد دولتی و سبب مرگ 8 فیصد تمام کشته شدگان ملکی در سال 2010 بوده اند. این رقم یک کاهش 15 فیصدی را در مقایسه با ارقام سال 2009 نشان می دهد. از آنجائیکه شمار حملات انتحاری در طی سالهای 2009 و 2010 در یک سطح باقی مانده است (تقریباً 140 حمله در هر سال)، به نظر میرسد که حملات انتحاری در مقایسه با سال 2009 تلفات ملکی کمتر را در سال 2010 ببار آورده

است.¹ این امر شاید بازتاب همان هدایتی باشد که در لایحه (مقررۀ طرز سلوک) طالبان تصریح گردیده است و تأکید می دارد که استفاده از این وسایل استراتیژیک جنگی باید روی "اهداف خیلی مهم" متمرکز گردد و یا هم شاید هدایت "خود داری از تلفات در بین مردم عوام" را انعکاس دهد.²

2. 2. 1. حملات انتحاری مرکب

هشت ماه نخست سال 2010 شاهد شمار زیادی از حملات مرکب به شمول حملات انتحاری بوده و قسمت اعظم این حملات در مناطق جنوبی کشور خصوصاً در ولایت کندهار به وقوع پیوست. با آنکه بیشتر این حملات متوجه نیروهای بین المللی یا نیروهای امنیتی ملی افغانستان بوده است، اما حملات مذکور تلفات سنگین ملکی را به دنبال داشته است. چندین مورد از این حملات متوجه سازمان های بین المللی بوده است. حملات متذکره عبارت بودند از: حمله به مهمانخانه های خارجی در کابل بتاريخ 26 فبروری، حمله 15 اپریل بر یک محوطه ای که در آن جا همکاران آمریکایی تطبیق کننده پروژۀ (ابتکار حکومت در زمینه تحکیم ثبات) در شهر کندهار کار می کردند. بتاريخ 5 می، یک حمله مرکب با استفاده از 9 مهاجم انتحاری علیه مرکز اداری ولایت نیمروز صورت گرفت و بتاريخ 2 جولای، عناصر ضد دولتی یک حمله مرکب را با استفاده از مواد منفجره کار گذاری شده در بدن انسان و مواد منفجره کار گذاری شده در واسطه نقلیه علیه یک سازمان انکشافی بین المللی انجام دادند. در 23 اکتوبر، یک حمله مرکب که شامل چندین مهاجم انتحاری بودند علیه محوطه دفتر ملل متحد در ولایت هرات صورت گرفت که در نتیجه این حمله دو تن زخم برداشتند. از زمان وقوع یک حمله مرکب در کابل (اواخر 2009) بر یکی از مهمانخانه های بین المللی تا حال، این رویداد بدترین نوع حمله علیه سازمان ملل متحد در افغانستان محسوب می گردد.

2. 2. 2. حملات انتحاری علیه کاروان های نظامی که سبب تلفات ملکی گردیده است

کاروان های نیروهای نظامی طرفدار دولت بیش از همه آماج حملات انتحاری بوده است و این گونه حملات خاصاً در مسیر جاده های پر رفت و آمد، پایگاه های نظامی دولتی و بین المللی، نقاط بازرسی وسایط نقلیه، گزمه های پیاده و در ساحات تجارتي که نظامیان در آنجا حضور دارند، به وقوع پیوسته است. با آنکه اهداف مهاجمان انتحاری اهداف مشروع نظامی بوده است ولی شمار زیادی از این حملات به شکل نا متناسب و بدون فرق گذاری در اهداف انجام یافتند، در نتیجه موجب کشته و زخمی شدن تعداد زیادی از افراد ملکی گردیدند، رقم تلفات ملکی در مقایسه با رقم تلفات وارد آمده بر نیرو های نظامی بین المللی و نیرو های امنیتی ملی افغانستان خیلی بیشتر بوده است. در 12 مورد مستند از حملات انتحاری علیه کاروان های نظامیان بین المللی، گزمه های پیاده یا کاروان های نیروهای طرفدار دولت و نیروهای دولتی، شمار کشته شدگان و مجروحین ملکی از شمار کشته شدگان و مجروحین نیرو های بین المللی و افغان زیاد تر بوده است.

¹ - گزارش های اداره امنیت و مسئولیت ملل متحد (UNDSS) برای سال های 2009 و 2010 و به گزارشات منشی عمومی برای سال 2009 مراجعه فرمائید.

² - نقل قول از لایحه طالبان در سال 2010 برای مجاهدین امارت اسلامی افغانستان، ماده 57.

در بیش از نیم موارد مستند شده توسط کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و بخش حقوق بشر یوناما، هیچ گونه تلفاتی از جانب نیرو های دولتی گزارش نشده است. در یکی از این حملات بتاريخ 18 می، فرد انتحاری با بمب کار گذاری شده در وسیله نقلیه کاروانی از نیرو های نظامی بین المللی را هدف قرار داد که در اثر این حمله هفت تن غیر نظامی کشته و 49 تن دیگر زخم برداشتند. در این رویداد، در مورد تلفات وارده بر کاروان نیرو های نظامی چیزی گزارش داده نشد.

تنها مورد مستند از حمله انتحاری توسط مهاجم زن حمله ای بود که بتاريخ 21 جون علیه یک نقطه بازرسی نیرو های طرفدار دولت در پل سلطان ولایت کنر انجام شد. گر چه فرد حمله کننده نیرو های طرفدار دولت را آماج قرار داد، اما در نتیجه این رویداد 13 تن از افراد ملکی به شمول 9 کودک زخم برداشتند.

2.2.3. حملات انتحاری در ساحات ملکی

حملات انتحاری در ساحاتی که شمار زیادی از افراد ملکی حضور داشتند، مانند بیرون هتل ها، روی پل ها، معابر، در مارکیت ها و علیه افراد ملکی نیز صورت گرفته است [به بخش موارد ترور مراجعه نمایید]. دو حمله انتحاری یکی در جنوب کشور در نزدیک هتل ها در ولسوالی های دهر اوود ولایت ارزگان و یکی در کابل بالترتیب در 14 جنوری و 4 فبروری به وقوع پیوست که مجموعاً 23 تن ملکی کشته و 34 تن زخمی از خود برجای گذاشتند.

به همین ترتیب، حملات انتحاری در جریان جلسات، علیه مسئولین ولایتی، در مراسم عروسی و در محل اقامت یک تن از مسئولین امنیتی محلی و یک تن از اعضای اسبق مشرانو جرگه انجام شد. در چندین حمله انتحاری دیگر، موتر های حامل مسئولین و مقامات ولایتی هدف قرار میگرفت، به طور مثال در حمله ای که بتاريخ 4 می با استفاده از بمب کار گذاری شده در بدن فرد انتحاری انجام شد، والی پکتیا هدف حمله قرار گرفت و به وی هیچ آسیبی نرسید. اما در اثر این حمله یک تن از افراد ملکی کشته و پنج تن دیگر زخمی شدند. در جنوب کشور نیز مهاجمان انتحاری کاروان های افراد ملکی به شمول کاروان موتر های ولسوال ارغنداب را در 15 جون، کاروان سرپرست ولایت ارزگان را بتاريخ 26 جون، موتر ولسوال دند را بتاريخ 2 آگست و کاروان کمیشنر ولسوالی دند را در 18 دسمبر هدف قرار دادند. این حملات در کل 15 تن را کشت و 22 تن را زخمی کرد.

هدف بیشتر حملات انتحاری ساختمان ها، کاروانها، پایگاه ها، پوسته های بازرسی و کارمندان نظامی افغانی و بین المللی بوده است. در چندین حمله انتحاری، مقامات ملکی ولایتی [چنانچه در فوق ذکر شد] آماج قرار گرفتند. با این وجود، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و بخش حقوق بشر یوناما ملاحظه نمودند که چندین مورد از حملات انتحاری که در طول سال به وقوع پیوست تلفات ملکی زیادی را ببار آورد، غالباً بدون داشتن یک هدف مشخص نظامی، در ساحات پر جنب و جوش افراد ملکی انجام شده است. اهداف این گونه حملات یا مهمان خانه های خارجی بوده است، یا علیه مقامات عالیرتبه ولایتی صورت گرفته است و یا هم متوجه فرماندهان ملیشه ها بوده است. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و بخش حقوق بشر یوناما شش مورد از حملات

انتحاری¹ را ثبت نمودند که در سطح کشور، در ساحات ملکی و غالباً بدون داشتن کدام اهداف آشکار نظامی انجام شدند. البته طوری که ادعا شده، سه مورد از این حملات افراد مشخص را هدف قرار داده بود. بر اساس گزارش دو حمله متوجه رهبران ملیشه های طرفدار دولت و حملهٔ سومی متوجه یک رئیس شورای ولایتی بوده است که رویهمرفته این سه حمله منجر به کشته شدن 25 تن و زخمی شدن 125 تن از افراد ملکی گردید. بتاريخ 9 جون، یک حمله کنندهٔ انتحاری که حدود 18 سال سن داشت، واسکت انتحاری خویش را که مملو از مواد منفجره بود، در جریان یک مراسم عروسی در ولسوالی ارغنداب ولایت کندهار انفجار داد که در نتیجه 40 تن کشته و 72 تن از افراد ملکی زخمی شدند. از (25 آگست 2009) و وقوع بمبگذاری در موتر باربری در شهر کندهار تا الحال، این حمله خود به تنهایی شمار زیادی از افراد ملکی را در جنوب کشور به کام مرگ کشانید. بتاريخ 31 جولای، یک مهاجم انتحاری با استفاده از مواد منفجره کار گذاری شده در بدنش، یکی از فرماندهان ملیشه های طرفدار دولت را که در حال تماشای مسابقهٔ فوتبال بود، آماج حمله قرار داد که در اثر حملهٔ مزبور سه تن کشته و 25 تن از افراد ملکی به شمول هشت کودک زخم برداشتند. بتاريخ 5 نومبر، یک حملهٔ انتحاری در یکی از بازار ها زمانی به وقوع پیوست که رئیس شورای ولایتی در ولسوالی خواجه سبز پوش ولایت فاریاب زخمی گردید. در نتیجه این حملهٔ خونین، 11 تن از افراد ملکی کشته و 50 تن دیگر مجروح شدند.

تحلیل حقوقی در مورد ترور: مطابق حقوق بشر دوستانهٔ بین

المللی، افراد ملکی را به هیچ وجه نمی توان مورد حمله قرار داد مگر اینکه و در زمانی که آنها در خصومت ها مستقیماً سهم می گیرند. هرگاه یکی از طرفین منازعه، از افراد ملکی خواهان توقف همکاری یا اظهار حمایت با طرف دیگر منازعه گردد، این امر نقض حقوق بشر دوستانهٔ بین المللی تلقی نمی گردد، ولی افراد ملکی را نمی توان بر اساس این دلایل مورد حمله قرار داد. این قاعده بخشی از حقوق عرفی بین المللی و بخشی از دومین پروتوکول علاوه شده بر کنوانسیون های ژنیو می باشد که طالبان و سایر عناصر ضد دولتی قانوناً مکلف و ملزم به رعایت آن می باشند:

مادهٔ 13 دومین پروتوکول علاوه شده بر کنوانسیونهای ژنیو در مورد حمایت از جمعیت ملکی

1. جمعیت ملکی و افراد ملکی باید در برابر خطرات ایجاد شده ناشی از عملیات نظامی از حمایت کلی برخوردار باشد. برای

¹ - این حملات شامل موارد زیر بوده است: حملهٔ انتحاری با استفاده از مواد منفجرهٔ کار گذاری شده در بدن فرد مهاجم در اثنای یک جلسه جهت حل و فصل اختلافات زمین در ننگرهار که 14 تن را کشت و 12 تن را زخمی کرد؛ حملهٔ مرکب 26 فبروری به مهمانخانه های خارجی در کابل که 13 تن را کشت و 44 تن را زخمی ساخت؛ حملهٔ مرکب 13 مارچ که در نقاط مختلف شهر کندهار به وقوع پیوست، 25 تن را به کام مرگ کشاند و 75 تن را زخمی کرد. حملهٔ انتحاری با استفاده از بمب کار گذاری شده در وسیلهٔ نقلیه بتاريخ 9 جون در جریان یک مراسم عروسی در ولسوالی ارغنداب که باعث کشته شدن 40 تن و جراحت 72 تن دیگر گردید. بتاريخ 31 جولای، یک حمله کنندهٔ انتحاری با استفاده از مواد انفجاری تعبیه شده در بدنش یکتن از فرماندهان حامی دولت را که در حال تماشای یک مسابقهٔ فوتبال بود، هدف قرار داد که در نتیجه سه تن را کشت و 25 تن دیگر به شمول 8 طفل را زخمی نمود و حملهٔ انتحاری 5 نوامبر که در یکی از بازار های پر رفت و آمد میمنه به وقوع پیوست و هدف آن رئیس شورای ولایتی بود که منجر به مرگ 11 نفر و جراحت 50 تن دیگر گردید.

موثریت بخشیدن به این حمایت باید در تمام اوضاع و احوال، قواعد ذیل رعایت گردد.

2. جمعیت ملکی وهم چنان افراد ملکی باید هدف حمله قرار نگیرند. اعمال و تهدیدات خشونت آمیز که هدف اساسی آن ایجاد ترس و وحشت در بین مردم ملکی باشد، ممنوع است.

3. ملکی ها باید از حمایت فراهم شده این بخش مستفید گردند، مگر در حالتی که در جنگها مستقیماً شرکت جویند¹

علاوه بر این، انجام حملات عمدی علیه جمعیت ملکی یا علیه افراد ملکی که در جنگها سهم مستقیم ندارند، یک جرم جنگی محسوب گردیده و می تواند موجب پیگرد قانونی مرتکب در پیشگاه محکمه جزایی بین المللی گردد.²

3. ترور ها، اعدام ها و اختطاف ها

راه اندازی یک کمپاین قوی، سیستماتیک و گسترده تهدید و ارعاب توسط عناصر ضد دولتی بارز ترین مشخصه سال 2010 بوده است. عملیات ترور، اعدام و اختطاف علیه مسئولین دولتی اعم از نظامی و ملکی، کارمندان ملکی برای نیرو های نظامی بین المللی حمایت نموده اند و یا فکر می شده که حمایت می کرده اند، انجام شده است. موارد ترور و اختطاف نسبت به سال های قبل خیلی شایع تر بوده و سطح آن در طی سال 2010 در مقایسه با سطح ترور و اختطاف در سال 2009 به سرعت بلند رفت.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و بخش حقوق بشر یوناما 381 مورد ترور و آدم ربایی را ثبت نمودند. این رقم از دو چند وقایع ترور و اختطاف در سال 2009 هم بیشتر است. در نتیجه این اعمال، دست کم 462 تن از افراد ملکی کشته شده است که این خود یک افزایش 105 درصدی را نسبت به موارد ثبت شده در سال 2009 نشان می دهد. کسانی که ربوده شدند غالباً به خاطر گرفتن فدیة (ransom) نگهداری شده اند، یا تهدید شده اند که از حمایت دولت دست بکشند و حتا در برخی موارد سر های شان بریده شده اند. در طی سال 2010، حد اقل 251 مورد اختطاف توسط عناصر ضد دولت به ثبت رسیده است. این رقم نشان می دهد که شمار وقایع مستند اختطاف ها در سال 2010، نسبت به سال 2009 تا مرز 83% افزایش یافته است.

3.1. ترور ها و اعدام ها

قتل های هدفمند یکی از ویژگی های برجسته سال 2010 بوده است. هر چند که هدف این قتل ها مقام های بلند پایه حکومتی مانند، والیها، ولسوال ها، اعضای شورا ها و شورا های ولایتی، بزرگان قومی و مذهبی بوده است. غیرنظامیان مانند دکتوران، معلمین، شاگردان مکاتب، کارگران ساختمانی به ظن پشتیبانی از دولت و نیرو های بین المللی نیز ترور و یا اعدام گردیده اند. افسران و سربازان متقاعد نیروهای امنیتی افغان که حضور مستقیم در این جنگها نداشته اند نیز هدف این حملات قرار گرفته اند.

¹ - پروتوکول II، ماده 13، نیز به حقوق عرفی بین المللی بشر دوستانه مطالعات کمیته بین المللی صلیب سرخ، قواعد 1، 2 و 6 مراجعه گردد.
² - قانون موضوعه روم، بند i، e، فقره 2 ماده 8

در جریان سال 2010، حداقل 462 غیرنظامی، (17 درصد از مجموع غیرنظامیان که در سال 2010 کشته شدند) از سوی عناصر ضد دولت ترور گردیدند که افزایش 105 درصدی را نسبت به سال 2009 نشان می دهد. احتمال آن میرود که رقم ترور و یا اعدام شدگان به دلیل حملات متواتر و وجود مشکلات در تشخیص ترور از قتل های دیگر و تیر اندازی در هنگام جنگ، کم تر گزارش داده شده باشد. در سال 2010، کمیسیون مستقل حقوق بشر و واحد حقوق بشر یوناما کشته شدن حداقل 42 رهبر قومی، 25 عضو شورا ها و شورا های ولایتی و 21 شاگرد مکتب، استادان یا مامورین وزارت معارف را در سراسر کشور ثبت نموده است. خیلی از این افراد بیشتر به ظن جاسوسی به قتل رسیده اند.

ترور ها و اعدام ها بیشتر در مناطق جنوبی، جنوب شرقی و مرکزی کشور بوقوع پیوسته اند. تنها در ماه اپریل، نژده نفر به شمول مامورین حکومتی، رهبران برجسته محلی یا غیرنظامیان که به نحوی با دولت، سازمان های بین المللی انکشافی و امدادی پیوند داشته اند، هدف قرار گرفته اند. در ماه مارچ، هشت نفر، به شمول رئیس کمیسیون خدمات ملکی در جنوب شرق کشور به قتل رسیدند. در ماه جولای، 22 غیرنظامی عمدتاً به ظن جاسوسی برای دولت افغانستان و نیرو های بین المللی کشته شدند. در ماه جولای، حداقل 12 نفر در مناطق مرکزی، به شمول یک کودک که گمان میرفت معلوماتی را در اختیار دولت و نیرو های بین المللی قرار داده است، ترور گردیدند.

در ردیابی ترور ها و اعدام ها بصورت ماهوار و به اساس گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر و واحد حقوق بشر یوناما، 69 غیرنظامی در ماه می، 93 در ماه جولای و 87 تن دیگر در آگست کشته شده اند. رقم کشته شدگان دو ماه اخیر بیشتر به انتخابات پارلمانی ماه سپتمبر پیوند داشته است.

3.2. ترور مقام های حکومتی

تأثیرات ترور ها و اعدام ها توسط عناصر مخالف دولت نه تنها پشتیبانی مردم را از دولت تضعیف ساخته بلکه همچنان حضورش را در محلات متأثر، کمزنگ ساخته است. که این کار خود مانع تأمین حاکمیت قانون و حکومتداری خوب شده است. حداقل 140 مقام حکومتی در سال 2010 کشته شده اند. کشتن تعداد زیاد مامورین ملکی ناکامی و ناتوانی دولت را در تطبیق و جایبش مبنی بر حفاظت غیرنظامیان در جریان نبرد و مراقبت آنها از خشونت برجسته می سازد.

تعداد سیاستمداران و مامورین دولتی افغان که کشته شده اند پست های شان تا حال اشغال نگردیده، به خصوص در جنوب کشور که می تواند حضور دولت را در ساحات متأثر از جنگ، ضعیف سازد. در جریان این سال، پنج ولسوال در سراسر کشور به قتل رسیده اند.¹ از جمله این پنج نفر، تنها وظایف چهار تن آنها دوباره اشغال گردیده است. در ظرف شش ماه دو معاون شهرداری ولایت کندهار، یکی بتاریخ 19 اپریل و

1 - در 14 جنوری، ولسوال چشت شریف کشته شد و در 21 جنوری ولسوال جدید جایگزین او گردید. به تاریخ 15 جون، حمله ای با مواد انفجاری تعبیه شده در موتر، ولسوال ارغنداب را به قتل رساند و ولسوال تازه جاگزین او شد. به تاریخ 10 جولای، مواد انفجاری تعبیه شده که از راهی دور کنترل میشد خود را در مقابل موتر حامل ولسوال قلعه زال ولایت کندز منفجر ساخت که منجر به قتل او گردید. تا حال شخص دیگری جای او را اشغال نکرده است. در 22 اکتوبر، مواد انفجاری کنترل شده از راهی دور در مقابل موتر حامل ولسوال دربابه ولایت ننگرهار انفجار که منجر به قتل او گردید و به تاریخ 24 اکتوبر شخص دیگر جایگزین او شد. به تاریخ 6 سپتمبر، ولسوال نهرین کشته شد و در 17 اکتوبر به جای او شخص دیگر مقرر گردید.

دیگری در 4 اکتوبر کشته شده اند که بجای آن سرپرست تعیین گردیده و در مقام رسمی تا حال کسی مقرر نگردیده است.

3.3. ترور مامورین دولتی با استفاده از مواد انفجاری تعبیه شده
در جریان سال، با استفاده از مواد انفجاری تعبیه شده و حملات انتحاری، افراد هم چنان ترور گردیده اند. مواد انفجاری تعبیه شده، عمدتاً مواد که از راه دور کنترل می شوند، در موتورسیکل ها و رکشا ها جا سازی گردیده و مقام های بلندپایه دولتی را هدف قرار داده اند. بلندترین مقام های ولایتی که در این اواخر کشته شده اند عبارتند از والی ولایت کندز و معاون والی ولایت غزنی. والی کندز به تاریخ 8 اکتوبر زمانی به قتل رسید که مواد انفجاری تعبیه شده در یک مسجد در شهر تالقان ولایت تخار منفجر گردید. در این حادثه، دوازده غیرنظامی به شمول دو کودک کشته شدند و حداقل 36 تن دیگر به شمول دو کودک زخم برداشتند.

بر مبنای قواعد حقوق بشر دوستانه بین المللی، حمله بر عبادتگاه ها منع می باشد. زیرا عبادتگاه ها از جمله اماکن ملکی به حساب می آید. این اماکن نباید برای مقاصد نظامی استفاده گردیده و باید بصورت خاص محافظت شوند. در نتیجه بررسی های ریاست عمومی امنیت ملی، پنج نفر در همان روز بازداشت گردیدند. والی ولایت کندز سومین فرد رسمی بود که در شمال شرق کشور کشته شد، چنانچه یک ولسوال در ولایت کندز و دیگری در ولایت بغلان به ترتیب در ماه های اگست و سپتمبر به قتل رسیده بودند. به تاریخ 28 سپتمبر، معاون ولایت غزنی در اثر انفجار مواد تعبیه شده که از راهی دور کنترل می شد، کشته شده و 25 تن دیگر زخم برداشتند.

3.4. استفاده از کودکان در حملات انتحاری

حملات انتحاری بطور گسترده به عنوان یک تکتیک برای هدفگیری مقام های ولایتی بکار می رود. کمیسیون مستقل حقوق بشر و واحد حقوق بشر یوناما قضایای یک تعداد از پسران و کودکان را که برای انجام حملات انتحاری در برابر بزرگان و مقام های طرفدار دولت در مناطق جنوب، شمال و شرق گماشته شده اند، ثبت نموده است. مطابق لایحه 2010، فصل 12، ماده 69، پسران جوان "زیر سن هژده سال که هنوز ریش ندارند" نباید همراه با طالبان در مراکز مسکونی و نظامی زندگی کنند. این اقدام خود مانع اشتراک شان در جنگ می شود.¹

استفاده از اطفال در حملات انتحاری: به تاریخ 22 فبروری، یک پسر جوان واسکت انتحاری خود را در ولایت ننگرهار در نزدیکی یک گروه از بزرگان قومی که برای حل یک منازعه جمع شده بودند، منفجر ساخت که منجر به کشته شدن 14 غیرنظامی و زخمی شدن 12 تن دیگر گردید. یکی از جنگسالاران پیشین و حامی رئیس جمهور کرزی نیز در میان کشته شده گان بود. همچنان، رئیس امور مهاجرین ولایت ننگرهار در این رویداد زخم برداشت. به تاریخ 8 سپتمبر، در شهر پلخمری ولایت بغلان یک حمله کننده انتحاری (میان 12 تا 14 سال) خود را منفجر ساخت که طی آن دو عضو یک گروه ملیشه طرفدار دولت کشته و یک تن دیگر زخمی گردید. هدف این حمله قوماندان یک گروه ملیشه طرفدار دولت بود که از این حمله جان

¹- مأخذ قبلی. در ماده 69 آمده است که نابالغ (اشخاص زیر سن و بدون ریش) نباید در ساحات مسکونی مجاهدین و مراکز نظامی زندگی کنند.

به سلامت برد. به تاریخ 5 نومبر، یک حمله کننده جوان رئیس شورای ولایتی فاریاب را در بازار ولسوالی خواجه سبز پوش هدف قرار داد. رئیس شورای ولایت مجروح گردید و 11 غیرنظامی کشته و 50 تن دیگر زخم برداشتند.

3. 5. اعدام غیرنظامیان

در یک انکشاف نگران کننده دیگر، کمیسیون مستقل حقوق بشر و واحد حقوق بشر یوناما قضایای تعداد زیاد از اعدام های غیرنظامیان را در سراسر کشور ثبت نموده است. خیلی از این اعدام ها خارج از محدوده قانونی (فرا قضایی) صورت گرفته اند، به جزء از چند رویداد که طالبان در آن مراحل خاصی را مد نظر گرفته اند. اسناد نشان می دهد که به متهمین اجازه داده نشده اند تا تمام مراحل که در فرایند یک محاکمه ضروری است را طی نموده باشد. به تاریخ 17 اکتوبر در ولسوالی ارغنداب ولایت کندهار، طالبان دو غیرنظامی را از خانه خارج ساخته و اعدام نمودند. هرچند که محاکمه علنی وجود نداشت، اما روز بعد طالبان دلایل این اعدام را به مردم محل اعلان نمودند. یک عضو شورای انکشافی محلی به این دلیل اعدام گردید که دولت یک چاه آب را در منزلش حفر نموده بود. طالبان او را متهم به همکاری و جاسوسی به دولت نموده بود. شخص دیگر که مواد ساختمانی را به پوسته های پولیس ملی در ولسوالیهای ارغستان و معروف ولایت کندهار قبلاً انتقال داده بود به ظن جاسوسی برای پولیس ملی اعدام گردید.

به تاریخ 16 اکتوبر، طالبان شخصی را در محضر عام بدون رعایت مراحل قانونی (به شکل فراقضایی) اعدام نمودند. چنین ادعای وجود داشته است که این شخص دو نفر را در ولسوالی چک میدان وردک به قتل رسانیده و بعد به کشور ایران فرار نموده است. در بازگشت به این کشور، خانواده متضرر به طالبان شکایت نموده که در پی آن فرد مذکور بازداشت گردید و بدون تحقیق و محاکمه در محضر عام اعدام گردید.

3. 6. اعدام، سربریدن و به دار آویختن افراد به ظن جاسوسی

کمیسیون حقوق بشر و واحد حقوق بشر یوناما قضایای را ثبت نموده اند که در آن غیرنظامیان به ظن جاسوسی در محضر عام اعدام شده، سربریده شده و یا به دار آویخته شده بودند. هشتاد و چهار تن به ادعای جاسوسی کشته شده اند. از این جمله، 65 تن آنها مردم عادی بودند که هیچگونه وابستگی مسلکی و سیاسی نداشتند. در ماه اکتوبر، سه نفر در ولسوالی مرغاب ولایت بادغیس بصورت علنی اعدام گردیدند، و بین 23 تا 24 آگست دو غیر نظامی در ولایت کندهار به دار زده شدند. آنها همه متهم به جاسوسی بودند و در نهایت کشته شدند. تنها یک قضیه ای را که کمیسیون مستقل حقوق بشر و واحد حقوق بشر یوناما ثبت نموده حکایت از محاکمه و تلاش جهت به اثبات رساندن جرم جاسوسی یک متهم توسط طالبان را نشان می دهد. به تاریخ 2 نومبر، یک جوان 17 ساله به ظن جاسوسی برای ریاست عمومی امنیت ملی در ساحه تَنتیل، ولسوالی مانوگی ولایت کُنر کشته شد. در یک نامه که ضم جسد این شخص بود، آمده بود که این شخص پس از سپری نمودن یک محاکمه 25 روزه در محکمه طالبان محکوم به مرگ گردید.

میان ماه های جولای و نومبر، چهار غیرنظامی به گمان جاسوسی سر زده شدند. این رویداد ها در ولسوالی های لشکرگاه، ناوه ای بارکزیایی در ولایت هلمند، ولسوالی تاوره در ولایت غور و ولسوالی سیدآباد در

میدان وردک به وقوع پیوسته اند. اینکه آیا محاکمه ای برای اعدام این اشخاص دایر شده است یا خیر، هیچ اطلاعی در دست نیست. به تاریخ 23 و 24 آگست دو غیرنظامی به ترتیب در کندهار و ارغنداب به ظن جاسوسی برای دولت و نیرو های بین المللی به دار آویخته شدند. در 3 دسمبر، طالبان مسئولیت اختطاف، سرزدن و قطع عضو بدن یک غیر نظامی را به ظن جاسوسی برای نیرو های بین المللی در ولسوالی سرکانی ولایت کنر به دوش گرفت. فرد مذکور به تاریخ 25 نومبر اختطاف گردیده بود. بنابر گزارش ها، دو پسر این شخص نیز از سوی طالبان به گمان این ادعا در ولسوالی مناگوی ولایت کنر کشته شدند. در 2 نومبر، عناصر مخالف دولت دو عضو اختطاف شده پولیس ملی را در ساحه پشت دگ، ولسوالی سرکانی ولایت کنر کشتند. این سربازان در هنگام رخصتی شان اختطاف شده و در 29 اکتوبر بازداشت شدند. سپس، آنها سرزده شدند و اجساد شان در یک خندق در یک دشت دور در ولسوالی سرکانی انداخته شده بود.

فصل سوم لایحه 2010 طالبان¹ احکام را در مورد رفتار با جاسوسان تعیین نموده است. ماده 18 یک طرح مفصل را مطابق با روش که جاسوسان را تعریف و اعدام می نماید، بیان می نماید. باوجود آنکه این قواعد با جزئیات اند، معلوم نیست که آیا این قواعد قبل از مجازات مراعات گردیده اند یا خیر.

3.7. سر بردن نیرو های امنیتی افغان

مطابق ماده سوم کنوانسیون های ژینو باید با تمام زندانیان تحت هر شرایط رفتار انسانی صورت گیرد و در برابر هر گونه خشونت از آنها محافظت به عمل آید.² در سال 2010، طالبان تعدادی از پرسونل نیرو های امنیتی افغان را دستگیر نمودند و سپس آنان را به قتل رساندند. لایحه 2010 طالبان در مورد رفتار با زندانیان نیز احکامی دارد و در فصل دوم آن آمده است که تنها ملا عمر، معاون و قاضی ولایتی صلاحیت مجازات و قتل اشخاص را دارند.³ کمیسیون مستقل حقوق بشر و واحد حقوق بشر یوناما قضایای زیاد را ثبت نموده که در آن افسران مربوط به نیرو های امنیتی افغان اختطاف شده و سپس سر زده شده اند. روشن نیست که آیا حکم ماده 10 این لایحه در هنگام این سرزدن ها مراعات گردیده اند یا خیر. به تاریخ 26 جون، یک افسر پیشین که در توقیف خانه ولسوالی محمد آغه

¹ - لایحه امارت اسلامی افغانستان برای مجاهدین، چاپ دوم - سیستم هجری قمری 1431 (مارچ 2010). در ماده 18 چنین آمده است: هرگاه یک شخص به عنوان یک متخلف (در خراب نمودن جامعه نقش داشته باشد) شناسایی میگردد، تخلف اش باید مطابق چهار نکات زیر ثابت گردد: نخست، شخص فعالیت های جاسوسی خود را به رضایت خود بدون کدام جبر و اکراه اقرار نماید. دوم، دو شاهد باید در مورد جاسوسی او شهادت بدهند و شهادت شان در پیشگاه قاضی باید موثق باشد. سوم، اسناد و مدارک اثباتیه موضوع جاسوسی را برجسته ساخته مانند ابزار مشخص که توسط جاسوسان برای مقاصد جاسوسی بکار میرود آنرا برملا سازد. البته هرکس نمیتواند مدارک اثباتیه را در صورتیکه محکمه یا قاضی وجود داشته باشد ارزیابی نماید. و اگر اینها موجود نباشند، یک شخص دیگر که در این مورد ویژه تخم داشته باشد و یا یک شخص پرهیزگار باید جنبه های قوی و ضعیف مدارک اثباتیه را بررسی نماید. در صورتیکه مدارک اثباتیه قوی باشد، روند مجازات تقویت میابد. اگر مدارک اثباتیه به حد کافی جهت محکومیت قوی باشد (یعنی قابل تردید نباشد)، و اگر امام و قاضی اعدام را مناسب ببینند، آنها میتوانند عمل اعدام را انجام دهند. چهارم، شخصی می تواند واجد شرایط شهادت باشد که عادل باشد و عاری از تعصب و تبعیض باشد، گناه کبیره انجام نداده باشد و زمانیکه گناه صغیره انجام میدهد، تکرار و تأکید بر گناه صغیره صورت نگرفته نباشد.

² - طوریکه در ماده سوم مشترک بین کنوانسیون های 1949 و پروتوکول دوم ذکر گردیده. بطور مشخص، تمام افراد که در خصومت ها دخالت مستقیم ندارند یا از دخالت مستقیم خودداری نموده اند باید در برابر قتل، شکنجه، یا رفتار توهین و تحقیر آمیز محافظت گردند.

³ - اگر یک قاضی در یک ولایت تعیین نگردیده، این مسئولیت شخص مسئول آن ولایت است تا در مورد سرنوشت زندانی با توجه به کشتن و مجازات اش تصمیم بگیرد.

ولایت لوگر کار می کرد نه تنها که سر زده شد بلکه دستانش نیز قطع گردیده بود. به تاریخ 20 جولای، جنگجویان طالب یک پوسته پولیس را در مرکز ولایت بغلان تسخیر نموده و سپس افسران آن را سرزدند. به تاریخ 29 اکتوبر، دو افسر پولیس در ولسوالی سرکانی ولایت کنر ربوده شدند و در 2 نومبر سرهای شان از تن جدا و اجساد شان از یک دشت دور و از خندق بدست آمد. در 26 جون، اعضای ولسی جرگه عدم رضایت خود را در مورد ناتوانی دولت در تأمین امنیت ابراز نمودند، و اعلام داشتند که مردم محل راه های را برای محافظت شان جستجو نمایند.

تحلیل حقوقی در مورد اختطاف ها: حقوق بشردوستانه بین المللی موضوع گروگان گیری را در برخورد مسلحانه بین المللی و داخلی منع قرار داده است. حقوق فوق الذکر بخاطر گروگان گیری را منع قرار داده، چون این کار به شکل خود سرانه با عث محرومیت آزادی و اختیار انسان می گردد. کنوانسیون بین المللی علیه گروگان گیری، گروگان گیری را به مثابه بازداشت یا توقیف و تهدید به قتل و جرح یا بازداشت یک شخص برای وادار ساختن طرف سوم تا کار را انجام دهد یا به شکل صریح و ضمنی گفته شود که از انجام هر گونه کار برای رهایی گروگان خودداری ورزد، تعریف نموده است (ماده 1). این یک معنای معینی هست که گروگان گیری را توصیف می کند.

ماده سوم مشترک در کنوانسیون های ژینو مانند ماده 34 کنوانسیون چهارم ژینو گروگان گیری را منع نموده است. منع گروگان گیری همچنان در حقوق عرفی بشردوستانه بین المللی نیز ذکر گردیده و بر مبنای ماده 8 (الف) و 8 (ث) قواعد مدون رومی جرایم جنگی به شمار می رود. به اساس مواد 75 (2) (ث) و ماده 4 (2) (ث) از پروتوکول های الحاقی اول و دوم 1977 به عنوان اینکه گروگان هرچه عاجل باید آزاد گردد و با وی رفتار انسانی صورت گیرد، من حیث ضمانت اساسی شناخته می شود.

4. اختطاف

اختطاف یک تکتیک کلیدی استراتژیی عناصر مخالف دولت به شمار می رود. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و واحد حقوق بشر ملل متحد تعداد 251 حادثه اختطاف را به ثبت رسانیده که به اثر این حوادث حد اقل 559 غیرنظامی اختطاف شده اند.

این دو سازمان معتقد اند که آمار اختطاف ها ممکن بیشتر از آن چیزی باشد که در گزارش درج گردیده. زیرا ترس به خطر انداختن امنیت گروگانها، در صورت فراهم شدن باب مذاکره جهت رهایی آن و ترس اینکه در صورت رهایی گروگان و گزارش آن مبادا عاملین دست به اقدام تلافی جویانه بزنند، خیلی از اختطاف ها گزارش داده نمی شود. در پیچیدگی جنگ و درگیر بودن گروه های مختلف، شناسایی گروه های مسؤول هنگام ثبت قضایای اختطاف، کار مشکل می باشد. گروه های جنایتکار اکثراً غیرنظامیان را بخاطر باج گرفتن اختطاف می کنند. در برخی موارد آنها به طالبان یا شبکه های دیگر سپرده می شوند تا آنها را به مثابه مهره در مذاکرات استفاده نمایند. خیلی از غیرنظامیان اختطاف شده در پی تفاهم با بزرگان آزاد گردیده اند. هرچند، برخی دیگر پس از اختطاف اعدام گردیده اند. در برخی موارد، یادداشت های ضم اجساد بوده که در آن به جزئیات قتل پرداخته شده

است. اکثراً، غیرنظامیان مقتول، متهم به جاسوسی برای نیرو های بین المللی بوده اند.

4. 1. رویداد های اختطاف به اساس مکان و زمان (منطقه و ماه)

اختطاف ها در سراسر کشور اتفاق می افتد، اما بیشتر در مناطق شرقی، شمالی، جنوب شرقی و جنوبی کشور بوقوع پیوسته اند. این اختطاف ها در برابر مقامات بلند پایه ولایتی، بزرگان قوم، کارگران ساختمانی و امدادی، مامورین معارف و غیرنظامیان انجام شده اند. یک تعداد زیاد اختطاف ها در جنوب شرقی بوقوع پیوسته اند. در ماه می، 26 غیرنظامی از سوی عناصر مخالف اختطاف گردیدند که بزرگان قومی، مامورین دولتی، شاگردان و مردم محل را نیز شامل می گردد. اکثریت قربانیان به گمان جاسوسی برای دولت و نیرو های بین المللی اختطاف شدند. یک نفر از اینها دقیقاً کشته شد، 13 تن دیگر آزاد گردیدند، درحالیکه محل بود و باش سایرین هنوز معلوم نیست. در اوایل ماه می، یک تعداد در حدود 10 الی 12 نفر در ولسوالی اندر ولایت غزنی اختطاف شدند. به تاریخ 18 می، اجساد چهار تن آنها به شمول یک جوان 17 ساله متعلم مکتب بدست آمد که منجر به تظاهرات در این ولسوالی گردید و این عمل را تقبیح کردند. این یکی از تظاهرات محدود در برابر اعمال عناصر مخالف حکومت از سوی افغان ها بشمار می رود.

در ماه های جولای، آگست و اکتوبر بیشترین رویداد های اختطاف در سراسر کشور ثبت گردیده است. بخشی این رقم می تواند مرتبط با فعالیت های عناصر مخالف دولت در جریان انتخابات پارلمانی ماه سپتمبر باشد. در ماه جولای، رقم بالای اختطاف ها بیشتر در مناطق جنوب شرقی، شمال و شرقی ثبت گردیده است. در جنوب شرقی، 23 قضیه اختطاف از سوی عناصر مخالف دولت در ولایت غزنی ثبت گردیده است که از آنجمله 22 غیرنظامی آن برای برنامه همبستگی ملی و شورا های ولایتی کار می کردند. بنابر گزارش ها، اکثریت آنها سالم رها گردیدند. در ساحات شمالی حداقل 28 غیرنظامی اختطاف گردیدند، این درحالیست که در مناطق شرقی 13 کارمند صحتی از سوی عناصر مخالف دولت ربوده شدند که بعد همه آزاد شدند.

در ماه جولای در مناطق شمالی 43 تن توسط عناصر مخالف دولت ربوده شدند. در جریان این ماه، 26 تن آنها با میانجیگری بزرگان و پرداخت پول آزاد گردیدند. سرنوشت 17 تن دیگر هنوز معلوم نیست.

4. 2. اختطاف مقام های ولایتی

28 مقام های دولتی در ولایات در سال جاری اختطاف شده اند که اکثریت شان آزاد گردیدند. اختطاف شده گان شامل ولسوال سیدآباد ولایت وردک و ولسوال واتپور ولایت کندهار اند که به ترتیب یکی در 15 جون و دیگر در 22 آگست ربوده شدند و همچنان رئیس امور زنان ولایت پکتیکا در 16 اپریل سال روان در مسیر راهی ولسوالی سیدآباد اختطاف شد. او سپس در 20 اپریل با میانجیگری بزرگان آزاد شد. 22 تن از بزرگان در مناطق جنوبی نیز اختطاف گردیدند.

4. 3. اختطاف به ادعای جاسوسی

کمیسون مستقل حقوق بشر افغانستان و واحد حقوق بشر یوناما رویداد های را ثبت نموده که در آن حداقل 151 غیرنظامی از سوی عناصر مخالف

دولت اختطاف شده اند. دلایل این رویداد ها اکثراً معلوم نیست اما در برخی موارد به اتهام جاسوسی، کار با دولت و نیرو های بین المللی یا اشتراک در شورا ها با حضور یک خارجی و یا بخاطر خویشاوندی با مامورین دولتی اختطاف گردیده اند. در اکثر قضایای ثبت شده، غیرنظامیان یا رها شده اند و یا از سرنوشت شان اطلاع در دست نیست. از جمله 151 اختطاف ها، حداقل 16 آن زمانی بوقوع پیوسته که وسایط نقلیه غیرنظامیان در پوسته های غیرقانونی که از سوی عناصر مخالف دولت ایجاد شده، متوقف شده اند. این پوسته های غیرقانونی برای بازداشت مامورین دولتی یا مامورین قراردادی نظامی بین المللی ایجاد شده اند. یا بعضاً آنها به ظن جاسوسی اختطاف می شدند.

4.4. اختطاف های دسته جمعی

کمیسیون مستقل حقوق بشر و واحد حقوق بشر یوناما چندین قضیه را ثبت نموده اند که طی آن غیرنظامیان بصورت دسته جمعی اختطاف شده اند. در 23 ماه می، 11 بزرگ قومی مربوط به قوم زدران که در ولسوالی شمال ولایت خوست به بهانه جلسه مذهبی جمع گردیده بودند، از سوی عناصر مخالف دولت بالای شان فیر صورت گرفت که منجر به کشته شدن 5 تن آنها گردید. شش تن دیگر شان اختطاف و یک تن دیگر از این بزرگان قومی بعداً به قتل رسید. پنج تن این بزرگان بعداً آزاد شدند. به تاریخ 2 جولای، یک گروه 60 نفری عناصر مخالف دولت که با شبکه حقانی پیوند داشتند و ملبس با یونیفورم اردوی ملی افغان بودند یک تعداد افراد را از چهار قریه در ساحه سورکوخ ولسوالی سپره ولایت خوست جمع نمودند. بنابر گزارش ها، نیروهای مخالف دولت میخواستند با مردان قریه یک جلسه را برگزار نمایند. آمار متفاوت در مورد تعداد اختطاف شده گان وجود دارد، اما حداقل 60 تن اینها اختطاف شدند و در یک ساحه دوردست در سرحد پاکستان انتقال گردیده و سپس پنج تن آنها اعدام شدند و یک تن دیگر آنها زخمی گردیدند. بعداً اکثریت این ها آزاد شدند و اجساد آنها را که کشته شده بودند را با خود پس آوردند، بنابر گزارش ده تن دیگر آنها در 7 جولای آزاد شدند. بنابر گزارش ها، چهار تن از افراد کشته شده نگهبانان پیشین امنیتی افغان بودند که برای نیرو های بین المللی کار میکردند و پنج تن دیگر آنها واکسیناتوران بودند. این افراد مسلح همان های بودند که پنج بزرگ قومی را کشتند و بیش از هفت تن دیگر را در ماه می اختطاف کردند.

4.5. اختطاف و شکنجه

کمیسیون مستقل حقوق بشر و واحد حقوق بشر یوناما رویداد های بیشمار را ثبت نموده اند که در آن تعداد زیاد از اشخاص ربوده شده اند و به قتل رسیده اند و در برخی موارد قبل از کشته شدن مورد شکنجه قرار گرفته اند. به تاریخ 24 اکتوبر، سه تن از بزرگان قومی در یک مسجد در ولسوالی ترنک و جلدک ولایت زابل اختطاف شدند و در هنگام بازداشت با ایشان خیلی بدرفتاری صورت گرفته بود. یکی از آنها در اثر لت و کوب زیاد جان باخت و دو تن در حال رها شدند که جراحت زیاد در بدن داشت. آنها از اینکه به طالبان پول ندادند مورد لت و کوب قرار گرفتند.

به تاریخ 16 دسمبر، یکی از بزرگان قوم از ولسوالی چپرهار ننگرهار اختطاف گردید. طالبان او را در یک درخت بسته نمود و بعد

به ظن جاسوسی به نیرو های بین المللی با سنگ و چاقو کشتند. طالبان مسئولیت این قتل را به دوش گرفتند و طی یک نامه ضم این جسد به سایر خبر رسانان نیرو های بین المللی هشدار داند که آنها نیز دچار همان سرنوشت خواهند شد.

4.6. زندان که توسط عناصر مخالف دولت اداره می گردد

به تاریخ 17-18 آگست، طی یک حمله نیرو های طرفدار دولت در یک زندان عناصر مخالف دولت در ولسوالی موسی قلعه ولایت هلمند، حداقل 27 نفر که اختطاف شده بودند و در این زندان قرار داشتند، آزاد شدند. پنج تن از این اختطاف شدگان که به تاریخ 7 جون در ولسوالی مارجه ربوده شده بودند، فارغین صنوف دوازده بودند که در جریان این حمله به شمول دو فرد که همکاران تطبیق کننده ای پروژه یک سازمان بین المللی بودند و با آنها کار می کردند، کشته شدند.

5. تهدیدها، آزار و اذیت، پوسته های غیرقانونی و شبنامه ها

سایر تکتیک های تهدید آمیز عناصر مخالف دولت عبارت اند از ایجاد پوسته های غیرقانونی، اذیت مسافران در راه ها و جستجو برای کار مندان دولت و کارمندان که با نیروهای نظامی بین المللی کار می کند، وضع مالیات غیرقانونی بر دهاقین و پخش شبنامه ها.

شبنامه ها در سراسر کشور پخش می گردیدند. در ماه آگست، عناصر مخالف دولت شبنامه های را در شهر جلال آباد و ولسوالی بهسود ولایت ننگرهار پخش نمودند و به مردم محل هشدار دادند تا از حمایت دولت و نیرو های بین المللی دست بردارند. در ولایت جوزجان، یک ضرب العجل را برای غیرنظامیان تعیین نمودند تا از وظایف دولتی شان استعفا دهند. به تاریخ اول جولای، شبنامه ای در ولسوالی بورکه مرکز ولایت بغلان پخش شد که اشتراک بزرگان مذهبی را در انتخابات محکوم نموده، معلمین زن را تهدید نموده و به مردم محل و عالمان دینی هشدار داده بودند تا مانع مراسم جنازه نیرو های امنیتی افغان که در جنگ کشته شده بودند، گردند. این شبنامه ها به حزب اسلامی حکمتیار نسبت داده شده بود. به تاریخ 23 جون، عناصر مخالف دولت شبنامه های را در ولسوالی چپرهار ولایت ننگرهار پخش نمودند که طی آن به راننده گان وسایط نقلیه هشدار دادند تا چراغ های موتر را در هنگام سفر روشن بگذارند.

آنها همچنان پوسته های را برای جستجوی مامورین دولتی و سایر کسانی که برای نیرو های بین المللی کار میکنند در سراسر کشور ایجاد نموده اند. هرچند، افراد ملکی نیز در این پوسته های غیرقانونی اختطاف، کشته و زخمی گردیده اند. این پوسته ها گشت و گذار غیرنظامیان را محدود ساخته، ترس و هراس را در میان شان ایجاد نموده و همچنان نشاندهنده حاکمیت طالبان در بعضی ساحات میباشد. در یک رویداد به تاریخ 12 سپتمبر، طالبان در ولسوالی ارغنداب ولایت کندهار سه فرد را که برای قراردادیان امنیتی خصوصی برای آیساف کار میکردند، توقف دادند. یکی از آنها را به گلوله بست و در یک درخت آویزان نمود و از دو تن دیگر آنها خبری در دست نیست. به تاریخ 8 جون، رئیس معارف ولسوالی نهر شاهی زمانی ربوده شد که وسیله نقلیه اش در یک پوسته غیرقانونی در ولایت بلخ توقف داده شد.

عناصر مخالف دولت که در بخش شرقی کشور فعالیت دارند پوسته های زیاد را ایجاد نموده اند. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و

واحد حقوق بشر یوناما بین ماهای جون و دسمبر در ولایت کونر رویداد های بیشمار را ثبت نموده اند که در آن غیرنظامیان اذیت شده اند، اختطاف شده اند و در برخی موارد کشته شده اند. در ماه آگست، یک تن از بزرگان محلی از ولسوالی ازره اختطاف گردید، چهار بزرگ دیگر از ولسوالی سرکانی که از مراسم تدفین یک جنازه برمی گشتند، و چهار غیرنظامی دیگر به شمول یک نامزد ولسی جرگه نیز اختطاف شدند. این چهار غیرنظامی در اثر مداخله بزرگان محل آزاد شدند.

6. حمله به زنان و اطفال

در سال 2010، زنان و کودکان به شدت از اثر جنگ و منازعه متضرر گردیده اند. نبود آزادی گشت و گذار، عدم دسترسی به خدمات اساسی اولیه مانند صحت و آموزش و حملات دیگر زندگانی آنها را شدیداً به شکل منفی متأثر ساخته است. همانطوریکه جنگ بیشتر و عمیق تر شده است، اشخاص آسیب پذیر، بخصوص کسانی که در ساحات دوردست قرار دارند، بیشتر متحمل خسارات میشوند. ناامنی، تداوم خشونت، فضای حاکم تهدید و ارباب، منجر به بیجایی و سوق آنها بطرف مراکز شهری شده است. بنابر گزارش کمشنری عالی ملل متحد در امور مهاجرین، 102,658 نفر در اثر جنگ سال 2010 بی جا شده اند.¹ غیرنظامیان، به ویژه زنان و کودکان که در ساحات متأثر از جنگ زندگی می کنند، کیفیت زندگی شان به شکل قابل ملاحظه ای خراب شده است. مواد انفجاری تعبیه شده، حملات انتحاری، هاوان ها و راکت های که از سوی عناصر مخالف دولت شلیک گردیده منجر به بیشترین تلفات زنان و کودکان طی این سال شده است. نود و چهار زن و 163 کودک از اثر مواد انفجاری تعبیه شده و حملات انتحاری جان باخته اند که یک افزایش 31 درصدی را در از بین رفتن زنان و 66 درصدی را در از بین رفتن کودکان نسبت به سال 2009 نشان میدهد. کشته و زخمی شدن زنان و کودکان بیشتر از اثر مواد انفجاری تعبیه شده و حملات انتحاری که در مارکیت های پرازدحام بوقوع انجامید و حملات انتحاری در برابر مامورین ولایتی یا مامورین طرفدار دولت که در مکان های عام که زنان و کودکان نیز حضور دارند، صورت می گرفت.² تلفات زنان اساساً در نتیجه انفجارات مواد انفجاری تعبیه شده نیز صورت گرفته که اکثراً در جریان مسافرت در مینی بس ها بوقوع می پیوندد. تنها در چهار رویداد به تنهای پنج زن و یا بیشتر از آن کشته شده اند، به شمول حادثه که هشت زن، هنگامی کشته شدند که موتر حامل شان در 30 دسمبر زمان که بطرف ولسوالی سنگین ولایت هلمند روان بود با یک ماین کنار جاده در ولسوالی نهر سراج ولایت هلمند تصادف نمود. تعداد زیاد از اطفال در اثر انفجار مواد تعبیه شده از بین رفتند. تنها در یک رویداد، زمانی 9 طفل کشته شدند و ده تن دیگر زخم برداشتند که یک سلسله انفجار های در ولایت کندهار در 5 اکتوبر بوقوع پیوست. هدف انفجار نخست موتر پولیس ملی بود، اما وسیله متذکره قبلاً از آنجا گذشته بود. بخاطر انفجار نخست، یک وسیله دیگر پولیس ملی در محل حادثه رسید که در آن زمان انفجار دومی رخ داد. علاوه، میان این دو انفجار، یک تعداد زیاد از

¹ - کمشنری عالی ملل متحد در امور پناهنده گان در سال 2010 بیجاشدگان داخلی از اثر جنگ را در افغانستان تخمین مینماید.

² - برای معلومات بیشتر پیرامون وضعیت اطفال و برخورد مسلحانه در افغانستان، به گزارش S/2011/55 سر منشی در مورد اطفال و برخورد مسلحانه در افغانستان مراجعه نمایید. این گزارش دربرگیرنده جریانات از 1 سپتمبر 2008 الی 30 آگست 2010 میباشد و در 3 فبروری 2011 به نشر سپرده شده است.

شاگردان یک کورس زبان در آنجا جمع شده بودند که انفجار سومی بوقوع پیوست. به نظر میرسد که همه این انفجار ها از راهی دور کنترل میشدند.

6.1. ترور زنان و اطفال

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و واحد حقوق بشر یوناما حداقل 6 رویداد را ثبت نمودند که عناصر مخالف دولت زنان را ترور نموده و هشت قضیه دیگری به ثبت رسیده که در آن کودکان به قتل رسیده اند. کارمندان ارشد زن که مصروف کار برای دولت هستند و یا کسانی که در سازمان های بین المللی فعالیت دارند نیز عمداً مورد هدف قرار گرفته اند. در سه رویداد جداگانه، چهار کارمند زن که برای سازمان های بین المللی یا همکاران تطبیق کننده ملی آنها کار میکردند، ترور گردیدند. تمام این چهار خانم در مناطق جنوبی افغانستان کشته شدند، دو در ولایت کندهار و دو تن دیگر در ولایت هلمند. حداقل در یکی از این رویداد، یکی از این قربانیان پیام های تهدید آمیز را از طریق تیلیفون بدست آورده بود. یک خانم 22 ساله که برای یک سازمان بین المللی کار میکرد پیام های تهدید آمیز را قبل از اینکه در 13 اپریل در شهر کندهار کشته شود، بدست آورده بود.

حداقل در هشت رویداد ثبت شده کودکان به گونه غیرقانونی (فراقضایی) اعدام گردیده اند، اکثراً به ظن جاسوسی برای دولت و نیرو های نظامی بین المللی یا در پیوند با ارتباط که با دولت داشتند، کشته شده اند. عناصر مخالف دولت 3 کودک را به ادعای جاسوسی از بین بردند. بنابر گزارش ها، دو کودک به ظن پیوند با دولت کشته شدند، وضعیت سه قضیه دیگر و انگیزه آن تا حال روشن نیست. هرچند، به نظر میرسد که سیاست های قومی منطوقی که طالبان را درگیر قضیه می سازد در این قتل ها دست داشته باشند. کوچک ترین پسر که به ادعای جاسوسی کشته شد یک پسر هفت ساله از ولسوالی سنگین ولایت هلمند بود که در 8 جون به قتل رسید. این کودک را در یک درخت آویزان کرده بودند، اما طالبان مسئولیت این قتل را بدوش نگرفتند.

دو قتل دیگر به تاریخ 11 مارچ و 29 جون به ترتیب در ولایت های کنر و غزنی صورت گرفت. در قضیه پیشین یک پسر 17 ساله اعدام شد و بعد از آن قضیه، یک پسر 12 ساله از سوی عناصر مخالف دولت در مرکز ولسوالی واغظ در ولایت غزنی در محضر عام اعدام گردید. دو طفل دیگر که یکی آن 17 سال داشت و دیگر آن 13 یا 14 ساله بود به تاریخ 8 مارچ و 19 جولای توسط طالبان به اتهام پیوند با دولت در ولسوالی چک ولایت وردک به قتل رسیدند.

6.2. نبود دسترسی به آموزش و مراقبت های صحی

در ساحات متأثر از جنگ، مؤسسات غیر دولتی و کارمندان کمک بشری نمی توانند به مردم نیازمند رسیده گی کنند، تداوم اختطاف ها و کشتن کارمندان مجرب و متخصص مانند دکتوران و معلمین نشان می دهد که خانواده ها نه تنها از کیفیت خدمات بلکه همچنان از دسترسی به خدمات اساسی و خدمات که حفظ حیات آنها وابسته به اوست، محروم اند. بنابر گزارش های بزرگان، رهبران محلی و اعضای شورا های ولسوالی به کمیسیون مستقل حقوق بشر و واحد حقوق بشر یوناما: "ولسوالی کامدیش ولایت نورستان که تحت کنترل طالبان قرار دارد،

بیماران از اثر ناامنی به تداوی دسترسی ندارند و هم کودکان شان فرصت رفتن به مکتب را ازدست داده اند." کمیسیون مستقل حقوق بشر و واحد حقوق بشر یوناما قضایای زیادی را در دست دارند که در آن معلمین و شاگردان مکاتب و غیره توسط شبنامه ها تهدید، کشته و یا زخمی گردیده و اموال خود را از دست داده اند. این عمل فرصت آموزش را از هزار ها شاگرد مکتب در سراسر کشور سلب نموده است. بنابر گزارش سر منشی ملل متحد در مورد کودکان و منازعات مسلحانه در افغانستان که به تاریخ 3 فبروری 2011 پخش گردید، یک افزایش قابل ملاحظه در حملات بر تأسیسات آموزشی، تخریب مکاتب در عملیات های نیرو های طرفدار دولت و حملات توسط عناصر مخالف دولت و یا استفاده مکاتب برای اهداف سیاسی و نظامی، دیده می شود.¹ در جولای 2010، شورای حقوق بشر ملل متحد یک قطعنامه را به تصویب رساند که طی آن حملات بر مکاتب و شاگردان محکوم گردیده است.

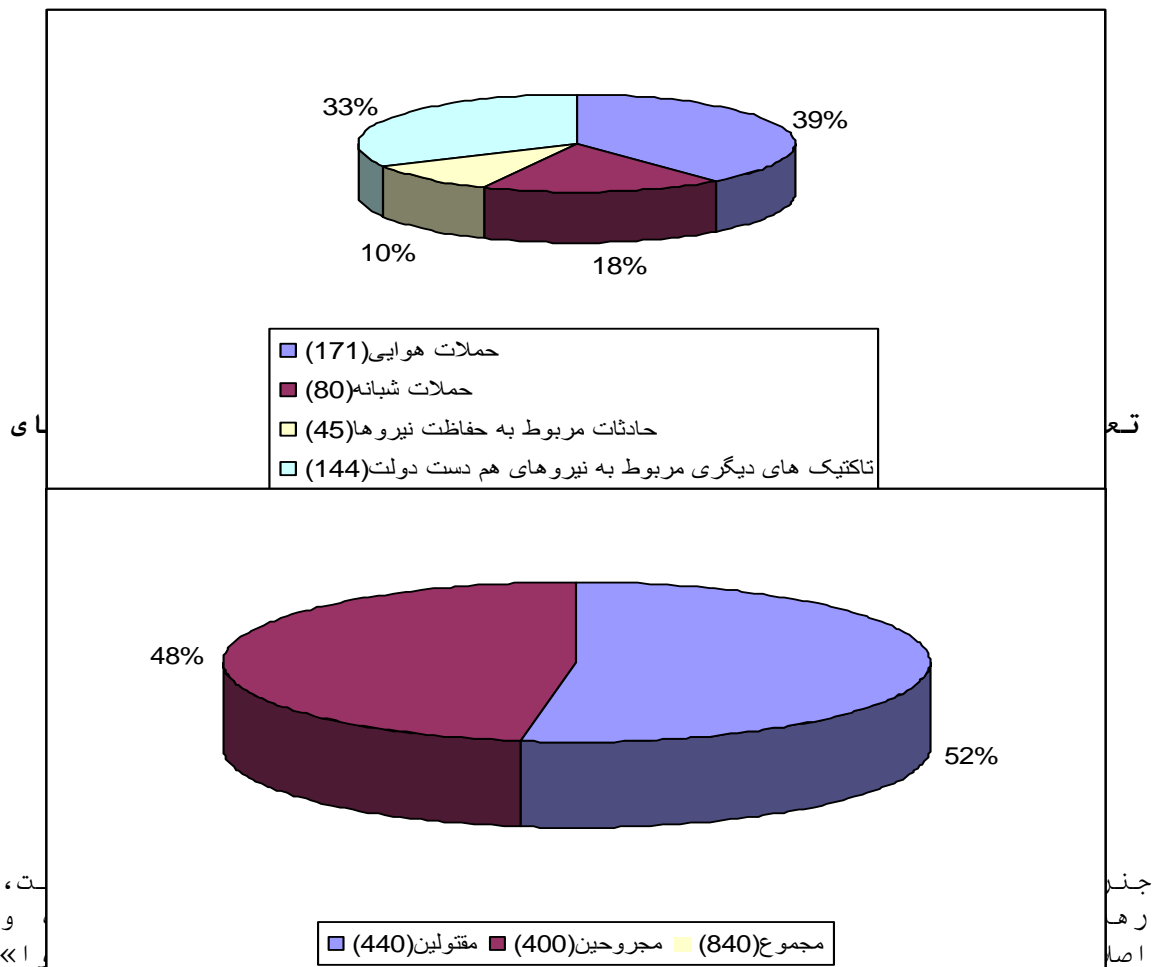
¹ - مأخذ قبلی.

نیروهای طرفدار دولت و محافظت از غیرنظامیان

1. طرح کلی

بین اول جنوری و 31 دسمبر، 840 مورد از تلفات غیرنظامیان (440 کشته و 400 تن زخمی) به نیروهای طرفدار دولت نسبت داده شده است. این یک کاهش 21 درصدی را نسبت به تلفات 1,057 نفری نسبت داده شده به نیروهای طرفدار دولت در سال 2009 نشان میدهد. کمیسیون مستقل حقوق بشر و واحد حقوق بشر یوناما کاهش قابل ملاحظه را در تلفات افراد ملکی توسط حملات هوایی (171 مورد)، محافظت نیروها که منجر به حادثه شده (45 مورد) و عملیات های جستجو و توقیف (80 مورد) طی سال 2010، ثبت نموده است.

مقتولین افراد ملکی که با تفکیک نوع رویداد در سال 2010 به نیروهای طرفدار دولت نسبت داده شده است.



را در ماه آگست مورد تجدید نظر قرار داده، طرز العمل های عملیات معیاری را در استفاده بیشتر از قوا به نشر سپرده و در ماه های جنوری و دسمبر 2010 دو دستور تکتیکی در مورد حملات شب هنگام را بوجود آورد.

به تاریخ 13 اکتوبر 2010، شورای امنیت ملل متحد ماموریت آیساف را تجدید کرده و مجدداً تأیید نمود که "تمام طرف های درگیر در جنگ باید گام های عملی را جهت حفاظت غیر نظامیان متأثر بردارند"، و

"از همه طرف های درگیر خواست تا به تعهدات خود بر اساس حقوق بین المللی بشردوستانه و حقوق بشر بین المللی عمل نموده و همه اقدامات مقتضی را جهت حفاظت از غیر نظامیان اتخاذ نمایند"، "اهمیت نظارت و گزارش دهی به شورای امنیت ملل متحد، از جمله توسط آیساف را در مورد وضعیت غیرنظامیان و به خصوص تلفات افراد ملکی بر شمرد.¹

بنابر برخی اظهارات آیساف که در رسانه ها انتشار یافت، ما نسبت به سال های پیش، در سال 2010 ما بیشتر شاهد حملات هوایی، عملیات ها توسط نیروهای ویژه و حملات شب هنگام بوده ایم.² با وجود افزایش نیروها و عملیات های نظامی بین المللی، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و واحد حقوق بشر یوناما در سال 2010 کاهش رقم تلفات غیر نظامیان از سوی نیروهای طرفدار دولت را مشاهده نموده اند. هرچند، برخورد و رفتار نیروهای طرفدار دولت خشم و احساسات تعداد زیادی از افغان ها را ببار آورده است، رویدادهای ناشی از استفاده بیش از حد از نیرو، رفتار نامناسب، بازداشت خودسرانه، کشته و زخمی نمودن غیر نظامیان همراه با عدم پاسخگویی و شفافیت در مورد برخی عملیات ها در مقایسه به تلفات افراد ملکی که به نیروهای هم دست دولت نسبت داده می شود، نیروهای هم دست دولت ازین لحاظ بیشتر مورد نکوهش قرار گرفته است.

تحلیل حقوقی در مورد حملات هوایی: حملات هوایی تحت قواعد عمومی

حقوق بین المللی بشر دوستانه قرار دارد که بر اساس آن طرفین درگیر باید جنگجویان را از غیرنظامیان تفکیک نموده و به مردم و اموال غیرنظامی توجه نمایند. هیچگاه نباید مردم، افراد ملکی و اموال ملکی هدف قرار گیرد. حملات باید منحصراً به سوی اهداف نظامی باشد. هم چنان، طرفین درگیر و نیروهای مسلح شان صلاحیت بر گزینه نامحدود در استفاده از روش ها و ابزار جنگی را ندارند. استفاده از اسلحه یا روش های جنگی که موجب خسارات غیر ضروری یا رنجش بیشتر می گردد، منع شده است.

در حین عملیات های نظامی، از مردم و اموال ملکی باید مراقبت مداوم صورت گیرد. نیروهای مسلح باید تمام اقدامات پیشگیرانه را جهت جلوگیری و یا تا حد زیاد جهت کاهش خسارات به غیر نظامیان روی دست گیرند. نیروهای مسلح باید همه اقدامات احتیاطی عملی را برای اجتناب و یا به حداقل رساندن حادثات تلفات غیر نظامی، مجروح کردن آنها و یا خسارت به اموال غیر نظامی اتخاذ نمایند. آنها باید همه اقدامات عملی را در انتخاب اسباب و روش های جنگی با در نظر داشت جلوگیری و یا

¹- قطعنامه 1943 سال 2010 شورای امنیت. به تاریخ 13 اکتوبر 2010 در (6395) شش هزار و سه صد و نود و پنجمین جلسه شورای امنیت به تصویب رسیده و در صفحه ذیل قابل دریافت است: <http://www.securitycouncilreport.org/atf/cf/7B65BFCF9B-6D27-4E9C-8CD3-CF6E4FF97D/AFGH20S20RES201943.PDF>

²- اظهارات مطبوعاتی و گزارش های رسانه ها یک تعداد از ارقام و بیانیه های را توسط نیرو های بین المللی، به شمول "همان طوریکه جنگ در افغانستان جریان دارد، صلح هم چنان در جریان است" نقل نموده است. IRIN، 24 اکتوبر. "بمب ها را کنار گذارید: جنگ هوایی افغان با 1000 پرتاب بم روند صعودی دارد، در اکتوبر"، خانه خطر، دهم نومبر. نیرو های ائتلاف حملات هوایی را در افغانستان بیشتر میسازد، AP، 30 نومبر، به منظور شکستن طالب ها، ایالات متحد از قدرت شلیک زیاد کار میگیرد، AFP، 16 نومبر، و نیرو های افغان و ناتو 1784 عملیات را در سه ماه انجام داده اند. ناتو، Xinhua، 27 دسامبر.

کاهش حوادث تلفات افراد ملکی و خسارت به اموال شان اتخاذ نمایند.

بر اساس حقوق بین المللی بشردوستانه، طرفین باید هر کار عملی را جهت ارزیابی اینکه یک حمله ممکن است منجر به حادثه تلفات غیر نظامی، جراحت غیر نظامیان، خسارت به اهداف غیر نظامی و یا ترکیبی از آنها شود، به صورتی که نسبت به مزایای قطعی و مستقیم پیشبینی شده نظامی بیش از اندازه باشد، انجام دهند. سرانجام، طرفین درگیر باید مردم را از حملات که ممکن به آنها صدمه وارد نماید، از قبل آگاهی دهند.

2. حملات هوایی

حملات هوایی مرگبار ترین تکتیکی است که از سوی نیروهای طرفدار دولت در جنگ به کار گرفته می شود. با وجود آنکه نسبت به سال 2009 کاهش 43 درصدی در حملات هوایی بوجود آمده، همچنان این حملات بیشترین تلفات غیر نظامی را وارد نموده به طوریکه 171 کشته و 133 زخمی گردیده اند.¹ حملات هوایی خسارات هنگفت مالی را به اموال مردم ملکی وارد نموده که منجر به خشم و احساسات میان مردم متأثر شده است.

مناطق جنوبی کماکان شاهد بیشترین حملات هوایی، عمدتاً در نتیجه عملیات های زیاد نظامی که در این مناطق و مناطق شرقی صورت گرفته، بوده است. ماه های فبروری و اکتوبر، مرگبارترین ماه ها برای غیرنظامیان بوده که از اثر حملات هوایی کشته شده اند. در جریان این ماه ها، چندین حمله هوایی در ولایت کنر در شرق کشور رخ داده است و در ماه های فبروری و اکتوبر حملات هوایی در مناطق جنوبی باعث بیشترین تلفات غیرنظامیان گردیده است. یک حمله هوایی که در 21 فبروری در ولایت ارزگان رخ داد، 32 غیرنظامی را کشت و 26 تن دیگر را زخمی نمود و چندین حمله هوایی در ماه اکتوبر به خصوص در ولایات هلمند و کندهار بیشترین تلفات غیرنظامیان را در پی داشته است. در حداقل دو قضیه از همچون حوادث، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و واحد حقوق بشر یوناما حملات متعدد هوایی را در برابر یک تعداد اهداف ثبت نموده ند.

2.1. دستورهای تکتیکی در مورد حملات هوایی و تلفات غیر نظامیان

جنرال مک کرسنال در یک تلاش جهت کاهش تلفات افراد ملکی ناشی از حملات هوایی، دستور تکتیکی 2009 را صادر نمود. پس از آن، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و واحد حقوق بشر یوناما شاهد یک کاهش قابل ملاحظه در رقم کشته شده گان و زخمیان ناشی از حملات هوایی بوده اند. هرچند این عملیات ها مانند حملات شب هنگام خشم و نگرانی مردم را در پی داشته است. در پاسخ، جنرال پتریوس به تاریخ 1 آگست 2010، یک رهنمود تکتیکی جدیدی را صادر نمود که هم آیساف و هم نیروهای امریکایی مستقر در افغانستان آنرا باید بکار برند. این رهنمود استفاده از حملات هوایی را سهلتر می سازد اما در عین حال

¹ - باوجودیکه در سال 2010 تلفات افراد ملکی از اثر حملات هوایی نیروهای طرفدار دولت کاهش یافته است، رقم کشته شده گان افراد ملکی از اثر این حملات در این اواخر افزایش یافته است. در نیمه نخست سال 2010، 69 غیرنظامی کشته شدند این در حالیست که در نیمه دوم این سال رقم کشته شده گان به 102 رسید که یک افزایش 48 درصدی را نشان میدهد. که این افزایش کشته شده گان در نیمه دوم سال 2010، به افزایش استفاده از حملات هوایی ارتباط می گیرد.

می خواهد تا هر چیز ممکنه را برای جلوگیری از به خطر افتادن غیرنظامیان انجام دهند. همچنان در رابطه با استفاده از فیر رهنمایی مینماید تا در جریان حمله مطمئن شوند که در صحنه غیر نظامیان قرار ندارند و در جایکه قرار دارند سعی به عمل آید تا جز در شرایط استثنایی هیچ اقدام صورت نگیرد که به افراد ملکی صدمه وارد کند.¹ کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و واحد حقوق بشر یوناما نتوانسته اند تا دستور تکتیکی محرمانه مذکور را بدست بیاورند. با این وجود، بنابر گزارش آیساف، دستور تکتیکی، طرزالعمل هایی را برای بررسی تلفات افراد ملکی ایجاد نموده است. هم چنان، فرماندهان باید خود را با فرمانده مشترک و سلسله گزارش دهی داخلی هماهنگ سازند. قومندانان آیساف و ناتو در رابطه با عملیات هایی که انجام میدهند، در مقابل فرماندهی نیروهای آیساف و سلسله مراتب نظامی داخلی خود مسئول خواهند بود.²

2.2. افزایش حملات هوایی در سال 2010، کاهش در تلفات افراد ملکی و بررسی ها

در نیمه دوم سال 2010، رقم حملات هوایی بگونه قابل ملاحظه ای افزایش یافته است. بنابر گزارش ریاست امور عامه مربوط به فرماندهی مرکزی قوت های هوایی امریکا تا 31 دسامبر 2010، مجموعاً 33,679 حمله حمایوی هوایی با مجموعاً 5,101 رویداد هایی که در آنها از اسلحه کار گرفته شده، ثبت گردیده است.³ با وجود اینکه رقم حملات هوایی به گونه استثنایی افزایش یافته، رقم تلفات غیرنظامیان در سال 2010 از اثر حملات هوایی کاهش پیدا کرده است. هرچند این یک کار نیک است، اما آیساف باید تمام رویدادهای تلفات افراد ملکی ناشی از حملات هوایی را بررسی نماید زیرا شفافیت و حسابدی بیشتر برای کشته شده گان و زخمیان در تغییر دیدگاه منفی افغان ها نسبت به عملیات های نظامی، کمک خواهد کرد. در سال 2010، چندین رویداد ثبت گردیده که در آن حملات هوایی منجر به تلفات غیرنظامیان شده است. از مجموع 58 رویداد که تلفات غیرنظامیان را در پی داشت، 11 حمله هوایی باعث کشته شدن پنج یا بیشتر از پنج غیر نظامی گردیده است. تا جایکه کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و واحد حقوق بشر یوناما در جریان قرار دارد، آیساف تنها در باره شش مورد از یازده مورد بررسی ها را انجام داده است.⁴ سه بررسی در ولایات جنوبی هلمند و ارزگان صورت گرفته،

¹ - در رهنمد تکتیکی جدید که با اظهارات مطبوعاتی آیساف اعلان گردیده، آمده است: درحالیکه روی اهمیت تلاشهای مان جهت کاهش خسارات به زندگی غیرنظامیان در عملیات های خود تاکید میوزیم، همچنان روی حق و مسئولیت نیروهای ما برای دفاع از خود و انتلاف و نیروهای افغان که پهلو به پهلو با هم اجرای وظیفه مینماییم، تاکید داریم.
² - گزارش 2011/3/6 آیساف.

³ - معلومات در مورد عملیات تحکیم آزادی/عملیات های هوایی آیساف که از مرکز عملیات های هوایی قونهای مشترک مرکزی و مرکز حمله های فضایی ایالات متحده امریکا گرفته شده است. قوت های هوایی مرکزی ایالات متحده امریکا که پیشتر بنام فرمانده مرکزی قوت های هوایی ایالات متحده یاد میگردد جز قوت هوایی فرمانده مرکزی ایالات متحده میباشد. معلومات بیشتر در این صفحه انترنیتی ذیل قابل دسترس است: www.centaf.af.mil.

⁴ - پنج رویداد در این زمان ها بوقوع پیوستند: به تاریخ 10 آگست، 10 غیرنظامی در ولایت ننگرهار کشته شدند. به تاریخ 24 سپتمبر، 13 غیرنظامی در ولایت لغمان کشته شدند. به تاریخ 21 فیوروری، 32 غیرنظامی در ولایت ارزگان کشته شدند. به تاریخ 11 اکتوبر، 10 غیرنظامی در ولایت هلمند کشته شدند. به تاریخ 25 اکتوبر، 10 غیرنظامی در ولایت هلمند کشته شدند. و به تاریخ 22 آگست، شش غیرنظامی در ولایت بغلان کشته شدند.

دو در ولایت شرقی ننگرهار و لغمان، و یکی دیگر در ولایت شمال شرقی بغلان انجام شده است.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و واحد حقوق بشر یوناما با آیساف و مقامات ولایتی در تمامی این شش بررسی در مورد تلفات افراد ملکی که در نتیجه حملات هوایی صورت گرفته، اشتراک داشته اند و اطلاعات بدست آوردند که رویداد 21 فبروری در ولایت ارزگان، بطور کامل بررسی گردیده است. نتایج نهایی بررسی های دولت در مورد دو رویدادی که در مناطق شرقی به عمل آمده بود، در اختیار کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و واحد حقوق بشر یوناما قرار نگرفته است. هرچند، جبران خسارت از سوی «وجوه اختصاص یافته رئیس جمهور برای همچوه حوادث» برای قربانیان این حادثه پرداخته شده است.

آیساف بررسی مشترک را در مورد هر دو رویداد در شرق کشور انجام داد، اما تنها یک بررسی کامل از رویداد ولایت لغمان به اتمام رسید. آیساف گزارش حملات هوایی در دو رویداد دیگر در ولایت هلمند را رد میکند، اما گزارشات و منابعی که کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و واحد حقوق بشر یوناما در اختیار دارند، با این گزارش مطابقت ندارد.

2. 2. 1. حمله 21 ماه فبروری در ولایت ارزگان

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و واحد حقوق بشر یوناما، آگاهی دارند که حمله هوایی 21 فبروری در ولایت ارزگان که منجر به ازبین رفتن 32 و جراحت 14 غیرنظامی گردید، مورد بررسی قرار گرفته است. آیساف نتایج بررسی های خود را به نشر سپرد و در برابر افراد که در این رویداد دست داشتند، اقدامات انضباطی را روی دست گرفت. (به مأخذ نمبر 40 مراجعه گردد)

2. 2. 2. رویداد 5 اگست ولایت ننگرهار و 24 سپتمبر در ولایت لغمان

در دو رویداد که در شرق کشور رخ داد، والیها و شخص رئیس جمهور کرزی کمیسیون هایی را جهت بررسی این رویدادها ایجاد نمودند. در رویداد 5 اگست ولایت ننگرهار، مقام های ولایتی معلومات مختصری را در مورد نتایج این بررسی ها در اختیار کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و واحد حقوق بشر یوناما قرار دادند. یافته های کمیسیون موظف از سوی رئیس جمهور برای رویداد 24 سپتمبر در ولایت لغمان در دسترس کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و واحد حقوق بشر یوناما قرار نگرفت. قربانیان هر دو رویداد غرامات را از سوی صندوق احتیاطی رئیس جمهور بدست آوردند. بنابر گفته های مقام های ولایتی، آیساف نتایج بررسی های خود را با مقام های این ولایات در میان گذاشته است. پس از ارسال ایمل های زیاد به مشاورین حقوقی آیساف در فرماندهی ساحوی شرق، آنها اظهار داشتند که تنها مرکز قوماندانی آیساف میتواند اطلاعاتی را در مورد حملات هوایی ارائه نماید. طبق گفته های مشاورین حقوقی آیساف در ولایت کابل، دو بررسی مشترک در این دو رویداد به عمل آمده، بررسی کامل از رویداد ولایت لغمان توسط واحد دخیل در قضیه، آغاز گردید و سفارشات نیز به عمل آمد. از تطبیق این سفارشات اطلاع در دست نیست. آیساف تأیید نموده است که تلفات غیرنظامیان در این رویداد تصادفی بوده است زیرا آنها با عناصر مظنون مخالف دولت در یک محل قرار داشتند. با وجود آنکه دولت افغانستان جبران خسارت را به قربانیان این حادثه پرداخت نمود، اما هیچ کمکی از سوی آیساف صورت نگرفته است. بررسی که توسط واحد دخیل در رویداد ولایت لغمان صورت گرفت، تأیید نموده است که حداقل یک زن در این رویداد جان باخته است. آنها نیز از طریق بررسی این واحد تأیید نمودند که نتوانسته اند مامورین ولسوالی را از اجرای این عملیات خبر سازند. و ارتش ملی افغان میتواند در این عملیات سهم بگیرد.¹

2. 2. 3. رویدادهای 11 و 25 اکتوبر در ولسوالی سنگین ولایت هلمند

دو رویداد دیگر که در ماه اکتوبر در ولایت هلمند بوقوع پیوست منجر به کشته شدن 20 غیرنظامی گردید. بررسی های عمیق کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و واحد حقوق بشر یوناما نشان میدهد که قریه های مالازی و بالوزی در 11 اکتوبر و قریه های مایکان و هزار درخت به تاریخ 25 اکتوبر آماج چندین حمله هوایی قرار گرفته اند.² در

¹ دیدار واحد حقوق بشر یوناما با پرسونل قوماندانی آیساف به تاریخ 27 فبروری 2011.
² به تاریخ 11 اکتوبر، نیروهای نظامی بین المللی دو حمله هوایی را در ولسوالی سنگین ولایت هلمند انجام دادند. یک روز پیشتر از آن، نظامیان بین المللی پوسته های را در دو منزل در قریه های مالازی و کچگر ولسوالی سنگین ایجاد کرده بودند. بنابر گزارش ها، در اثر فیر طالبان بالای یکی از این پوسته ها، آیساف حمله هوایی را انجام داد که به یک ساحه مسکونی اصابت نمود که طی آن تعداد زیادی از افراد ملکی که بیرون از خانه نشسته بودند کشته و یا زخمی گردیدند و دو زن را در داخل خانه زخمی نمود. زخمیان به شفاخانه میرویس در شهر کندهار انتقال داده شدند. لاری که زخمیان را انتقال

گفتگو با آیساف، آنها این رویدادها را تأیید نمودند، اما ادعای تلفات افراد ملکی را رد نمودند. بنابر اظهارات آیساف، در پی حملات اولی در این ولسوالی هیچ حمله دیگر صورت نگرفته است و ادعای تلفات افراد ملکی را بی اساس خواندند.¹

2. 2. 4. حمله هوایی 22 آگست در ولسوالی تاله و برفک ولایت بغلان

نیروهای بین المللی یک بررسی را در مورد یک حمله هوایی که به تاریخ 22 آگست در ولسوالی تاله و برفک ولایت بغلان بوقوع پیوسته بود و در اثر آن 6 کشته و 4 تن دیگر زخمی گردیده بود، انجام دادند. بنابر گزارش ها، این حمله با تیم های بازسازی ولایتی مستقر در ولایت بغلان و مقامات آن ولایت هماهنگ نگردیده بود. هرچند که تیم تحقیق از فرمانده ساحوی شمال در چندین موارد اعزام شده بود، اما همکاری درستی از سوی مامورین ولسوالی با آنها صورت نگرفت. تیم متذکره نتوانست با قربانیان این رویداد گفتگو نموده و از قبر و محل رویداد دیدن نمایند. هرچند که ولسوال مذکور لستی از قربانیان را در اختیار تیم بررسی قرار داد، اما با وجود تقاضاهای مکرر، آیساف گزارش رسمی خود را در اختیار مامورین ولسوالی و ولایتی و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و واحد حقوق بشر یوناما قرار نداد. طبق گفته های مامورین ولسوالی، این قضیه مورد پیگرد بیشتر دولت قرار نگرفت. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و واحد حقوق بشر یوناما از قومندان آیساف میخواستند تا دستورهای تکتیکی را از طریق ایجاد یک واحد مرکزی که بتواند از تمام رویدادها نظارت، آنها را بررسی و در دسترس مردم قرار دهد، را ایجاد نماید. چنین روند از تعامل مناسب با قربانیان به شمول جبران خسارت و اقدامات انطباقی در برابر افرادی که مسئول این تلفات اند، کمک می کند.

تحلیل حقوقی در مورد استفاده از قوت های مهلك: حقوق بشر بین

المللی بشر دوستانه و حقوق بشر بین المللی استفاده از نیروی کشنده در برابر غیرنظامیان را منع نموده است. در هنگام اجرای عملیات های جنگی، طرفین درگیر باید میان افراد ملکی و کسانی که مستقیماً در خصومت ها اشتراک دارند، تفاوت قایل شوند و غیرنظامیان را آماج قرار ندهند. خارج از جنگ، قواعد حقوق بشر بین المللی قابل تطبیق اند. اینگونه قواعد استفاده از نیروی کشنده را به حالات ذیل محدود میسازد: 1. دفاع مشروع از خود یا از دیگران در برابر تهدید مرگ یا جراحت شدید. 2. جلوگیری از یک جنایت شدید که تهدید بزرگ را متوجه زندگی انسان میسازد. 3. بازداشت شخص که اینگونه خطر را به میان می آورد و به مقاومت می

میداد در قریه بالوزی توقف نمود و کسانی که را که در مسیر راه از بین رفته بودند از موتر بیرون نمودند. سایرین که نیازمند معالجه صحنی بودند به یک موتر انتقال گردیدند. پس از چند لحظه، حمله دومی که در برابر گروپ که با اجساد بودند صورت گرفت، منجر به کشته شدن حداقل ده غیرنظامی و زخمی شدن حداقل شش تن دیگر گردید. به تاریخ 25 اکتوبر، یک حمله هوایی به تعقیب یک جنگ زمینی در قریه مایکان، ولسوالی باغران ولایت هلمند انجام شد. دو حمله هوایی در برابر یک مهمانخانه در قریه نزدیک هزاردرخت صورت گرفت. با وجودیکه هدف حمله هوایی یک مسجد یا مدرسه در قریه مایکن بود، اما جان سه غیرنظامی را در خانه مجاور، گرفت. در قریه هزار درخت، هفت غیرنظامی، که همگی از یک خانواده بودند، در نخستین حمله هوایی کشته شدند و سه غیرنظامی دیگر در حمله هوایی دومی زخم برداشتند.

¹ دیدار های واحد حقوق بشر یوناما با فرماندهی آیساف مورخ 20 دسمبر 2010 در ولایت کابل.

پردازد. 4. جلوگیری از فرار شخص، تنها زمانیکه ابزار خفیفتر برای دستیابی به این اهداف وجود نداشته باشد. در هر صورت، استفاده عمدی از فیرهای مهلك باید تنها در صورتی انجام شود که خطری متوجه بوده و باعث حفظ حیات گردد.

3. افزایش تدریجی عکس العمل نیروها یعنی واقعات که ناشی از محافظت نیروهای نظامی بوده و افراد ملکی به علامات هشدار دهنده ای نیروها توجه نمی کند

54 واقعه ازین قبیل، سبب کشته شدن 45 تن از افراد ملکی گردیده است. این حادثه (ایسکلیشن اف فورس) زمانی اتفاق می افتد که دریور یک واسطه نقلیه موترش را در مقابل اشارات نیروهای نظامی جهت توقف نادیده می گیرد که در این صورت در مرحله بعدی نیروی نظامی ممکن است از عملی کار بگیرد که بتواند وی را متوقف کند و سر انجام این عمل ممکن است شامل فیر مستقیم بالای آن وسیله نقلیه باشد. این عمل باعث کشته و زخمی شدن افراد ملکی می گردد. چنین وقایع بیشتر در مناطق جنوبی کشور بویژه در ولایات کندهار و هلمند که بیشتر برخوردارها را تجربه کرده اند رخ داده است. این رقم 15% افزایش را در مقتولین ملکی نسبت به سال 2009 نشان می دهد.

3.1. طرزالعمل های معیاری در مورد افزایش تدریجی عکس العمل نیروها و افزایش تلفات ملکی

شمار وقایع افزایش تدریجی عکس العمل نیروها که در سال 2009 رخ داد همراه با نگرانی مردم، قوماندانی آیساف را بدان وا داشت تا طرزالعمل های معیاری در مورد افزایش تدریجی عکس العمل نیروها را تجدید گردیده بود، مورد بازبینی قرار دهد. دستور العمل عملیات های معیاری در مورد افزایش تدریجی عکس العمل نیروها رهنمودی را در مورد حوادث ناشی از افزایش تدریجی عکس العمل نیروها و پاسخ آیساف به آن ارائه می دهند. آنها چوکاتی را برای استفاده از نیرو در داخل مقررات مجاز راجع به درگیری ارائه می دهند. رهنمود به عساکر می آموزد تا مساعی به خرج داده و وضعیت را بدون استفاده از نیرو تحت کنترل در آورند؛ طرزالعمل ها را در محلات در مشوره با سران قومی محلی افغان، قرار داده؛ تا جاییکه ممکن است در محل واقعه باقی مانده؛ راه هایی را جستجو نمایند تا وضعیت را به تدریج به حالت عادی برگردانند؛ و مسؤولیت عمل خویش را بعهده گیرند. مطابق به ارقام ارائه شده از جانب کمیسیون مستقل حقوق بشر و دفتر حقوق بشر یوناما، شمار وقایع افزایش تدریجی عکس العمل نیرو بعد از نشر طرزالعمل معیاری، در مقایسه با دو ماه اول 2010 که قبل از انتشار آن بود، بصورت قابل ملاحظه پایین آمده است. از جنوری تا فبروری سال 2010، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و حقوق بشر یوناما 15 (7،5) حادثه در هر ماه) واقعه افزایش تدریجی عکس العمل نیرو را ثبت نموده است. اما از مارچ تا دسمبر 32 (3،2) حادثه در هر ماه) واقعه افزایش تدریجی عکس العمل نیروها را ثبت نموده اند. که 57% کاهش را در شمار ثبت شده وقایع افزایش تدریجی عکس العمل نیرو در ده ماه آخر سال در مقایسه به ماه جنوری و فبروری 2010 نشان می دهد. با آنکه شمار وقایع افزایش تدریجی عکس العمل نیرو کاهش داشته است، با اینحال غیرنظامیان بیشتری در این گونه وقایع در 2010 نسبت به 2009 کشته شده اند.

اکثریت این نوع حادثات زمانی رخ داده است که وسایط نقلیه به قطارهای نظامیان بین المللی نزدیک گردیده و طبق گزارشها قبل از اینکه بالای شان آتش گشوده شود قادر به درک اشارات نشده یا به قطارها خیلی نزدیک گردیده، به اشارات اعتناء نکرده و یا در محلات تلاشی توقف ننموده اند. ماه های جنوری و اپریل از مرگبارترین ماه های بوده که بیشترین افراد ملکی در اثر وقایع افزایش تدریجی عکس العمل نیروها به ترتیب 9 و 13 تن بقتل رسیده اند. تنها در یک واقعه بتاريخ 12 اپریل زمانی که نیروهای نظامی بین المللی بالای یک بس در ولسوالی ژیری ولایت کندهار آتش گشودند، پنج فرد ملکی کشته و 18 تن دیگر زخمی گردیدند. در یک بیانیه مطبوعاتی، آیساف به مسؤلیت خود در این واقعه اعتراف کرد و گزارش داد که اقداماتی روی دست دارد تا در آینده از چنین وقایعی جلوگیری بعمل آورد که شامل تأکید بر تطبیق رهنمود تاکتیکی 2 جولای 2009 مبنی بر کاهش تلفات می گردد. جهت دانستن هر چه بهتر اشارات، لازم است تا کمپاین معلوماتی بزرگ راه اندازی گردد و نیز لازم است توسل به اقدامات غیر مهلك هنگام افزایش تدریجی عکس العمل نیروها روی دست گرفته شود. کمیسیون مستقل حقوق بشر و دفتر حقوق بشر یوناما نمی‌توانند تطبیق این اقدامات را تأیید نمایند.

3.2. تظاهرات علیه وقایع افزایش تدریجی عکس العمل نیروها یعنی حادثات که افراد ملکی به هشدار نظامیان توجه ننموده و منجر به قتل و جرح آنها می شود.

سه تای از همچون واقعات در سال 2010 به تظاهراتهای بزرگی علیه نیروهای نظامی بین المللی منجر گردید. دو تظاهرات در ماه های جنوری و می در کابل و سوم آن در ماه مارچ در ولسوالی سید آباد ولایت وردک اتفاق افتاد. تظاهرات در مورد کشته شدن یک داکتر به تاریخ 23 مارچ، یک ملا امام به تاریخ 28 جنوری، یک زن و یک طفل از یک خانواده به تاریخ 10 می، اعتراض نمودند. ملا امام، زن و طفل زمانی بقتل رسیدند که واسطه شان با وسایط نظامیان بین المللی بسیار نزدیک گردیده بود. داکتر زمانی کشته شد که از خانه خود بیرون رفته و نزدیک قطار نظامیان بین المللی ایستاده شده بود. بزرگان قومی از وضعیت به مقامات ولسوالی شکایت نمودند. مطابق معلومات دست داشته کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و حقوق بشر یوناما، اینکه شکایات اعتراض کنندگان توسط نظامیان بین المللی یا مقامات ولایتی پذیرفته شده بود یا خیر واضح نیست.

تحلیل حقوقی در مورد عملیات های تلاشی و دستگیری/ حملات شبانه

زمانیکه یک حمله توسط نیروهای نظامی علیه اهداف مشروع نظامی مانند جنگجویان راه اندازی می شود، عموماً توسط عین معیارهای حقوق بین المللی بشردوستانه حاکم بر سایر حملات، به شمول قواعد و اصول مرتبط با شناسایی اهداف به عنوان اهداف نظامی، تناسب، احتیاط در حمله و ضرورت های نظامی، تنظیم می گردد. زمانی که نیروهای نظامی بین المللی حمله ای را برنامه ریزی می نمایند "هر نوع اقدام ممکن" باید روی دست گرفته شود تا "تثبیت گردد" هدف انتخاب شده یک هدف نظامی بوده و بین افراد ملکی و جنگجویان فرق قایل گردد تا از هدف قرار دادن افراد ملکی خود داری بعمل آید.

4. عملیات جستجو و تلاشی یا حملات های شبانه

تلفات ملکی از طریق عملیات های تلاشی و دستگیری و حملات شبانه از 135 نفر در سال 2009 به 102 نفر در 2010، کاهش یافته است که نشان دهنده 24 % کشته شدگان ملکی می باشد که به نیروهای طرفدار دولت نسبت داده شده است. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و حقوق بشر یوناما، 60 واقعه حملات شبانه را که باعث تلفات ملکی گردیده، ثبت نموده اند.

طبق گزارش رسانه ها، جنرال مک کرسنال و جنرال پتریوس شمار حملات شبانه را وسیعاً افزایش دادند. جنرال پتریوس مکرراً اظهار داشته که حملات شبانه در جمع آوری اطلاعات، گرفتاری مظنونین شورشی، کاهش تلفات ملکی و توقف حملات بیشتر توسط مخالفین موفق بوده است. قومندانان آیساف اظهار داشتند که در 80 % حملات شبانه هیچ فیری صورت نگرفته است. اما با وجود موفقیت، این عملیات ها سبب خشم و رنجش افغان ها به ویژه علیه نیروهای نظامی بین المللی گردیده است. قسمیکه در گزارش نیم سال 2010 در مورد محافظت افراد ملکی اظهار گردیده بود "نگرانی ها در مورد حملات شبانه چیز جدیدی نیست و بحث ها عمدتاً روی ضرورت و دلیل تلاشی تمرکز نداشته، بلکه بیشتر روی چگونگی انجام حملات شبانه و در نتیجه تکرار تلفات ملکی از اثر این نوع حملات، بوده است." بسیاری از جوامع افغانی و نیز بیانیه های متعدد

از طرف رئیس جمهور کرزی برملا کننده این حقیقت بوده که حملات متذکره حرمت و آرامش خانواده ها را نقض می نماید. آنان به این عقیده هستند که انجام حملات شبانه از لحاظ فرهنگی حساسیت بر انگیز بوده که باعث تلفات ملکی گردیده و خشم مردم را علیه نیروهای نظامی بین المللی بر انگیزته است. بیشتر نگرانی ها به تخریب ملکیتها و عدم پرداخت خسارت، ناتوانی در تحقیق و تعقیب آنانی که افراد ملکی را در جریان حملات کشته و زخمی نموده اند و فقدان معلومات در مورد محل نگهداشت توقیف شده گان ارتباط می گیرد.

4. 1. 4. تطبیق رهنمود تکتیکی در مورد حملات شبانه توسط آیساف

4. 1. 1. 4. 1. عدم هماهنگی و همکاری با نیروهای امنیتی ملی افغان

در جنوری و دسمبر رهنمود تکتیکی که توسط قوماندانی آیساف صادر گردید، اهمیت همکاری با نیروهای امنیتی ملی افغان را مورد تأکید قرار داد و قسمیکه در رهنمود اگست در مورد استفاده از نیرو اظهار گردیده، نیروهای امنیتی ملی افغان باید بخشی از برنامه گذاری و تطبیق را تشکیل دهند. رهنمود تکتیکی ماه های جنوری و دسمبر 2010 در مورد حملات شبانه اظهار داشت که نیروهای امنیتی افغان باید در برنامه ریزی شامل شوند و تا جاییکه ممکن است باید رهبریت را در تمام حملات احراز نمایند. در مواردیکه توسط کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و حقوق بشر یوناما ثبت گردیده، بهر حال، شواهد حاکیست که نیروهای نظامی بین المللی نقش رهبری کننده را در این عملیات ها داشته است. علاوه اینکه در موارد و عملیات های بسیاری که نیروهای امنیتی افغان و نیروهای نظامی بین المللی که در بعضی از ساحات راه اندازی نموده، عدم هماهنگی کلی را نشان داده و به مشاهده رسیده است (با آنکه بعضی از این عملیاتها ممکن است توسط نیروهای ویژه راه اندازی گردیده باشد که خارج از حیطه قوماندانی آیساف بوده و با نیرو های امنیتی افغان هماهنگی ندارند).

در ماه اگست در ولایت کابل، سران قومی ولسوالی موسی به کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و حقوق بشر یوناما در مورد چندین حمله شبانه که توسط نیروهای نظامی بین المللی راه اندازی گردیده و باعث تلفات ملکی گردیده بود، گزارش دادند که حاکی از توقیف خود سرانه افراد ملکی بدون هماهنگی با نیروهای امنیتی ملی افغان و عدم رعایت حساسیت های فرهنگی در تلاشی زنان و استفاده از نیروی بیش ازحد، می باشد. در ماه جولای بزرگان کندز عملیات تلاشی که حساسیت های فرهنگی را بدنبال دارد و توسط نیروهای طرفدار دولت صورت گرفته بود را مورد انتقاد قرار داده، اظهار داشتند که چنین اعمالی می تواند مردم را به سمت حمایت از طالبان سوق دهد.

تمام این نگرانی ها توسط بزرگان ولسوالی نوبهار ولایت زابل و شهر کندز در مورد حملات شبانه منعکس گردید که بتاريخ 6 و 28 نومبر به ترتیب اتفاق افتاده بود. بزرگان قومی کندز نگرانی ایشان را در مورد رفتار نیرو های بین المللی در جریان حمله شبانه 28 نومبر اظهار داشتند. نگرانی آنها شامل فقدان معلومات در مورد محل هشت نفر ملکی توقیف شده، فقدان دسترسی به معالجه طبی برای بیماری جدی یک طفل و تخریب مایملک آنان می باشد. این نظریات منعکس کننده دیدگاه طیف وسیعی از جامعه افغانی می باشد که حضور نیروهای بین المللی را مسؤل ازدیاد ناامنی ها می دانند که باعث شمار زیادی تلفات ملکی صرفنظر از اینکه مرتکبین آنها مورد پیگرد قرار نمی گیرند و نیرو های بین المللی با مصؤنیت مرتکب آن می شوند.

بزرگانی که از کمر و نورستان نمایندگی می کنند بر اهمیت هماهنگی مناسب بین نیروهای بین المللی و مقامات ولسوالی قبل از عملیات نظامی تأکید داشتند بویژه زمانیکه حملات شبانه را راه اندازی می نمایند. این نگرانی زمانی انعکاس یافت که با بزرگان قومی ولایات لوگر و وردک مشوره صورت گرفت و آنان پیشنهاد کردند که نیروهای بین المللی نه تنها با مقامات ولسوالی مشوره نمایند بلکه لازم است تا با نیروهای امنیتی افغان، شورای ولایتی و بزرگان محلی نیز مشوره نمایند. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان چندین واقعه را در مناطق مرکزی و جنوبی جایی که بزرگان شکایت کردند که تلفات ملکی ناشی از عدم هماهنگی با نیروهای امنیتی افغان و مقامات ولایتی بوجود آمده، را مستند ساخته اند. در واقعه به تاریخ 24 اپریل در پل علم ولایت لوگر نیروهای نظامی بین المللی حمله شبانه را راه اندازی نمودند که منجر به کشته شدن پنج مرد گردید. پولیس ملی افغان گزارش داد که عملیات با ما هماهنگی نشده بود. شاهدان عینی به کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و حقوق بشر یوناما گفتند که هیچ فردی از نیروهای ملی افغان هنگام حمله حضور نداشتند.

در یک اعلامیه عمومی بتاريخ 17 اکتوبر، شورای امنیت ملی افغانستان به عدم هماهنگی نیروهای نظامی بین المللی با مقامات امنیتی و ملکی ولایتی در برخی از عملیاتها اشاره نمود. شورای امنیت ملی اظهار داشت که قومندانی عملیاتی مشترک در بگرام با مسؤلیت "شریک ساختن اطلاعات در مورد هرگونه عملیات توسط نیروهای بین المللی در افغانستان و تا جایی که لازم باشد، اجازه قبلی رسمی از وزارت های دفاع، داخله یا ریاست عمومی امنیت ملی باید حاصل گردد، موثر نیست".¹ بیانیه اظهار میدارد که در بعضی موارد نیروهای بین المللی ممکن از بیانیه جنرال پتروس تور کامل پیروی ننموده که در آن گفته شده بود که (نیروهای افغان رهبری چنین عملیات های را به عهده بگیرند و اینکه مقامات عالی رتبه ای از وزارت های داخله و دفاع در مراحل برنامه ریزی باید سهم داشته باشند). شورای امنیت ملی همچنان اظهار داشت که در نتیجه این فقدان هماهنگی "تصمیم اتخاذ گردید تا گفتگوهای بیشتری در مورد موثریت عملیاتها صورت پذیرد تا تصمیم عملی هرچه زودتر اتخاذ گردند". بر اساس تحقیقات، معلوم می گردد هیچ نوع پیگیری در این رابطه انجام نشده است.

4.1.2. فقدان یاد داشت کتبی در مورد محل نگهداشت، دلایل توقیف و تماس با توقیف شدگان

هر دو رهنمود تکتیکی ماه های جنوری و دسمبر دارای احکامی در مورد رسید و یاد داشت در مورد توقیف شدگان، ضبط و خسارات بر ملکیتها می باشند. در تمام موارد نیروهای نظامی بین المللی و نیروهای امنیتی افغان باید یاد داشتهای کتبی با استفاده از فورم های معیاری صادر نمایند تا خانواده های آنها و مردم بدانند که جهت پی گیری به کدام مراجع مراجعه نمایند. مقامات ولایتی در سراسر کشور، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و حقوق بشر یوناما بصورت دوامدار گزارشاتی را از مردم متأثر حاصل می نمایند که حاکی از عدم پیروی نیروهای آیساف از احکام مندرج رهنمود تکتیکی بصورت درست آن می باشد. حقوق بشر یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر

¹ - بیانیه توسط شورای امنیت ملی، نیوز ریلیز، " شورای امنیت، فرماندهی عملیات مشترک قومندانی بگرام را غیر مؤثر می خواند" 17 اکتوبر 2010.

افغان چندین واقعه را در مناطق جنوبی درج نموده اند که بیانگر فقدان تطبیق کافی رهنمود تکتیکی می باشد.¹ مطابق اطلاعات دست داشته کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و حقوق بشر یوناما، در همه موارد محل نگهداشت توقیف شدگان و دلایل توقیف آنان به خانواده های شان علی الرغم کوشش های زیاد برای بدست آوردن چنین اطلاعاتی، نا معلوم بوده است. چنین وضعیتی در مغایرت با الزامات رهنمود تکتیکی می باشد که خاطر نشان می سازد آیساف باید یاد داشت کتبی را همراه با جزئیات تماس ارائه نماید تا خانواده ها بتوانند در این زمینه پی گیری نمایند که البته بنا به گفته خانواده ها، چنین کاری صورت نگرفته است.

4. 2. حمله بر قریه جات

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و حقوق بشر یوناما گزارشاتی حاصل نموده اند که حاکی از تلاشی شب هنگام قریه جات بصورت مکمل می باشد. تلفات ملکی در چندین عملیات به شمول عملیات در قریه ساوای ولسوالی احمد آباد ولایت پکتیا در تاریخ 10 جولای رخ داده است. طی یک عملیات مشترک نظامی نیروهای بین المللی و نیروهای امنیتی ملی افغان قریه را محاصره کرده و سه منزل را تلاشی نمودند که منجر به کشته شدن یک فرد ملکی و توقیف 14 نفر دیگر گردید که 7 تن شان بتاريخ 12 جولای رها گردیدند. بتاريخ 6 نومبر، بزرگان ولسوالی نوآباد ولایت زابل از حملات شبانه در قریه شهاکل به مقام ولایت شکایت کردند که بنا به اطلاعات سه دکان سوزانده شده، افراد ملکی سه قریه مختلف کشته و یک شخص گرفتار گردید.

بتاریخ 1 دسمبر عملیات مشترکی توسط آیساف و پولیس ملی در شاه ولی کوت علیه مظنونین طالب راه اندازی گردید که برای دو روز دوام کرد، طبق منابع نیروهای طرفدار دولت تقریباً 400 خانه را در قریه کندلان محاصره نمودند. ملکیتها خساره مند گردیده و نیروهای آیساف و امنیتی ملی افغان تقریباً 100 مرد و پسر بچه را از این منازل بیرون نموده و در یک منزل جهت استنطاق جمع کردند. ظاهراً پنج مرد مظنون شناخته شد و از طرف نیروهای طرفدار دولت مورد شکنجه قرار گرفتند. گفته شده که آنها از درخت آویزان گردیده، داخل آب سرد برده شده، به برق داده شده و مورد لت و کوب قرار گرفتند. بعداً، این پنج نفر به منزل دیگر برده شده بالای شان دیزل پاشیده و آتش زده شدند و همچنان منزل مذکور نابود گردید. همچنان در این عملیات دونفر ملکی دیگر نیز جان باختند. نیروهای نظامی بین المللی و نیروهای ملی امنیتی در این ساحه به قریه تنگی نیز رفتند و در آنجا 30 تن دیگر را توقیف کردند. وارد آوردن خسارت به منازل در قریه کندلان به کمیسیون مستقل حقوق بشر و حقوق بشر یوناما گزارش

¹ - بتاريخ 20 جنوری نیروهای نظامی بین المللی و نیروهای امنیتی ملی افغان عملیات مشترک تلاشی را در ولسوالی قریباغ ولایت غزنی راه اندازی نمودند. در جریان عملیات چهار نفر کشته و نفر پنجم توقیف گردید. با آنکه مقامات ولایتی ادعا کردند که دو نفر با طالبان رابطه داشتند، دونفر دیگر کشته شده، اطفال بودند. هم چنان بتاريخ 24 اپریل در جریان یک حمله شبانه در ولسوالی قریباغ ولایت غزنی توسط نیروهای نظامی بین المللی یک فرد ملکی کشته و برادرش توقیف گردید. طبق گزارش، هردوی آنها ملکی بودند و روزانه مزدورکاری میکردند. بتاريخ 6 دسمبر نیروهای نظامی بین المللی یک حمله شبانه را در شهر گردیز ولایت پکتیا راه اندازی نمودند. در جریان تلاشی اموال خساره مند گردیده و سه نفر گرفتار گردیدند با آنکه طبق گزارش نیروهای بین المللی گفته بود که حمله را بر علیه یک نفر راه اندازی کرده بودند. خانواده ها خواستار آزادی صاحب خانه و فرزند وی شدند.

داده شده و طبق گزارش مکتب کندلان قسملاً خسارت دید. چهار نفر دستگیر شدند که بعداً بزودی رها گردیدند. آیساف بتاريخ 11 دسمبر 2010 تحقیقی را در زمینه راه اندازی نمود که یافته های آن بتاريخ 21 جنوری 2011 به نشر رسید. تحقیقات حاکی از آن بود که مردم اتهامات خود را در مورد تلفات ملکی پس گرفته اند. تحقیقات بیان داشت که 15 تن بشمول هشت فرد ملکی بنا به "قصد خصمانه" به قتل رسیدند. آیساف اتهامات شکنجه را در جریان عملیات تکذیب کرد. بتاريخ 9 دسمبر هیأتی از ریاست جمهوری از کابل به ساحه اعزام گردید تا گزارشات را تحقیق و به رئیس جمهور گزارش دهد اما گزارش مذکور به اطلاع مردم رسانیده نشد. والی ولایت ایجاد کمیسیون تحقیق را وعده داد که تا هنوز ایجاد نگردیده است.

4.3. تحقیقات توسط آیساف در مورد تلفات غیر نظامیان ناشی از حملات شبانه

تحقیقات ابتدایی در رابطه به عملیات نظامی که توسط آیساف راه اندازی می گردد معمولاً به مجرد وقوع واقعه صورت می گیرد. آیساف معمولاً نتایج تحقیقات و اقدامات مربوط به آن را با کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، حقوق بشر یوناما یا سائر مراجع دیگر شریک نمی سازد. مناطق متأثر در سراسر کشور به کمیسیون حقوق بشر افغانستان و حقوق بشر یوناما گفتند که آنان از نتایج و یا انجام تحقیقات آگاه ساخته نمی شوند.

آیساف در مورد نحوه و ترکیب تحقیقات ابتدایی اش معلوماتی ارائه نمی دارد. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و حقوق بشر یوناما مساعی بخرج داده اند تا در بسا موارد مربوط به تلفات ملکی و حملات شبانه با آیساف تماس حاصل نمایند که با معضلات قابل ملاحظه روبرو گردیده اند. این دو نهاد تنها موارد اندکی را درج نموده اند که در زمینه تحقیقات مکمل صورت گرفته و نتایج آن گزارش داده شده باشد. تحقیقات مشترک آیساف با نیروهای امنیتی ملی افغان بتاريخ 12 فبروری در رابطه به یک حمله شبانه در شهر گردیز راه اندازی گردید که در آن پنج تن از افراد ملکی به قتل رسیده، 4 تن زخمی و هشت تن دیگر توقیف شده بودند. انجام تحقیقات توسط آیساف و پرداخت خسارت در پاسخ به تحقیقات انجام شده از طرف حقوق بشر یوناما و گزارش آن در رسانه ها صورت گرفت. نتایج نهایی تحقیقات متذکره به اطلاع کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و حقوق بشر یوناما یا به خانواده های متضرر نرسید. آیساف بیانیه های مطبوعاتی را در پی تعدادی از حملات شبانه صادر کرده که غالباً در آن در مورد روش راه اندازی عملیات روشنی انداخته می شد و اتهامات مبنی بر کشته شدن و یا توقیف افراد ملکی را تکذیب می کرد.

عدم شفافیت و حسابدهی در مورد بسیاری از این واقعات، قصور مبرهن است در رابطه با تحقیق مؤثر و تعقیب اشخاصی که در سوء رفتارها در بسیاری از وقایع مسؤل شناخته می شوند، فقدان معلومات در مورد محل توقیف شدگان و در بدست آوردن جبران خساره در مقابل تلفات جانی، زخم برداشتن و تخریب اموال، اکثراً نگرانی های مکرر مردم و مقامات ولایتی را بوجود آورده است. رهنمود تکتیکی ماه جنوری تا اندازه این نگرانی ها را عنوان کرده بود ولی با آن هم کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و حقوق بشر یوناما بصورت دوامدار

نگرانی های مشابه را بعد از صدور رهنمود تکتیکی جدید ماه دسمبر 2010 ثبت نموده اند.

4.4. تظاهرات علیه حملات شبانه

به تعقیب چندین حملات شبانه در بسیاری از ساحات مملکت تظاهراتی رخ داد که علیه حمله و توقیف افراد ملکی راه اندازی گردیده بود. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و حقوق بشر یوناما تظاهراتی را که در ولسوالی پل علم ولایت لوگر، ولسوالی سید آباد ولایت وردک، ولسوالی بارکنر ولایت کنر، ولسوالی سرخ رود ولایت ننگرهار، ولسوالی گردیز ولایت پکتیا، ولسوالی قره باغ ولایت غزنی و نیز در ولایت کابل، هلمند، کندهار و ننگرهار علیه حملات شبانه اعتراض کرده بودند را ثبت نموده اند. مطابق اطلاعات دست داشته واضح نیست که آیا به خواسته های تظاهر کنندگان توسط دولت یا نیرو های بین المللی رسیدگی شده است یا خیر.

5. نیروهای عملیاتی ویژه

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و حقوق بشر یوناما در نظارت و ثبت فعالیت های نیروهای ویژه، خصوصاً ارتش ویژه امریکا با مشکل مواجه بوده اند. دلایل تکتیکی و نیز در دسترس قرار ندادن عمدی اطلاعات در مورد چنین عملیاتی، رسیدگی به این موضوع را مشکل می سازد. در ماه مارچ جهت بهبود و هماهنگی بیشتر در عملیات های نظامی، اکثر نیروهای ویژه امریکائی تحت فرماندهی قوماندانی آیساف قرار داده شدند. در سال 2010 تعداد زیادی از افراد ملکی افغانستان از حملات نیروهای ارتش ویژه امریکا متأثر گردیده که این تأثیر بنابر گزارش ناشی از افزایش تعداد نیروهای ویژه و نیز از بیشتر شدن شمار حملاتی که هدف آن کشتن فرماندهان طالب بوده، بوده می تواند.

جنرال پتریوس در چندین گزارش رسانه ای اظهار داشت که از آغاز می تا اخیر جولای 2010 نیروهای ویژه تقریباً 3000 حمله شبانه را سازماندهی کرده که در آن 365 نفر رهبران مخالفین، 1355 نفرات جنگجوی طالبان گرفتار و 1031 نفر کشته شدند.¹ این مطلب معلوم نیست که آیا این ارقام تعداد افراد ملکی را که در حملات گیر مانده اند طوری که آیساف اظهار می دارد، "مظنونین مخالف" نیز دستگیر گردیده است، منعکس می کند و در همین تعداد شامل ساخته شده است. کاربرد بیش از حد نیرو، رفتار بد، کشته و زخمی شدن افراد ملکی و وارد آمدن خساره به اموال در بعضی موارد اتفاق افتاده که در آن نیروهای ویژه ذیدخل بوده است. مطابق به گزارش رسانه ها، رئیس جمهور کرزی مکرراً خواستار خاتمه حملات شبانه گردیده که از طرف نیروهای عملیاتی ویژه صورت گرفته اند و خاطرنشان نموده که تمام حملات شبانه باید در محدوده قانون افغانستان صورت پذیرد.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و حقوق بشر یوناما به طور نمونه 13 واقعه را مستند ساخته که در 2010 اتفاق افتاده که در آن نیروهای ویژه ذیدخل بوده است. تلفات ملکی در بسیاری این واقعات که شامل عملیات هوایی و زمینی بوده و طبق گزارشها نیروهای عملیات-

¹ - به گزارشهای رسانه که شامل "روشنای جدید بر حملات شبانه نیروهای امریکایی"، گرید پورتر، آسیا تایمز، 16 سپتمبر 2010، "نیروهای ویژه به تعداد 300 تن طالب و رهبران القاعده را نابود کرد، به نقل از جنرال پتریوس" تیلیگراف، 15 اکتوبر 2010. مراجعه گردد.

های ویژهٔ ذیدخل بوده اند، رخ داده است. از جمله در شش مورد از این واقعات، یا کماندوهای افغان یا نیروهای امنیتی ملی افغان حضور داشتند.

از جمله 13 واقعه ثبت شده، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و حقوق بشر یوناما از سه واقعهٔ آن اطلاع دارد که در 30 جنوری در ولسوالی خاص ارزگان، 12 فبروری در ولسوالی گردیز و بتاريخ 21 فبروری در ولسوالی چارچینو رخ داده¹ که در آن آیساف تحقیقاتی را روی دست گرفت و برای متضررین یعنی کشته شدگان و مجروحین عملیات پرداخت هایی صورت گرفته است. در واقعه اول، با بزرگان و مقامات ولسوالی شورایی دایر گردید و در دو واقعهٔ اخیر تحقیقات وسیعی راه اندازی گردید؛ با آنکه تحقیقات کامل توسط آیساف در واقعهٔ 12 فبروری فقط زمانی آغاز گردید که تحقیقات مستقلی توسط کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و حقوق بشر یوناما و ژورنالستان انجام گردیده بود. دولت در این واقعه غرامت پرداخت، ولی هنوز واضح نگردیده نیروهای نظامی بین المللی اقدامات تأدیبی را علیه واحد و عساکری که حملات را انجام داده بودند اعمال کرده است یا خیر.

در واقعهٔ 21 فبروری تحقیق ایالات متحده منتج به اعمال اقدامات تأدیبی علیه عساکری گردید که در قضیه ذیدخل بودند. طبق معلومات دست داشتهٔ کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و حقوق بشر یوناما، فرماندهی آیساف، همچنان اقدامات تأدیبی و تصامیمی را جهت ارتقای دانش و مطابعت از رهنمودهای نافذه پذیرفته تا از تلفات ملکی جلوگیری بعمل آمده باشد.

در ده واقعهٔ باقی مانده که ثبت گردیده، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و حقوق بشر یوناما علی الرغم درخواستها، از اقدامات نیروهای نظامی بین المللی، بویژه در جریان حملات شبانه و عملیات تلاشی و گرفتاری مطلع ساخته نشده اند. طور مثال بزرگان قومی بتاريخ 21 جولای با نمایندگان وزارت امور داخله و با نیروهای امنیتی محلی، ولسی جرگه و مشرانو جرگه بتاريخ 4 اگست ملاقات کردند تا شکایت خود را دربارهٔ حملات شبانه که توسط نیرو های ویژه در

1- بتاريخ 30 جنوری نیروهای ویژه امریکائی، و محافظین امنیتی افغان تلاشی شبانه را در ولسوالی خاص ولایت ارزگان راه اندازی نمودند که منجر به کشته شدن یک کودک و چهار مرد گردید که سه نفر شان را حقوق بشر یوناما منجیت افراد ملکی شناسائی کرد و نیز یک زن زخمی گردید. طبق بیانیهٔ آیساف تمام چهارنفر مذکور شورشیان بوده و کشته ها و زخمی شدگان از اثر تبادل آتش اتفاق افتاده است. طبق تحقیقات کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و حقوق بشر یوناما در شرح این وقایع اختلاف نظر وجود دارد. نیروهای ویژه امریکا متعاقباً شورایی را با مقامات ولسوالی و بزرگان برگزار کرد و در فبروری پروسهٔ پرداخت مالی شروع گردیده بود. در تاریخ 12 فبروری 5 ملکی کشته شدند که سه زن را نیز شامل می گردید، چهار ملکی دیگر زخمی گردیدند که یک طفل 15 ساله نیز شامل آنها بود زمانیکه نیروهای ویژه امریکا و کوماندوی افغانی حملهٔ شبانه را در مرکز گردیز ولایت پکتیا راه اندازی نمودند. تحقیقات مشترکی توسط نیروهای نظامی بین المللی و وزارت داخله فیصله کردند که نیروهای نظامی بین المللی مسؤل کشتن سه زن بودند و یک بیانیهٔ مطبوعاتی اظهار داشت که "ما گفتگوی خود را با همکاران افغان خود دوام میدهیم تا هماهنگی را برای عملیات در آینده بهبود بخشیده و کمک میکنیم که چنین اشتباهاتی در آینده اتفاق نیفتد". بتاريخ 21 فبروری از اثر یک حملهٔ هوایی بالای یک کاروان سه موتره که 45 نفر ملکی را به 32 نفر ولسوالی چارچینوی ولایت ارزگان از ولسوالی کجران ولایت دایکندی انتقال میداد 32 نفر افراد ملکی کشته و 14 نفر زخمی شدند. بتاريخ 29 می، نیروهای امریکای برای افغانستان یافته های تحقیق ایالات متحده را که در ارتباط به موضوع صورت گرفته بود و نیز در رابطه با رفتار نیروهایش را منتشر ساخت. جنرال مک کرسنال تحقیقات را تأیید و فیصله نمود که فهم و پذیرش رهنمود باید بهبود پیدا کند تا بتوانیم تلفات ملکی را کاهش بخشیم. تحقیقات همچنان منتج به برداشتن گام های مفیدی توسط نیروهای هوایی ایالات متحده و اقدامات انضباطی علیه آنهایی گردید که ذیدخل بودند. نیروهای ویژه ایالات متحده برای کشته شدگان و زخمی هایی که از اثر حملات هوایی صورت گرفته بود، پول پرداخت.

ولسوالی موسی ولایت کابل که منتج به کشته شدن چهار فرد ملکی گردید، به آنها برسانند. مامورین دولتی ولسوالی و نیروهای امنیتی ملی گزارش دادند که این حملات با آنها هماهنگی نشده بود. وقایعی که در آن نیروهای ویژه ذیدخل بوده اند کمتر گزارش داده شده زیرا که در بسیاری از موارد برای افراد ملکی تفکیک بخش های مختلف مشکل می باشد تا تفکیک بتوانند که کدام عملیات توسط نیروهای ویژه و کدام عملیات توسط نیروهای نظامی بین المللی انجام شده است. نیروهای ویژه اغلباً به درخواست ها برای ارائه معلومات پاسخ نمی دهند. افراد ملکی که توسط این عملیات آسیب می بینند، اغلباً نمی دانند غرض اخذ غرامت با چه مرجعی تماس حاصل نموده و یا چگونه جویای محل محبوسین خود گردند.

6. تحقیقات و حسابدگی در رابطه با تلفات ملکی

6.1. آیساف

کمیسون مستقل حقوق بشر افغانستان و حقوق بشر یوناما 172 واقعه تلفات ملکی را مستند ساخته که در آن نیروهای طرفدار دولت در حملات شبانه، حملات هوایی و حملات افزایش تدریجی عکس العمل نیرو اشتراک داشتند. مطابق اظهارات آیساف، آیساف در تمام وقایع تلفات ملکی تحقیقات را انجام داده است. مساعی که چنین ادعاهایی را بررسی نماید، کسب معلومات در مورد هر یک از این وقایع بشمول آنکه کدام ارگان تحقیقات نخستین را انجام داده و اینکه آیا تحقیقات بیشتری انجام گردیده، غالباً موفق نبوده است.

در وقایعی که تحقیقات از طرف نیروهای نظامی بین المللی یا مقامات افغانی یا هر دو انجام گردیده، نتایج آن ندرتاً به سمع عموم رسانیده شده، قربانیان، خویشانان و خانواده های شان را از اخذ غرامت محروم ساخته اند. آیساف به صورت نورمال، هویت افراد ذیدخل درین وقایع را افشاء نکرده و اینکه آیا چنین افراد مورد تعقیب عدلی قرار گرفته اند یا در مورد کشته و زخمی شدن افراد ملکی جوابگو بوده اند یا خیر، معلومات ارائه نگردیده است.

6.1.1. اقدام تأدیبی در مقابل تلفات ملکی

کمیسون مستقل حقوق بشر افغانستان و حقوق بشر یوناما چندین واقعات در رابطه به عملیات های تلاشی و گرفتاری و غالباً حملات شبانه و حملات هوایی (برای معلومات بیشتر به بخش های تلاشی و گرفتاری و حملات هوایی مراجعه گردد) را پیگیری نموده اند. طبق معلومات دست داشته، واضح نگردیده که آیا اقدامات تأدیبی علیه آنانی که مسؤل می باشند، انجام شده یا خیر.¹ ظاهراً فقدان تعقیب عدلی افراد مسؤل قتل و جرح افراد ملکی علت بزرگ نگرانی را تشکیل می دهد. کشورهای کمک کننده نیرو باید تحقیقات کافی را انجام دهند و تخطی های جدی را مورد تعقیب عدلی قرار دهند.

¹ - کمیسون مستقل حقوق بشر افغانستان و حقوق بشر یوناما در قضیه که عساکر امریکائی برای تخطی از حقوق بشر که در جریان جنگ ارتکاب یافته محاکمه شده اند و فعلاً در جریان است آگاهی دارد. در قضیه اولی یک محاکمه در فورت ورت تکزاس که در آن پنج عسکر امریکائی مربوط لوای ضربتی پنجم، فرقه دوم پیاده ذیدخل می باشند را به جرم کشتن سه فرد ملکی افغان که بصورت غیر عمدی بین جنوری و می 2010 در ولایت قندهار بقتل رسیدند، جریان دارد. در قضیه دوم یک عسکر در امریکا تحت محاکمه قرار دارد که متهم به کشتن یک فرد ملکی بتاريخ 26 سپتمبر در ولسوالی علیشنگ ولایت لغمان می باشد. نیرو های بین المللی، مرد را که دستور توقف را نادیده گرفته بودند دستگیر نموده و مرد مذکور به یک قرارگاه موقت برده شد و گفته شده که بعد از تحقیقات نخستین به قتل رسانیده شد. نیرو های نظامی بین المللی تحقیقاتی را مطابق مشاور قانونی آیساف در جلال آباد راه اندازی نمودند فرد متهم مذکور در حال حاضر تحت محاکمه قرار دارد.

6.2. نیروهای امنیتی ملی افغان

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و حقوق بشر یوناما بین عملکرد نیروهای نظامی بین المللی و نیروهای امنیتی ملی افغان فرق قایل نگردیده و هر دو را تحت عنوان نیروهای طرفدار دولت تذکر می دهد. وزارت دفاع هیچ جزئیاتی را در مورد شمار دقیق تلفات ملکی که از اثر عملکرد اردوی ملی افغان بوجود آمده به حقوق بشر یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان ارائه نکرده است. در شش موردی که کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و حقوق بشر یوناما وقایع تلفات ملکی را که در آن نیروهای امنیتی ملی افغان ذیدخل بوده اند، پیگیری نموده که در چهار واقعه آن تحقیقات صورت گرفت و منتج به محاکمه و توقیف عاملین آن گردید.

اعضای نیروهای امنیتی ملی افغان در سه واقعه افزایش تدریجی عکس العمل نیرو که منتج به تلفات ملکی گردید محاکمه شده اند. در همه این سه واقعه حکم به مجازات زندان برای عاملین صادر شد. بتاريخ 18 جنوری یک سرباز اردوی ملی زمانی که یک فرد ملکی را به ظن اینکه وی حمله کننده انتحاری می باشد در یک واقعه افزایش تدریجی عکس العمل نیرو در شهر گردیز ولایت پکتیا زخمی ساخت، به 12 سال زندان محکوم گردید. در ماه جولای یک سرباز اردوی ملی به 20 سال زندان برای کشته و زخمی ساختن دو فرد ملکی زمانی که بتاريخ 28 مارچ موتر آنان در پسته اردوی ملی در ولسوالی گذره ولایت هرات توقف ننموده بود، محکوم گردید. بتاريخ 29 اپریل یک افسر پولیس یک درپور را بعد از اینکه در پسته تلاشی واقع ولسوالی خوست توقف ننموده بود، بقتل رسانید. افسر مذکور گرفتار گردیده و محکوم گردید، با آنکه وی بواسطه یک جرگه ازسوی خانواده قربانی مورد عفو قرار گرفت، هنوز هم در حبس بسر می برد.

6.3. عدم پیگیری و گزارش دهی به مردم در مورد نتایج تحقیقات

در چندین واقعه تلفات ملکی، تحقیقات توسط مؤظفین حکومتی، کمیسیون های مؤظف از طرف رئیس جمهور و کمیسیون های مشترک نظامی/ دولتی صورت گرفت. والیان ولایت ها در سراسر کشور نیز تحقیقاتی را در مورد تلفات ملکی راه اندازی نمودند که در انجام این تحقیقات غالباً نمایندگان ملکی و نظامی ولایتی سهم گیری می نمودند. کمیسیون های دولتی برای قضایای خیلی مشهود بصورت معمولی ایجاد گردید که متشکل از اراکین مختلف سیاسی، مقامات ملکی و نظامی و غالباً به سطوح ارشد دولتی می باشند.

در بعضی از قضایا نیروهای امنیتی ملی افغان و نیروهای نظامی بین المللی تحقیقات مشترکی را راه اندازی نموده اند. بیشتر این تحقیقات مبهم، بدون حکم مشخص، از لحاظ زمانی محدود یا اینکه اطلاعات در سطح آنها که مسؤلیت جهت تصامیم را دارند، محدود بوده. در بیشتر این تحقیقات کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و حقوق بشر یوناما نتوانستند دریابند که آیا ارگان تحقیق کننده و آنهایی که مستقیماً ذیدخل اند پیگیری کافی را مد نظر داشته و یا اینکه سفارشات را تطبیق نموده اند یا نه. یافته های تحقیقات به ندرت همگانی گردیده و خانواده های متأثر و قربانیان به ندرت از نتایج تحقیقات آگاه ساخته شده اند.

کمیسیون های مختلف ریاست جمهوری برای تحقیق جهت سوء رفتارهای شدید و تلفات ملکی ایجاد گردیده است. غالباً این کمیسیون ها مرکب از مشاورین عالی رتبه و مقامات وزارتخانه های مختلف و همچنان اعضای پارلمان می باشند. تحقیقات این کمیسیون ها بزودی بعد از رخ

داد یک واقعه آغاز می گردد، لیکن میعاد زمانی، مأموریت و طرزالعمل های آن واضح نبوده و به دسترس مردم قرار داده نمی شوند. یافته ها مستقیماً به رئیس جمهور گزارش داده می شوند و غالباً با خانواده ها و مردمان متأثر یا در بعضی از قضایا با مقامات ولایتی شریک ساخته نمی شوند.

در بعضی از قضایا، رئیس جمهور کرسی هدایت داده تا یافته های کمیسیون ها با آیساف شریک ساخته شود. در چندین قضیه، به خانواده-های متأثر غرامت پرداخته شده است. بهر حال، طبق معلومات دست داشته هیچ تعقیب عدلی در نتیجه تحقیقات کمیسیون ها بعهد گرفته نشده است.

در یک قضیه پیگیری شده از جانب کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و حقوق بشر یوناما، اقارب یک قربانی از پذیرفتن غرامت ابا ورزیده و خواهان تحقیقات در مورد کشتار گردیدند. بتاريخ 21 مارچ یک مرد 92 ساله توسط نیرو های امریکائی و اردوی ملی بقتل رسید. با آنکه نیروهای نظامی بین المللی به خانواده اش غرامت پیشنهاد نمود مگر خانواده مذکور مبلغ غرامت را رد کرده و خواهان محاکمه آنانی شدند که حمله را انجام داده و معلومات غلط داده اند. بتاريخ 5 اپریل اقارب قربانی و اعضای شورای ولایتی از قرارگاه نیروهای امریکائی دیدار نمودند و درین دیدار نیروهای امریکائی جهت کشته شدگان معذرت خواهی نموده و خاطر نشان ساختند که به آنها اطلاعات نادرست داده شده بود و پیشنهاد مساعدت بیشتر را به خانواده متأثر دادند. تقاضاهای خانواده متأثر برای پاسخ دهی بر قضیه، توسط نیروهای امریکائی پذیرفته نشد.

بتاریخ 8 جولای آیساف چندین مرمی هاون را از قرارگاه سلرنو ولایت خوست پرتاب کرد. یکی ازین مرمی ها در بازار میاخیل واقع ولسوالی جانی خیل ولایت پکتیا اصابت کرد که باعث کشته شدن شش فرد ملکی و زخمی شدن 9 تن دیگر گردید. یک تیم ارزیابی مشترک نیروهای امنیتی ملی افغان و آیساف در مورد تلفات ملکی به این نتیجه رسیدند که مرمی توپ از یک واحد آیساف منجر به تلفات ملکی و وارد شدن خسارت به اموال ملکی گردیده است. آیساف مسؤلیت خود را در یک جلسه که با بزرگان قومی داشت پذیرفت. معاون والی ولایت پکتیا بعداً با بزرگان قومی دیدار داشته و برای کشته و زخمی ها غرامت پرداخت نمود. طبق گزارش، آیساف پول را فراهم کرده بود.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و حقوق بشر یوناما دریافته اند که نیروهای نظامی بین المللی در سطح رهبری بر رهنمودهای مبارزه علیه شورش در جنگ تأکید داشته و این را وسیله مهم ارتباط با مردم می پندارد. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و حقوق بشر یوناما همچنان دریافته اند که در شمار زیادی از درگیری های که اتفاق افتاده، ارزیابی خسارات جنگی بطور منظم انجام شده بخصوص زمانی که وقایع باعث مرگ و زخمی شدن افراد ملکی گردیده است. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و حقوق بشر یوناما بصورت دوامدار سعی نموده تا آیساف با مردم در تماس شده و آنان را از هرگونه تحقیقات و نتایج آن در مورد تلفات ملکی مطلع سازند.

6.4. تظاهرات مردم علیه تلفات ملکی

تظاهرات علیه حملات شبانه و حملات هوایی توسط نیروهای طرفدار دولت در ولایت ننگرهار در شرق، شهر مزار شریف ولایت بلخ در شمال، ولسوالی گرمسیر ولایت هلمند در جنوب، ولایت بغلان در شمال، و ولسوالی سید آباد ولایت وردک در مناطق مرکزی و چندین ولسوالی دیگر

در مناطق جنوب شرق، جمعیت بزرگی را بخود جلب کرد. عناصر طالب، در شرق و جنوب از این تظاهرات سو استفاده نموده اند. کمیسون مستقل حقوق بشر افغانستان و حقوق بشر یوناما چهار تظاهرات را در جنوب شرق به ثبت رسانده که سه واقعه آن اعتراض علیه حملات شبانه و یک واقعه اعتراض علیه حملات هوایی می باشد.¹ در تمام این تظاهرات اعتراض کنندگان عملیات نیروهای نظامی بین المللی بویژه حملات نیروهای ویژه را محکوم نموده و تلفات ملکی، تخریب ملکیتها و رهایی توقیف شدگان را خواستار گردیدند. به تعقیب تظاهرات 10 جولای بعضی از توقیف شدگان رها گردیدند. در یک مظاهرة که به تاریخ 8 اکتوبر به علت یک حمله هوایی راه اندازی گردید که آن حمله باعث کشته و زخمی شدن 7 اربکی در ولسوالی موسی خیل گردیده بود، اعتراض کنندگان حمله هوایی را محکوم و خواستار ملاقات با والی، قومندان امنیه و نیروهای نظامی بین المللی گردیدند. والی ولایت بخاطر میانجی گری با بزرگان قومی چندین جلسه را دایر نمود، از کابل درخواست بعمل آورد تا برای خانواده های قربانیان غرامت پرداخته شود که درخواست متذکره تا هنوز در کابل معطل می-باشد و آیساف نیز تا اکنون برای خانواده های قربانیان غرامت نپرداخته است.

تظاهرکنندگان علیه نیروهای نظامی بین المللی و نیروهای امنیتی ملی افغان اعتراض کردند و غالباً خواهان اقدامات علیه کسانی گردیدند که افراد ملکی را کشته و زخمی ساخته بودند. این تظاهرات همچنان نمایانگر غم و غصه درونی، خشم و رنجش نسبت به نیروهای نظامی بین المللی و در نظر نگرفتن قواعد نظامی عملیات توسط آنان، می باشد. بعضی از تظاهرات به خشونت گراییده و بعضاً منجر به استفاده بیش از حد نیرو توسط نیروهای بین المللی گردیده است. در بعضی از ولسوالی ها عملیات تکراری نظامی باعث بوجود آمدن تظاهرات گردیده است. بتاریخ 17 اگست، یک عملیات تلاشی شبانه در ولسوالی سرخ رود شهر جلال آباد باعث کشته شدن دو نفر ملکی گردید. این واقعه چهارم است که ظرف پنج ماه باعث تظاهرات گردیده است. دستگیری و کشتار شخصیت های مذهبی مانند ملا امامان نیز باعث تظاهرات گردیده است. قتل یک امام که در یک واقعه افزایش تدریجی عکس العمل نیرو (ایسکلشن اف فورس) در تاریخ 28 جنوری در شهر کابل صورت گرفت و موصوف مورد اصابت گلوله قرار گرفته و به قتل رسید، منجر به تظاهرات گردید؛ تظاهرات 16 اگست علیه گرفتاری یک ملا امام دیگر که با داشتن ارتباط با مخالفین مظنون بود، صورت گرفت. در نتیجه عملیات نظامی نیروهای بین المللی که در آن پنج ملا دستگیر شدند، تظاهرکنندگان در تاریخ 1 سپتمبر به سوی سرک جلال آباد- طورخم راه پیمایی نمودند. آنها خواهان رهایی توقیف شدگان و اقدام نیروهای امنیتی افغان به جای نیروهای بین المللی که عملیات

¹- یک حمله شبانه نیروهای نظامی بین المللی در 20 جنوری در ولسوالی قره باغ ولایت غزنی راه اندازی گردید که در آن چهار فرد ملکی به شمول دو طفل بین سنین 13-15 سال کشته شدند. یک مظاهرة در 23 جنوری راه اندازی گردید. در 10 جولای حمله شبانه بالای سه منزل در ولسوالی احمد آباد ولایت پکتیا راه اندازی شد که طبق گزارش توسط نیرو های نظامی بین المللی و اردوی ملی اجرا گردیده بود که در آن 14 نفر دستگیر گردید. طبق گزارش یک فرد ملکی کشته شد و به منزل خسارت وارد گردید. یک مظاهرة در همان روز راه اندازی گردید. بتاریخ 8 اکتوبر از اثر یک حمله هوایی در ولسوالی نادر شاه کوت ولایت خوست 7 اربکی کشته شدند. اربکی ها زمین مورد منازعه دو قوم را محافظت میکردند مظاهرة در همان روز راه اندازی گردید. تلاشی شبانه توسط نیروهای نظامی بین المللی در 10-11 دسمبر در ولسوالی گردیز منتج به کشته شدن 7 نفر گارد امنیتی یک کمپنی سرک سازی گردید. در 11 دسمبر یک مظاهرة راه اندازی گردید.

را راه اندازی نموده بودند، گردیدند. چهار نفر از ملاحا بعدتر رها گردیدند.

بسیاری از اعتراض کنندگان خواهان پاسخگویی، ختم عملیات و پرداخت غرامت برای تلفات وارده به ملکیتها گردیدند. واضح نیست آیا به تقاضای تظاهرکنندگان توسط مقامات با صلاحیت ولایتی یا نیروهای نظامی بین المللی رسیدگی صورت گرفته یا نه و یا اینکه هیچ تحقیقی در رابطه به کشته و زخمی شدگان افراد ملکی در جریان تظاهرات صورت گرفته و افراد مسئول مورد تعقیب عدلی قرار گرفته اند یا خیر؟

7. پرداخت غرامت برای اقارب مقتولین، مجروحین و خسارت

وارده بر اموال

1. ناتو/ آیساف

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و حقوق بشر یوناما همراه با شماری از فعالان که در راستای محافظت افراد کار می کند بصورت متداوم خواهان یک میکانیزم نظارتی پرداخت غرامت برای خانواده هایی که از اثر جنگ کشته، زخمی یا به اموال شان خسارت وارد شده و متأثر گردیده اند، گردیده است. ناتو تا حدودی به این تقاضاها برای ایجاد یک سیستم متحدالشکل پرداخت غرامت برای بهبود پروسه و آسان سازی پرداخت آن برای افغان ها با ایجاد رهنمودهای غیر الزامی جواب مثبت داده است. رهنمودها در جون 2010 به نشر رسید و برای کشورهای عضو جهت پرداخت غرامت در مورد بهبود بخشیدن نحوه عملکرد، مشورت اساسی و رهنمود عرضه می دارد.¹ بتاريخ 20 سپتمبر جنرال پتروس رهنمودهایی را به مقرهای فرماندهی ساحوی فرستاد.

تا اکنون کشورهای کمک کننده نیرو به آنعه از افراد ملکی که از جنگ متأثر گردیده اند، از طریق طی مراحل تدارک پول برای قربانیان کشته شده، زخمی ها و خسارت اموال، غرامت می پردازند، ضمن آنکه کشور مربوطه مسئولیت قانونی ندارد. کشور جرمنی، طور مثال، مصمم است تا خانواده های را که از حمله هوایی تاریخ 4 دسمبر 2009 متأثر گردیده بودند، مساعدت مالی نماید. پرداخت مالی بدون اینکه دولت جرمنی مسئولیت قانونی را برای نتیجه حمله هوایی و تلفات بپذیرد، صورت گرفته است. 91 نفر افغان کشته شده و 11 نفر زمانی زخمی گردید که یک حمله هوایی دو تانکر تیل را که توسط طالبان ربوده شده و توسط افراد ملکی محاصره شده بود، مورد هدف قرار داد.

رهنمودهای ناتو یک گام مثبت در جهت هماهنگ ساختن سیستمی می باشد که قبل از آن برای بسیاری از افغانها مبهم و مایه نگرانی و غیر کارا بوده است. ناتو باید این رهنمودها را بصورت عموم تطبیق و سایر کشورها نیز باید آنها را منجیث رهنمود و مبنا برای پرداخت غرامت، قبول نمایند.

2. نیروهای امنیتی ملی افغان

با توجه به صحبت های حقوق بشر یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان با اردوی ملی، واضح می گردد که هیچ نوع میکانیزم پرداخت غرامت به قربانیان تلفات ملکی در اردوی ملی وجود ندارد.

¹ - ناتو رهنمودهای پرداخت غرامت را بتاريخ 11 جون 2010 به تصویب رساند که روی موارد ذیل تمرکز می نماید: اعتراف عاجل در مورد تلفات ملکی یا وارد شدن خسارت به ملکیت در جریان جنگ، ضرورت به تحقیق در مورد دوسیه های احتمالی تلفات ملکی یا وارد شدن خسارت به اموال، تهیه معلومات برای بخش ردیابی تلفات ملکی آیساف، پیشکش کردن فعالانه مساعدت برای آسیب های فردی یا جمعی، اطمینان از شفافیت و حسابدهی در پروسه، هماهنگی از طریق بزرگان قومی و از جمله مقامات سطوح ولسوالیها، در نظر گرفتن رسوم محلی و احتمالاً ایجاد صندوق مشترک.

معمولاً پرداخت ها از طریق وجوه عمومی وزارت دفاع ملی صورت می گیرد. در بعضی موارد غرامت توسط وجوه احتیاطی نمبر 99 رئیس جمهوری بصورت موردی پرداخته می شود. مطابق به رئیس بخش حقوق بشر در وزارت داخله هیچ میکانیزم پرداخت غرامت در قضایایی که افراد ملکی توسط افسران پولیس ملی افغان کشته می شوند، وجود ندارد.¹ همزمان با آغاز انتقال مسؤلیت رهبری امنیت از نیروهای نظامی بین المللی به نیروهای امنیتی افغان در 2011، لازم است تا نیروهای امنیتی افغان سیستم منظم پرداخت غرامات را ایجاد نمایند که در برگیرنده تحقیقات در مورد همه وقایع تلفات ملکی و خسارت به اموال باشد. ناتوانی است تا برای نیروهای امنیتی افغان در مورد نحوه عملی ایجاد و تطبیق این میکانیزم کمک نموده و رهنمودهایی را ارائه نماید.

محافظت از افراد ملکی و پولیس محلی افغان

1. طرح کلی

بتاریخ 16 اگست 2010 رئیس جمهور کرزی فرمانی را در مورد ایجاد پولیس محلی صادر کرد. برنامه به مقصد تحذیر کردن گروپ های مسلح مخالف در ساحات مشخص کشور و ایجاد شرایط برای انکشاف و حکومتداری بهتر ایجاد شده است.² ابتکار پولیس محلی افغان منحیث برنامه پولیس محلی به رهبری وزارت امور داخله پیش بینی شده بود تا مردم عام را از گزند طالبان از طریق ثبت نام افراد محلی به یک گروپ مسلح تحت نظر دولت محافظت نماید. طوریکه در فبروری 2011 پولیس محلی افغان به تعداد 15700 نفر را در 61 ولسوالی جواز داده شده بود. شمار ثبت نام شدگان زیر این سطح قرار داشته و مذاکرات روی سقف نهایی 30000 نفر در 100 ولسوالی تمرکز یافته است. بر اساس اهداف که در برنامه پولیس محلی افغان مطرح گردیده،³ پولیس محلی افغان فقط در سطح محل عمل می نمایند در رفتن به ولسوالی های غیر از ولسوالی خود شان اجازه ندارند با خود سلاح حمل نمایند.⁴ وظایف امنیتی که به پولیس محلی افغان سپرده شده محدود بوده و شامل تنفیذ احکام قانون نمی گردد مگر اینکه از طرف پولیس

¹ - حقوق بشر یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان با رئیس بخش حقوق بشر وزارت داخله ملاقات نمود، وزارت داخله، 29 دسمبر 2010.

² - نقش پولیس محلی افغان در برنامه تصویب شده اگست 2010 به تعقیب فرمان ریاست جمهوری بتاریخ 16 اگست 2010 توسط رئیس جمهور کرزی طرح گردید.

³ - طبق برنامه پولیس محلی افغان که در اگست 2010 تصویب گردید.

⁴ - پولیس محلی افغان اجازه حمل سلاح خفیه مثل کلانیکوف را دارد.

ملی افغانستان درخواست صورت بگیرد. پولیس محلی افغان تحت اداره مستقیم وزارت امور داخله که مسئولیت اداره و تشکیل پولیس محلی افغان را دارد، کار می کند، طوریکه پولیس محلی افغان تحت ساختار رسمی نیروی پولیس در ساحاتی که با تهدید مستقیم روبرو هستند، ایجاد شده است. نقش پولیس محلی افغان منحصراً خط اول امنیتی قادر است تا بصورت خیلی مؤثر از ولسوالی ها و محلات مسکونی دفاع نماید. در سطح ولسوالی پولیس محلی افغان به قومندان امنیه گزارش می دهد. نیرو های ویژه امریکایی نقش نظارت کننده را بدون نقش رسمی نظارتی، از طریق تهیه آموزش به پولیس محلی افغان و کار با واحد های پولیس محلی افغان، برای مدتی قبل از آنکه به نیروهای متعارف برای آموزش بیشتر تفویض گردد، دارا می باشد.

برنامه پولیس محلی افغان به اقتباس از برنامه های دفاعی محلی (که غالباً به نام اربکی یاد میشود) تحت نظارت دولت برای ایجاد امنیت باشندگان محل، ایجاد گردیده است که تشکیل دفاع خودی را ایجاد و ساحات محلی را از ورود مخالفین مسلح دولت جلوگیری می نماید. در جریان چندین سال گذشته برنامه هایی مانند پولیس کمکی ملی افغان و برنامه دفاعی محلی در قسمت های مختلف افغانستان تطبیق گردیده است. در ولایت میدان وردک پروگرام حفاظت عامه افغان (ا پی 3)¹ که به منظور فراهم ساختن امنیت بیشتر برای مردم محلی ایجاد گردیده بود، در سال 2007 رسماً منسوخ گردید. پلان است تا پولیس محلی افغان جانشین (ا پی 3) و چندین پروژه های ابتکار دفاع محلی (ال دی آی) در ولایت میدان وردک گردد.

2. نظارت بر محافظت غیرنظامیان و پولیس محلی افغان

از اکتوبر 2010 الی جنوری 2011 حقوق بشر یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در مورد برنامه دفاعی محلی با تعداد زیادی از مردم به شمول مقامات محلی دولتی، مؤسسات غیر دولتی، نمایندگان پولیس ملی افغان و نیروهای نظامی بین المللی، سران قومی و بزرگان در سرتاسر مملکت مصاحبه انجام داده و گزارشات و اسنادی را در مورد این ابتکار بررسی نموده است. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و حقوق بشر یوناما از مردم یک سلسله پرسش هایی را در مورد عناصر این برنامه، بویژه عناصری که بالای افراد ملکی تأثیر داشته به شمول نقش پولیس محلی افغان و نگرانی های ممکنه در مورد رفتار یا تأثیر پولیس محلی افغان در ساحات مردمی را مطرح ساخته است. جریان ثبت نام پولیس محلی افغان و رعایت طرزالعمل ها برای تطبیق آن توسط مقامات دولتی در چندین ولسوالی نظارت گردید.

3. نگرانی ها در مورد فرماندهی و کنترل این نهاد

با آنکه تدابیری اتخاذ گردیده بود تا کنترل پولیس محلی افغان را به پولیس ملی افغان تفویض نماید، بسیاری از پاسخ دهندگانی که با ایشان مصاحبه صورت گرفت نگرانی خود را در ارتباط با سوء استفاده از قدرت و نقض حقوق بشر توسط پولیس محلی افغان در مقابل افراد ملکی ابراز داشتند. این نگرانی ها روی سه عنصر استوار بوده است: تاریخ طویلی از تجارب ناگوار گذشته از گروه های دفاعی محلی که نسبت به جوامع محلی سوء استفاده گرایانه بوده؛ نظارت و ساختار ضعیف ثبت نام؛ و آموزش محدود برای ثبت نام شوندگان (دو تا سه

¹ - پروژه فقط در ولسوالی سیدآباد ولایت وردک تطبیق شده بود.

هفته) در برنامه جاری پولیس محلی افغان. در تئوری، ساختار گزارشدهی پولیس محلی افغان از طریق پولیس محلی به قوماندان امنیه یک اقدام مثبت می باشد. به هر حال، نگرانی در مورد مؤثریت ساختار گزارشدهی، به عنوان نمونه، شهرت بد پولیس محلی افغان در رابطه با سوء رفتار علیه افراد ملکی، فقدان دسپلین و حرفوی نبودن آنان و بلند بودن سطح فساد اداری وجود دارد.

نیز، قسمیکه پولیس محلی افغان در ساحاتی اعزام می شوند که در آن هیچ یا کمترین حضور نیرو های امنیتی ملی افغان وجود دارد، نگرانی هایی در رابطه به ساختار نظارتی وجود دارد. با در نظر داشت انگیزه هایی چون ملیت، قوم و رقابت های سیاسی در سطح ولسوالی و ولایت، وفاداری و حسابدی پولیس محلی یا دولت غالباً وجود نمی داشته باشد. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و حقوق بشر یوناما شاهد بوده اند که رهبران قومی یا ملیتی نیرومند، بصورت انفرادی یا از طریق شوراهای تشکیل شده سعی نموده اند تا در طرزالعمل های استخدام اعضای پولیس محلی افغان که از لحاظ سوق و اداره حایز اهمیت می باشد، اعمال نفوذ نمایند. پروسه ثبت نام بیشتر تحت تأثیر قدرتمندان محلی و سران قومی اعمال گردیده تا پولیس ملی افغان موجود در ساحه. این وضعیت می تواند اقلیت ها را در حاشیه رانده و ملیت ها و قوم های در حاشیه رانده شده را به این سمت سوق دهند که به پولیس محلی افغان به دیده یک نیروی بیگانه بنگرند و این می تواند به خشونت همگانی منتج گردد.

4. نگرانی در قسمت استخدام و ارزیابی

برنامه پولیس محلی افغان طوری طرح ریزی گردیده تا شوراهای محلی و مقاماتی که در روند ثبت نام و طرزالعمل های ارزیابی مؤظف می باشند، بتوانند کاندیدان را انتخاب نمایند که از جوامع محلی نمایندگی می نمایند. در تئوری، روند ارزیابی محلی باید از پیوستن اشخاصی که دارای سابقه جرمی، جرایم امنیت دولتی یا سابقه سوء استفاده که با جنگ مرتبط باشد، ممانعت بعمل آورد. وزارت داخله و سایر ارگان های استخباراتی، طور مثال، ریاست امنیت ملی مسؤل ثبت نام بوده و مؤظف می باشد تا افراد را از لحاظ سابقه آنان مورد ارزیابی قرار دهد¹. بهر حال، طرزالعمل فوق کسانی را که به پروسه صلح می پیوندند محروم نمی سازد. بعضی از آن اشخاص ممکن است پیشینه نقض حقوق بشر و جنایات مرتبط با جنگ یا آن هایی را که از طریق برنامه های ادغام مجدد به برنامه صلح افغان و ادغام مجدد پیوسته اند، داشته باشند.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و حقوق بشر یوناما در پروسه ثبت نام، تناقض را مشاهده نموده است. به همان زودی که تشکیل به ولسوالی پلخمری ولایت بغلان تخصیص داده شد، نیروهای ویژه امریکایی با مردم محلی بویژه در ساحه دهنه غوری مشوره کرده و به یک قومندان ملیشه سلاح توزیع کرد تا زمینه الحاق وی را به پولیس محلی افغان مساعد بسازد. طبق گزارش، نیروهای ویژه با قومندان امنیه و ریاست امنیت ملی مشوره ننموده که این عمل شان تأثیر منفی را در رابطه پولیس محلی افغان و نیروهای ویژه امریکایی و مقامات محلی در ساحه وارد کرد.

گزارش های مواصلت ورزیده حاکی از آنست که بتاریخ 4 دسمبر یک قومندان پولیس محلی افغان، بزرگان قومی را از قریه جات مختلف

1- طبق برنامه پولیس محلی افغان که در ماه اگست 2010 تصویب گردیده است.

ولسوالی خاص ارزگان ولایت ارزگان به جلسه دعوت کرد. قومندان متذکره از بزرگان خواست که برای پولیس محلی افغان یا نفر بدهند یا در عوض 15000 افغانی بپردازند. چندین تن از بزرگان ازین درخواست امتناع ورزیدند و متعاقباً از طرف قومندان مذکور توقیف گردیدند. بتاريخ 15 دسمبر بعد از پرداخت مبلغ نامعلوم پول، دوباره رها گردیدند.

یک انکشاف متفاوت دیگر در رابطه به ثبت نام در مناطق جنوب شرقی به مشاهده رسید. در آن منطقه، نظر به فقدان طرزالعمل ارزیابی توسط امنیت ملی و پولیس ملی افغان، اعضای شورا و قبایل در ثبت نام پولیس محلی افغان نفوذ قوی داشتند. طبق گزارش، مقامات امنیت ملی و پولیس ملی از بزرگان قبایل خواستند تا به افراد خود سفارش نمایند تا منحیث پولیس محلی افغان خدمت نمایند و همچنان خواهان تضمین از آنعده افرادی شدند که مبادا با مخالفین مسلح دولت ارتباطی داشته باشند. نگرانی این بود که آیا پروسه ارزیابی بقدر کافی متضمن ممانعت از استخدام کاندیدانی که دارای پیشینه جرمی یا با مخالفین مسلح دولت ارتباط داشته باشد، می باشد، یا خیر¹.

خطر ممکنه دیگر نسبت به افراد ملکی، تطبیق پولیس محلی افغان در متن پیچیدگی های ملیتی و قومی محلی می باشد. جریان ثبت نام بمقصد شامل ساختن تمام گروه ها از قبایل مختلف و قابل دسترس بودن آن به تمام افراد در ساحاتی که این برنامه در آنجا تطبیق می شود، راه اندازی گردیده بود. با آنکه حضور چند ملیتی پولیس محلی افغان می تواند یک گام مثبت تلقی گردد، میزان قدرت محلی در عین زمان می تواند تحت تأثیر قرار گرفته و باعث جنگ یا خشونت و منازعات ذات البینی در میان اقوام گردد. این پدیده در ولایت بغلان جاییکه مردم محلی تاجیک تبار می باشند، ابتکار پولیس محلی افغان را منحیث یک تهدید برای برتری خود پنداشته و آنرا به عنوان برنامه تلقی می کنند که از پشتون ها حمایت سیاسی و اقتصادی می نماید.

در ولایت کندز کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و حقوق بشر یوناما در اثر نظارت و ملاحظه خود دریافتند که بعید است پولیس محلی افغان، طور فراگیر، متعلق به تمام ملیت ها و اقوام کشور باشد. بلکه چنین به نظر می رسد که برنامه پولیس محلی افغان منحیث یک رقابت میان قدرتمندان ولایتی مورد استفاده قرار گرفته تا همیشه هایی را که به خودشان وفادار بوده به برنامه پولیس محلی افغان معرفی نمایند. این وضعیت می تواند به نهادینه شدن صلاحیت های قدرتمندان در ساحات، جایی که ملیشه های طرفدار دولت در آنجا بصورت بالقوه عملیات می نمایند و رقابت های جدی را باعث شده و در بین مردم خشونت را بوجود می آورند، بینجامد.

رهنمود پولیس محلی افغان بصورت واضح خاطر نشان می سازد که سلاح برای پولیس محلی افغان باید توسط وزارت امور داخله توزیع گردد. بهر حال در شماری از قضایا مانند پلخمیری و چهار چینو در ارزگان نیروهای امریکایی سلاح توزیع نموده اند.

¹ - طالبان، طبق گزارش در ولسوالی خاص ارزگان در پولیس محلی افغان نفوذ کرده است. طبق گزارش از وزارت امور داخله، ملا نصرت یک تن از طرفداران طالبان و افسر اسبق پولیس ملی افغان در پولیس محلی افغان ثبت نام شده بود و بعداً حمله را بالای یک پسته مشترک پولیس محلی افغان - و پولیس ملی افغان واقع قریه شیخ بتاريخ 9 نومبر تنظیم نموده بود. در جریان حمله 7 تن از افسران پولیس ملی کشته و سلاح شان را با خود برده بودند.

5. آموزش پولیس محلی افغان

میعاد زمانی کوتاه برای ثبت نام پولیس محلی افغان نگرانی هایی را در مورد آمادگی آنها من حیث نیروی پولیس و پائین بودن سطح آگاهی و ظرفیت آنان را به همراه داشته است که در نتیجه آنان نمی توانند با قوانین نافذ، عرفها و از جمله با اصول حقوق بشر بین المللی و حقوق بشردوستانه خود را وفق دهند. مشکلات ممکنه دیگر شامل رفتار با توقیف شدگانی که توسط پولیس محلی افغان گرفتار شده و عکس العمل آنها قبل از آنکه به پولیس ملی افغان سپرده شوند، و محافظت افراد ملکی، فعالیت های غیر قانونی و سوء رفتار بالقوه، می باشد. بدون دانش کافی نسبت به قانون و آموزش ناکافی، اعضای پولیس محلی افغان ممکن است از وظایف خود تخطی کرده و از قدرت خود سوء استفاده نمایند یا خارج از محدوده صلاحیت خود عمل نموده و افراد ملکی را با خطر مواجه سازند. برای به حداقل رسانیدن این خطرات، برای آموزش پولیس محلی افغان برنامه های آموزشی لازم است تا شامل برنامه های آموزشی راجع به وجیبه های قانونی در عرصه محافظت از افراد ملکی و حقوق توقیف شدگان و زندانیان جنگی گردد.

6. گرفتاری و توقیف

با آنکه پولیس محلی صلاحیت اجرایی وظایف را مانند پولیس تنفیذ قانون ندارد، ولی ظاهراً آنان صلاحیت توقیف افرادی را که در جریان منازعه اسیر می گردد و یا ظن آن می رود که اعضای عناصر ضد دولتی می باشند را دارند. وظایف، مسؤلیت و نقش پولیس محلی و نیز هدایت در مورد مسایل گرفتاری خود سرانه، پروسه انتقال افراد توقیف شده، وضعیت توقیف، جلوگیری از سوء رفتار و آگاهی در مورد حقوق توقیف شدگان روشن نبوده و درست تعریف نشده است.

با افرادی که مصاحبه صورت گرفته نگرانی شان را در مورد احتمال زیاد درباره برخورد غیرانسانی پولیس محلی با اشخاص گرفتار شده و نیز توقیف در یک وضعیت غیر انسانی، بخصوص بعد از آنکه قوای بین المللی که به مثابه رهنمایی پولیس محلی هستند از ساحه بیرون می شوند، ابراز داشتند. نگرانی هایی نیز در مورد اینکه پولیس محلی قادر نیست که با پولیس ملی افغانستان و نیز مقامات قضایی محلی ارتباط عاجل و بدون اشکال را برقرار نمایند و یا پاسخ ده باشند، ابراز شده است. از آنجا که پولیس محلی در ساحات دور دست عملیات شان را راه اندازی می کند که در آن محلات نیروهای امنیتی افغان وجود ندارد و امکان اسیر ساختن عناصر ضد دولتی بیشتر ممکن است، مسایل مربوط به توقیف شدگان، فقدان محلات توقیف و طرق ارتباط با پولیس ملی افغانستان نیاز به توجه عاجل وجدی دارد.

7. عملیات پولیس محلی در خارج از ساحه مسؤلیت شان

نگرانی هایی وجود دارد که از پولیس محلی برای اجرای وظایف در خارج از ساحه مسؤلیت شان کار گرفته شود که تأثیرات ناگوار امنیتی را برای جوامع مردمی دارد که این پولیس محلی از آنان باید محافظت کنند. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و واحد حقوق بشر یوناما گزارش هایی را بدست آورده اند مبنی بر این که پولیس محلی در بعضی محلات، بر خلاف ضمانت های ایجاد شده برای حصول اطمینان از اینکه واحدهای پولیس محلی خود را جداً در داخل پروگرام چهارچوب کاری شان عیار سازند، در محلات خارج از صلاحیت شان نیز عمل نموده اند. یکی از این ضمانت ها شامل رهنمودی است که آشکار می سازد که پولیس

محلی باید صرفاً در ولسوالی هایی عمل نمایند که محل اصلی تقرر شان می باشد¹. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و واحد حقوق بشر یوناما مشاهده نموده اند که بتاريخ 18 دسمبر سال 2010 نیروهای ویژه اردوی امریکا یکجا با پولیس محلی ولسوالی کجران ولایت دایکندی 7 کیلومتر داخل ولایت هلمند گردیدند و عملیات نظامی را در بازار ولسوالی بقران راه اندازی نمودند، حد اقل 3 تن از عناصر ضد دولتی را کشته و یکتن از قومندانان برجسته این عناصر را دستگیر نمودند². داخل شدن پولیس محلی کجران در ولایت هلمند شاید نتایج منفی و برانگیختن منازعه را در سرحدات هر دو ولایت ببار آورد و نیز تنش را ازدیاد بخشد که افراد ملکی در ولسوالی از قبل ناامن کجران ولایت دایکندی از آن متأثر می شود.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و واحد حقوق بشر یوناما چنین راپورهای را بدست آورده اند که واحدهای پولیس محلی در بعضی از ولسوالی ها مالیاتهای غیر قانونی (بنام زکات) را از مردم جمع آوری می کردند که اکثراً جمع آوری چنین مالیات با اعمال تهدید، خشونت و توهین همراه بوده است.

در پاسخ به یک سلسله نگرانی های مربوط به تطبیق برنامه پولیس محلی، آیساف در سطح حوزوی و نیز مرکزی هسته های هماهنگی قریه ای را ایجاد نموده است تا هماهنگی پولیس محلی و سایر برنامه های آگاهی در سطح قریه را یکجا با تمام جوانب (بگونه مثال اداره مستقل ارگانهای محلی، اداره انکشاف بین المللی امریکا، ملل متحد و سایرین) نظارت و بررسی می کند.

8. عناصر مخالف دولت و پولیس محلی افغان

موضوع مهم امنیتی دیگری که مردم محلی در مقابل آن قرار دارند آنست که دخیل بودن آنان با پولیس محلی دیدگاه منفی عناصر ضد دولتی در مورد این برنامه را در بر دارد. طالبان چندین اعلامیه را پخش نموده اند که در آن از پولیس محلی شدیداً انتقاد نموده اند و گفته اند که پولیس محلی نهادی دیگری از حکومت است که مورد هدف شان قرار خواهد گرفت³.

در حوزه جنوب در ولسوالی خُمكنی ولایت پکتیا در ماه اکتوبر سال 2010 عناصر ضد دولتی شبنامه های را عنوانی اشخاص با نفوذ جوامع پخش نمودند و از آنان خواستند تا مردم محل را به حمایت از پولیس محلی تشویق نکنند. در شبنامه ها مکرراً یاد آوری شده بود که "اگر شما افرادتان را به پولیس محلی معرفی نمایید، شما و فامیل شما از طرف عناصر ضد دولتی مورد حمله قرار خواهید گرفت و مسؤل آن خود شما خواهید بود". دیده می شود که این شبنامه ها مردم محل را، خصوصاً در قریه های نوزی، لوری، منگیار و سارنگپور ولسوالی خُمكنی ولایت پکتیا، از پیوستن به پولیس محلی دلسرد ساخته است.

همچنان عناصر ضد دولتی تبصره های انتقادی را از طریق رسانه های الکترونیکی پخش نموده است که تجربیات منفی گذشته کشور را یکبار

¹ - بر اساس پلان پولیس محلی که در ماه اگست 2010 تأیید شد.

² - در یک واقعه دیگری که در ساحات مرکزی در ولسوالی گیزاب ولایت دایکندی رخ داده است، معلومات های بدست آمده نشان میدهد که محافظین عملیات ثبات دهی قریه بتاريخ 22 دسمبر در یک حادثه که یک فرد ملکی کشته شد، دخیل بودند. محافظین عملیات ثبات دهی قریه علاوه پولیس محلی که 300 تن بودند، می باشند، محافظین عملیات های ثبات دهی قریه در اوایل دسمبر 2010 با 70 تن عضو تشکیل گردیده بود (و در اصطلاح محلی به آنان اربکی خطاب میکنند نه لقب رسمی آنان که پولیس محلی میباشد)، فعلاً فعال میباشد و مستقیماً به نیروهای ویژه اردوی امریکا راپور میدهند.

³ - اعلامیه طالبان مورخ 18 جنوری سال 2011.

دیگر بیاد می آورد. در این پیام ها عناصر ضد دولتی به اعمال خلاف و خشونت آمیز ملیشه های قومی گذشته عطف و ارجاع نموده اند که در بین مردم محلی از شهرت خوبی بهره مند نبودند و از آغاز منازعه در افغانستان فعال بودند. همچنان در این پیام ها، پولیس محلی به همکاری با "متجاوزین" متهم شده است و از مردم خواسته شده است تا بر ضد پولیس محلی ایستاده شده و مبارزه کنند.

منابع در حوزه شرقی نگرانی شانرا ابراز داشته اند که ازدیاد خشونت که افراد ملکی از آن متأثر شده است ظاهراً بعد از استخدام پولیس محلی بوقوع پیوسته است زیرا افراد پولیس محلی که بعد از استخدام در همان محل هم زندگی می کنند، می توانند به آسانی مورد هدف عناصر ضد دولتی قرار گیرند. با تطبیق برنامه پولیس محلی بطور عموم در ساحات روستایی که در آنجا نیروهای امنیتی افغانی وجود ندارد، خطر جدی وجود دارد که آنعه از پولیس محلی که به صفت افسر ایفای وظیفه می کنند، اعضای فامیل شان و سایر افراد قریه توجه عناصر ضد دولتی را بخود جلب نموده و مورد هدف قرار گیرند. مزید بر اینکه، وضعیت ممکن است روند رو به رشد داشته که در گذشته در ساحاتی چون کندز مشاهده شده است، جایی که عناصر ضد دولتی بجای ملیشه های طرفدار دولت پولیس محلی را مورد هدف قرار داده و در گذشته منتج به تلفات ملکی شده بود.

در ولسوالی گیزاب ولایت دایکندی بمب های دستی بر روی دروازه های افرادی که با پولیس محلی کار می کردند آویخته شده بود. در ولسوالی شبنامه هایی نیز پخش شده بود که در آن به مردم اخطار داده شده بود تا با حکومت کار نکنند در غیر آن مجازات می شوند.

9. دیدگاه های اجتماعی

دراکثر مناطق، مردم نظریات مثبتی را در مورد پولیس محلی بعد از ایجاد آن ابراز داشته اند. بتاريخ 28 جنوری سال 2011 یک گروه از عناصر ضد دولتی تلاش نمودند تا به قریه مساو ولسوالی پشت رود ولایت فراه از طریق حمله بالای پولیس محلی که از قریه دفاع می نمودند، داخل شوند. پولیس محلی از قریه دفاع نموده و عناصر ضد دولتی مجبور به عقب نشینی شدند. بر اساس گزارش ها نیروهای نظامی بین المللی نیز با پولیس محلی در دفاع از قریه همکاری نمود. بزرگان در ولسوالی جاجی اریوب ولایت پکتیا گزارش داده اند که پولیس محلی یک انکشاف مثبت بوده و گفته اند که این نیرو باید گسترش داده شوند. به همین صورت، در ولسوالی برمل ولایت پکتیکا مردم محلی از این پروگرام حمایت نموده و خواستار ازدیاد و گسترده شدن این نیروها در سایر ولسوالی های این ولایت شده اند.

10. نتیجه گیری درمورد پولیس محلی

در ساحاتی که موجودیت ملیشه های طرفدار دولت تجربه شده اند، بگونه مثال کندز، مردم محلی آرزو داشتند تا وزارت امور داخله کنترل کامل بالای پولیس محلی داشته باشد و جلوی هر گونه فعالیت های بالقوه غیر قانونی این نیروها را بگیرد زیرا پولیس محلی بخش عمده افراد ملیشه طرفدار دولت را در خود جذب می کند. در عین زمان بیم آن نیز وجود داشته است که با بیشتر شدن نیروهای طرفدار دولت، مانند پولیس محلی، توجه عناصر ضد دولتی را بخود جلب خواهد نمود و این عمل باعث ازدیاد خشونت و خطر بیشتر برای افراد ملکی خواهد شد. بمنظور کاهش خطرات به افراد ملکی، پولیس محلی باید

بطور جدی وظایف خویش را رعایت نموده و امنیت محلات را تأمین کند، اقدام به عملیات تعرضی علیه عناصر ضد دولتی نکند زیرا این گونه اعمال مردم محلی را در معرض خطر بیشتر قرار داده و باعث می شود که عناصر ضد دولتی در صدد گرفتن انتقام از آنان برآید.

سایر نگرانی ها برمی گردد به ایجاد واحدهای خودسرانه پولیس محلی که توسط گروه های مسلح دیگر ایجاد شده است و بطور رسمی بحیث واحدهای پولیس محلی تنظیم نگردیده است. واحد حقوق بشر یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان گزارش هایی را در مورد ایجاد این گونه واحدهای به اصطلاح پولیس محلی دریافت نموده که در بعضی ولسوالی ها بدون نظارت و یا کنترل قانونی فعالیت می کنند.

در حالیکه یک سیستم نظارت مناسب برای نظارت تمام جوانب فعالیت های پولیس محلی تحت راهنمایی اردوی ایالات متحده امریکا بر روی کاغذ تدوین گردیده است، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و واحد حقوق بشر یوناما، با در نظر داشت این مسئله که در ساحات دور دست پولیس محلی وجود دارد و یا در نظر است که وجود داشته باشند، در مورد اینکه این میکانیزم نظارتی در عمل چگونه فعالیت می کند، نگران هستند. این نیز یک سوال عمده است که آیا پولیس ملی افغانستان قادر خواهد بود تا فعالیت های پولیس محلی را کنترل نماید، البته با در نظر گرفتن این موضوع که در اکثریت ولسوالی ها اعتماد استخدام افراد به سران قوم، قومندانان و افراد قدرتمند، و نه به ساختار های رسمی دولتی، داده شده است. پلان گسترش پولیس محلی تا سقف 30000 نفر نیز باعث نگرانی هست.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و همچنان واحد حقوق بشر دفتر یوناما اصرار دارند تا بازبینی و نظارت جدی در تمام بخش های برنامه، یکجا با اقدام فوری انضباطی در برابر هر نوع عملکرد توأم با سوء رفتار و یا جرمی توسط اعضای پولیس محلی نهایت مهم است تا اطمینان حاصل شود که پولیس محلی منجر به ایجاد ضرر بیشتر و در نتیجه سبب کاهش محافظت افراد ملکی نگردیده و فرهنگ معافیت را تقویه ننماید.

محافظت از افراد ملکی در حوزه جنوب

1. طرح کلی

افزایش نیروهای نظامی بین المللی بیشتر در حوزه جنوب متمرکز بوده است.¹ عملیات عمده پاکسازی در ولایت مرکزی هلمند و ولسوالی های اطراف شهر قندهار بطور چشمگیری به مثابه کلید آزمایش ستراتیژی مبارزه با شورش تلقی می شود که توسط حکومت افغانستان و نیروهای کشورهای مساعدت کننده تعقیب شده است.² طالبان در برابر تلاش های شدید حکومت برای توسعه دادن نیروی حکومت، از طریق راه اندازی کمپاین های ترور عکس العمل های نشان داده اند.

شماری زیادی از مسایل مربوط به محافظت از افراد ملکی در حوزه جنوب در نظر گرفته شده است که در مورد سایر حوزه ها نیز صدق می کند. همانطور که این مسئله در سراسر کشور مطرح می باشد، مواد منفجره تعبیه شده در مقایسه با هر گونه تاکتیک دیگر، در حوزه جنوب باعث تلفات افراد ملکی گردیده و نیروهای بین المللی پیوسته، بشمول عملیات هوایی، حملات را راه اندازی نمودند. با این همه، سایر موضوعات محافظت از افراد ملکی مخصوص خود حوزه جنوب بوده است، و توجه جداگانه اختصاص یافته به این حوزه یک قضیه آزمایشی برای افزایش نیرو و ستراتیژی مبارزه با شورش هست که به دلیل افزایش خشونت ها 41 درصد از تمام افراد ملکی کشته و زخمی شده در طول سال 2010 در مقایسه سراسر کشور به جنوب نسبت داده شده است.

در حوزه جنوب تلفات افراد ملکی در مقایسه با سال 2009، 20 درصد افزایش یافته است و بدین منوال در سال 2009، ولایات هلمند و قندهار بیشترین تلفات افراد ملکی را (به ترتیب 38 و 42 درصد در مقایسه کل حوزه ها) تجربه نمودند. با وجود آن جریان تلفات ملکی در این دو ولایت بطور قابل ملاحظه مختلف بود. در ولایت هلمند تلفات ملکی بطور قابل ملاحظه و دراماتیک افزایش یافته است، (78 فیصد در مقایسه با سال 2009) در حالیکه در ولایت قندهار سطح کشته و زخمی شدگان فقط 11 درصد افزایش یافته است (در حالیکه رقم کشته و زخمی شدگان در ولایت قندهار از قبل بسیار بلند بوده است). عملیات های پاکسازی توسط نیروهای امنیتی افغانستان و نیروهای نظامی بین المللی در ماه فبروری سال 2010 در ولسوالی های مرکزی ولایت هلمند مانند مارجه و نادعلی به پایان رسید و با خشونت بیش از حد همراه بوده که این علت، بخش عمده افزایش تلفات ملکی محسوب می شود. در مقایسه با این، عملیات پاکسازی در ولسوالی های اطراف شهر قندهار مانند ارغنداب، دند، پنجوایی و ژدی در ماه های جولای تا نومبر سال 2010 منجر به چنین سطح تلفات ملکی نگردید، مگر سبب تخریب میزان زیادی از اموال مردم شد. مزید بر تحقیقات و رد یابی واقعات تلفات ملکی، هر دو اداره (کمیسون مستقل حقوق بشر افغانستان و یوناما) با مقامات حکومت افغانستان، بزرگان، افراد بیجا شده داخلی و آیساف ملاقات نموده اند. مصاحبه با افراد بیجا شده داخلی شامل افرادی می شد که از ولسوالی مارجه در طول جریان عملیات نظامی و یا بعد از

¹- در این راپور هدف از حوزه جنوبی: ولایات هلمند، قندهار، نیمروز، اروزگان و زابل میباشد.

²- بگونه مثال ملاحظه شود، یورسلاف تیمورف، "ائتلاف میگوید افزایش نیروها همراه با ستراتیژی جدید، طالبان را راکد خواهد ساخت و مرحله پیشرفت آنان را به عقب خواهد راند." "وال ستریت ژورنال" 2 فبروری 2011؛ دیکستیر فیلکینز "تعرض افغانان یک مودل جدید جنگ است" نیویارک تایمز 12 فبروری 2011؛ آدام اینتوز "پنتاگون بخاطر فساد اداری بالای کرسی فشار وارد میکند" رویترز 29 مارچ 2010، راجیف چندراسیکران "هنوز هم راه درازی فراراه عملیات ایالات متحده امریکا در مارجه افغانستان باقی مانده هست" واشنگتن پست 10 جون 2010.

آن فرار نموده بودند که این مدت از لحاظ زمانی شامل آغاز عملیات از ماه فبروری 2010 الی اوایل ماه اگست سال 2010 می باشد. زمانی که وضعیت خوب شد واحد حقوق بشر یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، با بزرگان و بیجا شدگان داخلی که در زمان جریان عملیات از ولسوالی فرار نموده و کسانی که الی اخیر سال 2010 بطور پیوسته رفت و آمد را به ولسوالی آغاز نموده بودند، نیز مصاحبه نموده است. ارتباط مداوم تلفونی از ماه فبروری 2010 الی ماه جنوری سال 2011 با سران و مقامات رسمی که در ولسوالی مشغول بودند نیز برقرار شده بود.

طالبان در تمام حوزه، شماری بی سابقه از افراد ملکی را ترور نمودند. ولایت هلمند شاهد افزایش تقریباً 7 برابر (588 درصد) در کشتار و اعدام افراد ملکی توسط طالبان و ولایت قندهار شاهد افزایش 4 برابر (248 درصد) در مقایسه با سال 2009 بود.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و واحد حقوق بشر یوناما بطور فعالانه نگرانی ها را در مورد حفاظت از افراد ملکی در ولسوالی های مارجه و نادعلی، از آغاز اعلان عملیات نظامی در اوایل ماه فبروری، ابراز داشته و موضوع را زیر نظر داشتند.¹

در یک تلاش دیگر بخاطر ارتقاء امنیت بهتر برای افراد ملکی افغان، واحد حقوق بشر یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان بر اساس گزارشات و تحلیلهای شان از حوادث بوقوع پیوسته، پیشنهاد نظارت در مورد عملیات نظامی در مارجه و قندهار را در طول سال 2010 ارائه داده اند.

2. عملیات پاکسازی و عواقب بعدی آن در ولسوالی های مارجه و نادعلی ولایت هلمند

2.1. طرح کلی

در ماه فبروری سال 2010 نیروهای امنیتی ملی افغانستان و آیساف ولسوالی های مارجه و نادعلی را که در قلب ولایت هلمند موقعیت دارند، طی یک عملیات پاکسازی دوباره از طالبان تسخیر نمودند. در طول فصل بهار و تابستان، طالبان با خشونت در برابر قوای دولتی برای کنترل این ساحات مقابله نمودند. حداقل در میان مدت، این عملیات برای افراد ملکی پیامدهای بسیار منفی را با خود همراه داشت. در مقایسه با سال 2009 رقم کشته و زخمی شده گان افراد ملکی توسط طرفین درگیر بیش از سه برابر گردید (از 97 به 323 نفر) و شمار واقعاتی که منجر به تلفات ملکی در این ولسوالی ها گردیده است 7 برابر شده بود (از 17 به 121 واقعه). تغییر ولسوالی مارجه و نادعلی به یک ولسوالی، که قبلاً هم یک ولسوالی بودند ولی در وسط سال به دو ولسوالی تقسیم شده بود، شاهد تلفات بیشتر افراد ملکی در مقایسه با سایر ولسوالی ها در کشور بود، البته به استثنای ولسوالی های پر جمعیت اطراف شهر قندهار.

2.2. تلفات ملکی در جریان عملیات پاکسازی

هدف از آغاز عملیات، که از 13 الی 24 فبروری را احتوا می نمود، در حقیقت به کنترل در آوردن ولسوالی از تسلط طالبان بود. بر اساس

¹- بگونه مثال مایکل ام فلیپس ملاحظه گردد، "ایالات متحده تعرض بالای هلمند را اعلان نمود." وال ستریت ژورنال، 3 فبروری 2010. ارایه معلومات توسط حکومت افغانستان و آیساف به واحد حقوق بشر یوناما، 2 فبروری 2010

ارقام کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و واحد حقوق بشر یوناما در طول این دو هفته، در 13 واقعه مختلف 60 فرد ملکی کشته و یا زخمی شدند. بخش عمده تلفات ملکی در اثر حملات نیروهای نظامی افغان و بین المللی و یا در اثر حملاتی صورت گرفت که طرف مسؤل بطور دقیق مشخص نگردیده است. واقعات افزایش تدریجی عکس العمل نیرو همچنان واقعاتی که در آن خانه ها و منازل هدف مستقیم و یا غیر مستقیم آتش قرار گرفته اند، نیز شامل آن بوده است. در یک حادثه به تاریخ 14 فبروری که همه مردم از آن آگاهی حاصل نمودند، یک مرمی توپ به یک منزل اصابت نمود و در نتیجه 12 فرد ملکی در آن جان باختند. نیروهای آیساف مسؤلیت حمله را بدوش گرفتند¹. بر اساس گفته های آیساف، واحد نظامی که تقاضای حمله کرده بود، شدیداً زیر آتش قرار داشت که از منزل متذکره بالای شان شلیک می شد، ولی واحد متذکره آگاهی نداشت که افراد ملکی نیز در این منزل هستند².

¹ - بگونه مثال رادیو بی بی سی تاریخ 14 فبروری سال 2010 ملاحظه گردد " در اثر فیر راکت نیانو افراد ملکی افغانستان کشته شدند." ² - معلومات توسط آیساف، فرماندهی ساحوی جنوب، بهار 2010.

3.2. تهدیدات عمده بر افراد ملکی بعد از عملیات پاکسازی مارجه

در حالی که درگیری در نادعلی کمتر بود، مارجه در طول تابستان سال 2010 شدیداً مملو از خشونت بود. در ماه اگست حتی بخش های مرکزی مارجه بطور مداوم شاهد حملات مسلحانه پیوسته، کشتارها و انفجارات مواد منفجره تعبیه شده بود، (بعد از ماه سپتمبر خشونت در ساحات مرکزی مارجه رو به کاهش گذاشت در حالی که در اطراف آن درگیری ها جریان داشت). از تاریخ 25 فبروری الی اخیر ماه اگست در اثر 90 حادثه مجموعاً 196 فرد ملکی کشته و یا زخمی شدند. بیجا شده گان داخلی مارجه تقریباً همه از چالش ها در محافظت از افراد ملکی حکایت می نمودند.

یکتن از بیجا شدگان داخلی که مارجه را در ماه جولای ترک کرده بود و توسط یوناما در ماه اگست سال 2010 مصاحبه شده بود، می گفت: "از میان تمام مشکلات دو مشکل برای ما خیلی سخت تر بود، اول: طالبان می آمدند و افرادی را که با حکومت و انجوها کار می کردند، اختطاف می نمودند، اگر به آنان پول پرداخت می شد آنها را رها می کردند ولی در غیر آن آنها را می کشتند. و دوم آنکه: طالبان از منازل استفاده و مقاومت نموده و از آن شلیک می نمودند که در نتیجه قوای خارجی نیز بالای منازل ما انداخت می کردند. این دو از بزرگترین مشکلات ما بود."

کشتارها و اعدام ها عمده ترین نگرانی در سراسر حوزه بود. در حالی که نگرانی مربوط به افراد ملکی که در میان جنگهای مسلحانه گیر مانده بودند، مخصوص ولسوالی مارجه بود.

2. 4. جنگهای مسلحانه، سپرهای انسانی و افراد ملکی که در تبادل آتش گیر مانده بودند

در اکثر بخش های کشور افراد ملکی کمتر در میان تبادل آتش گیر می مانند، در عوض بخش عمده تلفات ملکی ناشی از این است که یا افراد بطور مستقیم مورد هدف قرار می گیرند (مانند قتل ها) و یا اینکه به انفجارهای کنار جاده، حملات انتحاری و یا حملات هوایی بسیار نزدیک می باشند. به هر حال، در ولسوالی های مارجه و نادعلی در طول سال 2010، 29 درصد تلفات ملکی ناشی از جنگ زمینی طالبان با نیروهای دولتی و بین المللی بوده است. معلومات بدست آمده دفتر حقوق بشر یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان از واقعات بدست آمده نشان می دهد که چنین درجه زیادی از تلفات ملکی در نتیجه جنگهای زمینی غیر معمول است، حتی اگر در جاهایی باشد که درگیری در آنها شدیداً جریان دارد.

بیجا شدگان داخلی وضعیت های گوناگون را توضیح می دهند که در آن جنگهای مسلحانه باعث تلفات ملکی شده است، ولی آنان یک سلسله حوادث پیوسته و مشخص را به عنوان خطرات شایع بیان نموده اند که تا هنوز هم خطر آن برای شان بالنسبه عمومیت دارد.¹ اول، جنگجویان طالب به خانه های شان داخل شده و اصرار می نمودند، بعضی اوقات با خشونت، تا اجازه بدهند که از منازل شان فیر کنند. دوم، این جنگجویان طالب بالای پوسته های نزدیک نیروهای افغان و بین المللی فیر می کردند. سوم اینکه، افراد نظامی نیروهای افغان و بین

¹ - مصاحبه در ماه اگست 2010 با بیجا شدگان داخلی که ولسوالی مارجه را در اخیر ماه جولای و اوایل ماه اگست ترک کرده بودند، مصاحبه در ماه اگست 2010 با بیجا شدگان داخلی که ولسوالی مارجه را در اخیر ماه جولای ترک کرده بودند، مصاحبه در ماه نومبر 2010 با بیجا شدگان داخلی که ولسوالی مارجه را، تخمیناً در سه ماه اخیر ترک کرده بودند و در حال حاضر بطور پیوسته به ولسوالی رفت و آمد دارند.

المللی در جواب، به فیرهای متقابل می پرداختند. چهارم، جنگجویان طالب و بعضی اوقات ساکنین منازل مجبور به فرار از منازل می شدند و در این هنگام نیروهای افغان و بین المللی بالای شان فیر می نمودند. پنجم، نیروهای افغان و بین المللی جهت تلاشی برای دریافت طالبان داخل منازل شده و بعضاً افراد ملکی را نیز توقیف می کردند. یکتن از افراد بیجا شده داخلی که در اخیر ماه جولای ولسوالی را ترک کرده بود و توسط واحد حقوق بشر یوناما در ماه اگست سال 2010 مصاحبه گردیده بود، بعد از آنکه توضیح می دهد که جنگ چگونه آغاز شد، در اختتام گفت، «آیساف آنها را می کشند، طالبان آنها را می کشند، آیساف آنها را گرفتار می کنند، مردم نه می توانند اینطور زندگی کنند.»

دلیل عمده که چرا شمار زیادی از افراد ملکی در جریان جنگها کشته و زخمی شدند این است که طالبان از افراد ملکی به عنوان سپر انسانی کار می گیرند. افراد بیجا شده داخلی به واحد حقوق بشر یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان گفتند که طالبان عمداً منازل را که هنوز داخل آن مردم زندگی داشتند، انتخاب می کردند تا از آنجا فیر و انداخت نمایند، در حالیکه خانه های خالی در مارجه نیز وجود داشت، ولی با آنهم طالبان ساکنین منازل را اجازه نمی دادند تا خانه های شانرا ترک کنند، (در ذیل ملاحظه گردد). هر دو نهاد این گونه توضیحات را زیاد دریافت نموده اند که خود واضح می سازد که طالبان عمداً از منازلی که در آنان مردم سکونت داشتند، برای انداخت استفاده می کردند تا از ساکنین آنان به عنوان سپر انسانی استفاده کند و این کار تلاشی بوده در راستای باز داشتن نیروهای بین المللی از انداخت سلاح های ثقیل چون توپ خانه و یا حملات هوایی در پاسخ به فیرهای طالبان. استفاده از سپر انسانی در حقوق بین المللی بشردوستانه منع قرار داده شده است.¹

وقایع استفاده از سپر انسانی توسط طالبان در مارجه

هر بیجا شده داخلی که اظهار نموده بودند در اخیر ماه جولای و اوایل ماه اگست سال 2010 مارجه را ترک کرده اند، بخشی از دو گروه بیجا شده گان داخلی بودند که توسط واحد حقوق بشر یوناما در اواسط ماه اگست مصاحبه شده بودند.

"طالبان به هر منزلی که می خواستند با استفاده از زور داخل می شدند و بعداً از آن منزل انداخت می کردند و در نتیجه آن، قوای آیساف و اردوی ملی افغانستان نیز بالای این منازل انداخت می نمودند. ولی اگر من به طالبان می گفتم که به منزل ما داخل نشوید، آنان مرا می کشتند. پس جواب چی بود؟ یا آیساف مرا می کشت و یا طالبان."

"طالبان داخل منزل شده و دیوار را سوراخ می کردند تا بتوانند از آن انداخت نمایند. در یک حادثه مالک یک منزل نزد شان آمد و گفت که این منزل من است و شما نمی توانید دیوار منزل مرا سوراخ کنید، من داخل منزل زن و فرزند دارم که آنان اینجا زندگی می کنند، این اقدام طبعاً برای آنها خطر ایجاد می کند." وی اصرار نمود که در نتیجه طالبان مجبور به ترک منزل گردیده بود. ولی روز بعد طالبان دوباره آمدند و گفتند که آیا شما مسلمان نیستید؟ و بعداً او را شدیداً لت و کوب نمودند. مردم قریه موصوف را به مرکز صحنی آیساف بردند، آنان سعی نمودند تا او را نجات دهد ولی او فوت نمود."

¹ - کمیته بین المللی صلیب سرخ مطالعه آی اچ ال عرفی، قاعده 97

"طالبان هیچ گاهی از منازل بدون سکنه (بمنظور انداخت) استفاده نمی کردند، زیرا آنان می دانستند که نیروهای آیساف آنان را بمبارد می کردند. آنان به مردم اجازه نمی دانند که منازلشان را ترک کنند. آنان مردم را در منازلشان نگه میداشتند حتی اگر جنگ هم جریان می داشت. مردم شکایت می کردند که اعضای فامیل ما کشته می شوند ولی طالبان می گفتند که ما کشته شده و به جنت میرویم و اگر آنان هم کشته شوند نیز به جنت می روند، هیچ فرق نمی کند." مردم زمانی می توانستند منازلشان را ترک کنند که طالبان از منازلشان خارج شده و یا برای درگیری به محل دیگری می رفتند و یا اینکه در جنگ مصروف می بودند."

نیز بخشی این خطر که افراد ملکی قربانی منازعات مسلحانه می گردند به سبب پوسته ها و قرارگاه های آیساف و نیروهای مسلح افغان در ساحات پرنفوس ولسوالی مارجه بود. زمانی که نیروهای حکومتی و بین المللی در نزدیکی منازل مسکونی قرارگاه ایجاد می کنند، طالبان بالای آنان حمله نموده و مردم ملکی را به خطر روبرو می سازد. در ولسوالی مارجه، موقعیت قرارگاه ها، افراد ملکی را با خطر خاص روبرو می ساخت زیرا قرارگاه ها قبل از آنکه ولسوالی کاملاً پاکسازی گردد، ایجاد شده بودند. چنانچه در گزارش های قبلی کمیسیون مستقل حقوق بشر و واحد حقوق بشر یوناما تصریح شده بود، اگر قرارگاه های نظامی در نزدیک منازل مسکونی قرار داشته باشد، شاید از لحاظ نظامی خوبی هایی داشته باشد ولی این کار افراد ملکی را نیز با خطر مواجه می سازد.¹ براساس حقوق بین المللی بشردوستانه، نیروهای امنیتی افغانستان و آیساف باید راهکارهای جایگزین را در نظر می گرفتند تا کنترل آنان را در این گونه ساحات پرنفوس محفوظ می داشتند.²

2.5. مصداق امنیت شکننده و نا پایدار در خزان سال 2010

مردم ولسوالی به کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و واحد حقوق بشر یوناما گزارش دادند که در ماه های سپتمبر و اکتوبر وضعیت در مرکز مارجه بهبود یافته است. از ماه سپتمبر الی دسمبر در 26 واقعه 63 فرد ملکی کشته و زخمی شدند. در حالیکه این رقم بسیار بلند است، اما به تناسب ماه های گذشته خیلی کمتر می باشد. بیجا شدگان داخلی که بطور پیوسته به ولسوالی مارجه رفت و آمد داشتند و توسط واحد حقوق بشر یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان مصاحبه شده بودند، دو توضیح در مورد تغییر وضعیت ارائه نمودند.³ اول اینکه آنان گفتند که بخش زیادی از طالبان به خاطر رسیدن زمستان ولسوالی را ترک گفتند و یا اینکه غیر فعال شدند. گروه دوم گفتند که ایجاد نیروهای دفاعی محلی (که جزئی از پولیس محلی نیست)

¹ - ملاحظه گردد راپور شش ماهه یوناما در مورد محافظت افراد ملکی در منازعات مسلحانه سال 2010 صفحات 14-15

² - کمیته صلیب سرخ بین المللی مطالعه ای اچ ال عرفی قاعده 23: "طرفین درگیر باید، تا حدی که ممکن است، از قرار دادن اهداف نظامی در نزدیکی یا در داخل ساحات پرنفوس اجتناب کنند."

³ - مصاحبه در ماه نومبر سال 2010 با بیجا شدگان داخلی که در اخیر ماه جولای ولسوالی را ترک کرده بودند. مصاحبه در ماه نومبر سال 2010 با بیجا شدگان داخلی که در تقریباً سه ماه قبل ولسوالی را ترک کرده بودند.، حالا تمام این بیجا شدگان داخلی بطور پیوسته به ولسوالی رفت و آمد می کنند.

که به آنها «اربکی» می‌گفتند، ورود جنگجویان طالب را به خانه‌های مسکونی خیلی مشکل‌تر کرده است.

همچنین بزرگان و مقامات دولتی گزارش دادند که طی این مدت بیجا شده آن‌ها به تعداد زیاد شروع به بازگشت به مارجه کردند و دلیل آن هم تا حدودی کاهش خشونت و تا حدودی نیاز به کشت و ذرع و ترک سرپناه‌های موقت قبل از زمستان بود. مطابق کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد، در اوج خشونت تقریباً 4285 خانواده، یا تقریباً 27150 نفر بیجا شده بودند. کسانی که کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و واحد حقوق بشر یوناما در ماه نومبر با آنها مصاحبه کرده، محتاطانه خوشبین بودند، اما نتایج نامشخص ایجاد نیروهای دفاع محلی و دیگر عوامل فصلی مؤثر در کاهش خشونت، این پیشبینی را مشکل می‌کند که آیا افراد ملکی یکبار دیگر در تابستان سال 2011 از جنگ‌های مسلحانه شدید متأثر خواهند شد و یا نه.

بطور خلاصه واحد حقوق بشر یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان مشاهده نمودند که تصمیم استراتژیک اولیه نیروهای طرفدار دولت مبنی بر انتخاب ساحات پر نفوس در قریه جات دور دست مارجه به عنوان میدان جنگ، بدون موجودیت نیروی پولیس افغان با ظرفیت‌های محافظت از مردم، منجر به تلفات زیاد ملکی گردید. تصمیم ایجاد قرارگاه‌ها و پوسته‌های بیشماری در ساحات پر نفوس، قبل از اینکه عملیات پاکسازی بصورت کامل انجام شود، خطر تلفات افراد ملکی را بیشتر ساخته و آنان در نبرد میان طالبان و نیروهای طرفدار دولت گیرمانده و متأثر می‌سازند. قتل افراد ملکی توسط طالبان و همچنان استفاده افراد ملکی به حیث سپر انسانی توسط طالبان، بویژه در ساحات پر نفوس، نه تنها یک تاکتیک غیر قانونی بوده، بلکه منجر به نتایج ناگوار برای افراد ملکی نیز شده است.

3. عملیات پاکسازی در ولسوالی های اطراف شهر قندهار و عواقب آن

3.1. عکس العمل عاجل در برابر عملیات های طرح ریزی شده

در ماه های اول سال 2010 حکومت افغانستان و آیساف بحث هایی را در مورد راه اندازی عملیات پاکسازی در چهار ولسوالی اطراف شهر قندهار: ارغنداب، دند، پنجوایی و ژری آغاز نمودند. واحد حقوق بشر یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان این عملیات را از طریق جستجو و رد یابی واقعات تلفات ملکی و از طریق تدویر ملاقات‌ها با آیساف و مشوره با سران ولسوالی‌های متأثر، قبل و بعد از آغاز عملیات مهم پاکسازی، تعقیب نموده اند.

عکس العمل ابتدایی در برابر عملیات پاکسازی قریب الوقوع، حتی از جانب بزرگان طرفدار دولت، منفی بود. تقریباً تمام کسانی که در ماه های مارچ و اپریل سال 2010 با آنان مشوره صورت گرفت، قویاً با عملیات مورد نظر مخالفت نمودند، زیرا آنان عقیده داشتند که این عملیات نمی تواند طالبان را از این محلات بیرون براند، بلکه شماری زیادی افراد ملکی را کشته و زخمی خواهد کرد و منازل و کشتزارهای - شان را تخریب خواهد کرد. یکی از دلایل مهم در داشتن نظر منفی آنان این بود که آیساف این توانایی را ندارد که میان افراد ملکی و جنگجویان طالب تفکیک نماید.

تبصره زیر که توسط یکی از بزرگان ولسوالی ژری در ماه مارچ سال 2010 صورت گرفت، یکی از آن نظریات می باشد: "در حقیقت در جنگ تفکیک وجود ندارد، آنان معلومات کافی ندارند تا هویت اصلی آدم ها

را تشخیص دهد و اینکه در کدام منزل چی هست، اگر آنان کشف درست می داشتند، ما می دانستیم، زیرا آنان حتماً آن عده از قومندانان طالبان را که بطور مکرر و آزادانه در بین ولسوالی ها و شهر رفت و آمد می کنند دستگیر می نمودند. مزید بر این طالبان در منازل مسکونی پنهان می شوند ولی این افراد ملکیست که سیستم آبرسانی، منازل و مزارع آنان به شدت متاثر شده و تخریب می شوند"¹.

3.2. عملیات پاکسازی که منتج به تلفات کمتر افراد ملکی گردیده است.

بخش عمده عملیات پاکسازی در ولسوالی ارغنداب در اخیر ماه جولای و اگست، در ساحات مالاجات که در شمال ولسوالی دند و شمال مرکز ولایت قندهار موقعیت دارد در ماه اگست و سپتمبر و در ولسوالی های ژری و پنجوایی در ماه های سپتمبر و نومبر صورت گرفت. واحد حقوق بشر یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان که در ماه اکتوبر با سران و بزرگان این ولسوالی ها مصاحبه را انجام داده اند نشان می دهد که آنان شاهد بوده اند نیروهای آیساف و نیرو های امنیتی افغان تلاش های بیشتری را برای کاهش تلفات افراد ملکی آغاز کرده بودند. بزرگان قومی گفتند حملات هوایی و سایر حملات مشخصاً جنگجویان طالب را آماج قرار می دادند، که آنان در ابتدا چنین انتظاری را نداشتند.

در ماه اکتوبر سال 2010 واحد حقوق بشر یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان با گروهی از بزرگان ولسوالی ژری مصاحبه نمودند، آنان گزارش دادند "تلفات ملکی بسیار کم بود که حتی ما آن را تخمین هم کرده نمی توانیم."

واحد حقوق بشر یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان اینگونه ارزیابی را نه در بهار بلکه در خزان دریافت نموده بود. هر دو اداره مکرراً تحلیل های مشابه را، بویژه در مورد ولسوالی های ارغنداب و دند، دریافتند.

تغییر در افکار بیشتر ریشه خویش را در حقایق می یابد. در جریان عملیات پاکسازی در اطراف شهر کندهار واحد حقوق بشر یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در مقایسه با عملیات پاکسازی در ولسوالی های مارجه و نادعلی، تلفات کمتر افراد ملکی را ثبت نمودند. به همین صورت، زمانی که واقعات تلفات ملکی بیشتر شد، خشونت نیز بعد از عملیات پاکسازی در مارجه و نادعلی افزایش یافت، که تا حال نمونه آن در سایر عملیات ها در اطراف شهر کندهار مشاهده نگردیده است.

مغایرت میان ولسوالی های مارجه و نادعلی و ولسوالی های اطراف شهر قندهار شاید هم به علت زمان مربوط به عملیات ها باشد، که جنگجویان طالب بخاطر فرا رسیدن فصل زمستان عقب نشینی می کردند و یا بخشی آن بر می گردد به کنترل بیش از حد طالبان در مارجه در مقایسه به اکثریت ساحات اطراف شهر کندهار. گذشته از آن چنین به نظر می رسد که نیروهای طرفدار دولت از تجربیات شان در ولایت هلمند آموخته بودند و بعداً چنان عمل نمونده اند تا در عملیات ها آسیب کمتر به افراد ملکی عاید گردد. معلوم می شود که دو فکتور بطور خاص با هم مرتبط باشند. یکی اینکه نیروهای نظامی و دولتی قبل از آغاز عملیات مشوره های وسیع را انجام دادند و عملیات کوچکتری را

¹ - برای معلومات بیشتر در مورد عکس العمل ها در برابر این پلانه لطفاً به گزارش نیم سال 2010 یوناما تحت عنوان محافظت افراد ملکی در منازعات مسلحانه ماه اگست سال 2010 صفحات 16-17 مراجعه گردد.

در اطراف شهر قندهار راه اندازی نمودند و دوم این که عملیات اطراف شهر قندهار، طوریکه معلوم می شود، از قبل پلانگذاری شده بود (و به طور عکس العمل، در مقابل آتشباری طالبان و فعالیت های آنان صورت نمی گرفت). در ماه اکتوبر سال 2010 یکتن از بزرگان ولسوالی ژری با در نظر داشت اینکه آیساف اهدافش را در مقایسه به گذشته بدقت مورد تهاجم قرار می دادند، به واحد حقوق بشر یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان چنین ابراز نظر نمود: "که آیساف حالا باید از برنامه استخباراتی بهتر برخوردار باشد".

3.3. عملیات های پاکسازی دربر گیرنده تخریب گسترده اموال

در مقابل، نگرانی بزرگان که حدس می زدند عملیات قندهار تخریب منازل، محصولات زراعتی و سیستم کانالیزاسیون را در بر خواهد داشت، به حقیقت مبدل شد. راپورهای بیشماری از سران و بزرگان موجود است که شماری زیادی از منازل در اثر منهدم ساختن مهمات تعبیه شده منفجره، تخریب گردیده است و به خاطر دفاع بهتر از قرارگاه های آیساف و نیروهای مسلح افغانستان به منظور جلوگیری از برخورد با ماین های تعبیه شده، وسایط آنان بجای استفاده از راه های عام دیوارها، باغها، سیستم های آبرسانی و کشمش خانه ها را تخریب نموده اند تا طالبان نه توانند از آنها بحیث سنگر استفاده کنند. این تعمیرات، منازل، زمین ها، درختان و مزارع نیز بدین منظور تخریب شده اند تا آیساف بتوانند پوسته های امنیتی و راه های بدیل برای رفت و آمد شان ایجاد کنند، زیرا آنان نه می خواستند که از راه های موجود بنا به دلایل امنیتی استفاده کنند. بر اساس گزارشات زمانی که این عملیات راه اندازی شد، هیچگونه مشوره قبلی با سران اقوام و مالکین زمین ها صورت نگرفته است. ولسوالی های پنجوایی و ژری به بدترین شکل آن متأثر شده بودند ولی در ولسوالی های دند و ارغنداب نیز اموال بسیار زیادی تخریب و از بین رفته است. هنگام تهیه این گزارش واحد حقوق بشر یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان گزارشاتی را دریافت نمودند مبنی بر اینکه تخریب اموال در این ولسوالی ها هنوز هم ادامه داشته است.¹

در ماه جنوری سال 2011 کمیسیون توظیف شده توسط رئیس جمهور حامد کرزی اظهار نمودند که در جریان عملیات قندهار بر علاوه تخریب کشتزارها و نابودی 100000 درخت مثمر و غیر مثمر حدود 800 تا 900 منزل نیز تخریب شده است.² در حالی که آیساف و بعضی از ارگانهای دولتی در قسمت یافته های کمیسیون توظیف شده موافق نبودند، هیچ کسی دیگر در مورد تخریب بیش از حد منازل بحث و مشاجره نکردند. نیروهای آیساف به واحد حقوق بشر یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان گفت که با در نظر داشت شمار زیاد مواد منفجره تعبیه شده در مسیر راه ها و حفظ زندگی سربازان، بمباردمان منازل، استفاده از ماشین های ماین پاکی جهت تخریب راه روها و زمین های نزدیک سرک و سایر انواع تخریبات ضروری بوده است.

¹ - مصاحبه با سران ولسوالی ژری در ماه اکتوبر سال 2010، مصاحبه با سران ولسوالی پنجوایی در ماه اکتوبر سال 2010، مصاحبه با اعضای شورای ولسوالی های ژری، ارغنداب و پنجوایی در فاصله زمانی 20 الی 25 فبروری 2011. همچنان ملاحظه گردد تیمور شاه و رود نورلند "ناتو خانه های افغانستان را که مواد منفجره جاسازی شده ویران میکند" نیویارک تایمز، 16 نومبر 2010، ابوبکر صدیق، محمد صدیق ریشترینی "جمع نمودن توتها بعد از حمله قندهار" رادیو آزادی اروپا، 4 فبروری 2011.

² - تیمور شاه و رود نورلند، "مشاجره هیت افغانی و امریکایی بر سر تخریب اموال و ملکیت" نیویارک تایمز 13 فبروری 2011،

در حالی که نیروهای امنیتی افغانستان و آیساف دقت بسیار زیادی در حفاظت از افراد ملکی در جریان عملیات اطراف شهر قندهار از خود نشان دادند، ولی معلوم می شود که قواعد حقوق بین المللی بشردوستانه در مورد تعریف اهداف نظامی، تناسب و احتیاط در حملات زمانیکه اموال افراد ملکی در معرض خطر قرار داشته باشد، بشکل درست و با دقت تطبیق نگردیده است. بر اساس حقوق بین المللی بشردوستانه، طرفین درگیر باید صرفاً آن اهدافی را مورد حمله قرار دهند که طبیعت، موقعیت، هدف و یا استفاده آن کمک موثری را در اقدامات نظامی ممکن ساخته، تخریب کلی و یا جزئی، تسخیر و یا خنثی کردن آن در آن زمان معین ایجاب حمله نظامی را می کند.¹ مواد منفجره تعبیه شده طبعاً با توجه به خصوصیات شان، اهدافی اند که ایجاب اقدام نظامی را می نمایند.

در حالی که موجودیت «لانه های» مواد منفجره تعبیه شده در مسیر راه-ها و منازل نباید بحیث اهداف نظامی تصور گردد، در اینصورت چنانچه لازم است طرف درگیری "باید تمام امکانات ممکنه را بخرج دهد تا اهداف نظامی را مشخص کرده بتواند".² کلبه هایی که برای خشک کردن انگور استفاده می شود و سایر اهداف ملکی که در طبیعت خود اهداف نظامی نیستند، زمانی می توانند مورد حمله قرار گیرند که تمام امکانات موجود برای تشخیص اینکه استفاده، هدف و موقعیت آنان را اهداف نظامی قرار داده، بکار برده شده باشد.

علاوتاً اگر یک طرف درگیر جنگ پلان دارد تا حملاتی را برای تخریب مواد منفجره تعبیه شده راه اندازی کند، باید تمام امکانات را برای ارزیابی این امر به کار برد که تخریب اهداف ملکی از قبیل منازل و باغ ها جهت خنثی کردن مواد منفجره تعبیه شده در مقایسه با مفاد قطعی و مستقیم حمله نظامی دارایی ارزش بیشتر خواهد باشد.³

اگر در نهایت تصمیم برآن شد تا مواد منفجره تعبیه شده تخریب گردد، طرف درگیر در منازعه باید تمام تدابیر ممکنه را اتخاذ و روشها و میتوذهای جنگی را برای جلوگیری از تلفات ملکی و حتی از هرگونه حادثه اتفاقی برای کاهش و تخریب اهداف ملکی بکار برد.⁴ واحد حقوق بشر دفتر یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان پیشنهاد می کنند تا آیساف بطور عموم تصمیمات راجع به تخریب اموال افراد ملکی را در جریان این عملیات ها مورد بازبینی قرار دهد تا با معیارهای حقوقی مربوط همناوایی نموده و روشها و میتوذهای جایگزینی را جستجو نمایند که در آینده کمترین اثر منفی را بالای اموال و معیشت افراد ملکی داشته باشد.

نظریات سران ولسوالی های ژری و پنجوایی ولایت قندهار در مورد تخریب اموال در این ولسوالی ها این چنین است:

یکتن از سران ولسوالی ژری در ماه اکتوبر سال 2010 گفت: "فرض کنید که من یک منزل و یک باغ کوچک دارم. شما این دو را تخریب می کنید و در آینده صلح هم تأمین می شود، پس اینگونه صلح چه درد مرا درمان می کند؟"

¹- کمیته بین المللی صلیب سرخ مطالعه عرفی آی اچ ال، قاعده 8

²- کمیته بین المللی صلیب سرخ مطالعه عرفی آی اچ ال، قاعده 16

³- کمیته بین المللی صلیب سرخ مطالعه عرفی آی اچ ال، قاعده 14 و 8

⁴- کمیته بین المللی صلیب سرخ مطالعه عرفی آی اچ ال، قاعده 17 در ارتباط به موضوع تخریب اموال و همچنان مشاهده گردد کمیته بین المللی صلیب سرخ مطالعه عرفی آی اچ

ال، قاعده 10-7 و 14-21

"نتیجه عملیات تا اکنون کلاً منفی بوده است زیرا آنان منازل، باغ ها و سیستم آبیاری مردم را تخریب می کنند و تا آن جایی که به آینده ارتباط دارد، ما نه می دانیم که آیا روشنی خواهد آمد و یا خیر؟ یکتن از سران ولسوالی پنجوایی در ماه اکتوبر سال 2010 ابراز داشت: "قریه جاتی که در آن عملیات جریان دارد قریه جات طالبان نیست. طالبان از جاهای دیگری می آیند. در این قریه جات مردم ملکی زندگی دارند. طالبان صرف ده درصد ضربه را دیده اند و در مقابل افراد ملکی 80 درصد ضرر را متحمل گردیده اند. در جریان عملیات اگر آیساف مواد منفجره تعبیه شده و یا کدام لین را مشاهده می کردند آنان تمام منزل را تخریب می نمودند. این جایداد افراد ملکی است و شاید 50000 دالر امریکایی ارزش داشته باشد ولی در برابر تخریب آن هیچگونه جبران خسارت وجود ندارد. در این عملیاتها آیساف کانالهای آبیاری ما را تخریب و درختان توت ما را قطع نمودند و نیز پرورشگاه های ما را تخریب کردند. تمام این خسارت عمده به افراد ملکی رسیده است و هیچ کدام این اموال مربوط به طالبان نیست. طالبان از جاهای دیگر می آیند. از زمان ظاهر شاه و داود خان شاهراه ها و سرکهای مناسب به محلات ما کشیده شده بود ولی آنان از این راه ها استفاده نمی کنند. در عوض آنان راه های جدید را از مسیر باغات ایجاد می کنند. در حال حاضر آیساف فقط یک دشمن دارد و آن طالبان است. ولی اگر آیساف به حرف مردم گوش فرا ندهد در آینده آنان دشمنان زیادی خواهند داشت: طالبان و افراد ملکی هر دو" (بزرگان از ولسوالی ژیری، اکتوبر 2010).

سران و بزرگان ولسوالی های ژری و پنجوایی که در ماه اکتوبر سال 2010 توسط واحد حقوق بشر یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان مصاحبه شده اند تا این زمان عدم قناعت شانرا از جبران خسارت توسط آیساف ابراز داشته اند. در جلسه مورخ 24 فبروری سال 2011 که میان نمایندگان آیساف، وزارت مبارزه با مواد مخدر، ولسوال ژری و سایرین دایر گردیده بود، مسؤلین ولسوالی گزارش دادند آنان 1128 درخواست را مبنی بر جبران خسارت ناشی از تخریب اموال بدست آورده اند. تا اکنون 278 شکایت کننده، غرامت را دریافت نموده اند در حالی که متباقی شکایتها در جریان طی مراحل می باشد. اکثرشکایت کنندگان که غرامت دریافت نموده اند ابراز داشتند که مبلغ تأدیه شده برای آنان در مقایسه به تخریباتی که آنان متحمل شده اند، بسیار ناچیزاست.¹

3. 4 خلاصه

این امر مهم است که عملیات پاکسازی در اطراف شهر قندهار منجر به تلفات کمتر افراد ملکی شده، در حالیکه نتایج دراز مدت این عملیات برای افراد ملکی منوط به این امر خواهد بود که آیا نیروهای طرفدار حکومت می توانند امنیت دوامدار را در این ساحات تأمین کنند و هزینه بازسازی ملکیتها را در اولویت قرار داده و تمویل کنند. همچنان نتایج دراز مدت این عملیات منحصر به این خواهد بود که آیا طرفین درگیر جنگ در عملیات تابستان آینده و ازدیاد جنگهای

¹ - مصاحبه با عضو شورای ولسوالی ژری در ماه فبروری 2010

پیشبینی شده همینگونه عمل خواهند نمود تا از تلفات ملکی جلوگیری نمایند و از تکرار عملیات بهار و تابستان 2010 در مارجه جلوگیری خواهند نمود. شمار اندکی از باشندگان ولایت قندهار در مورد آینده محتاطانه خوشبین هستند. طوری که یکتن از سران ولسوالی پنجوایی در ماه اکتوبر سال 2010 به واحد حقوق بشر یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان گفت: "می خواهیم امنیت چند سال دیگر دوام کند، نه شش ماه دیگر".

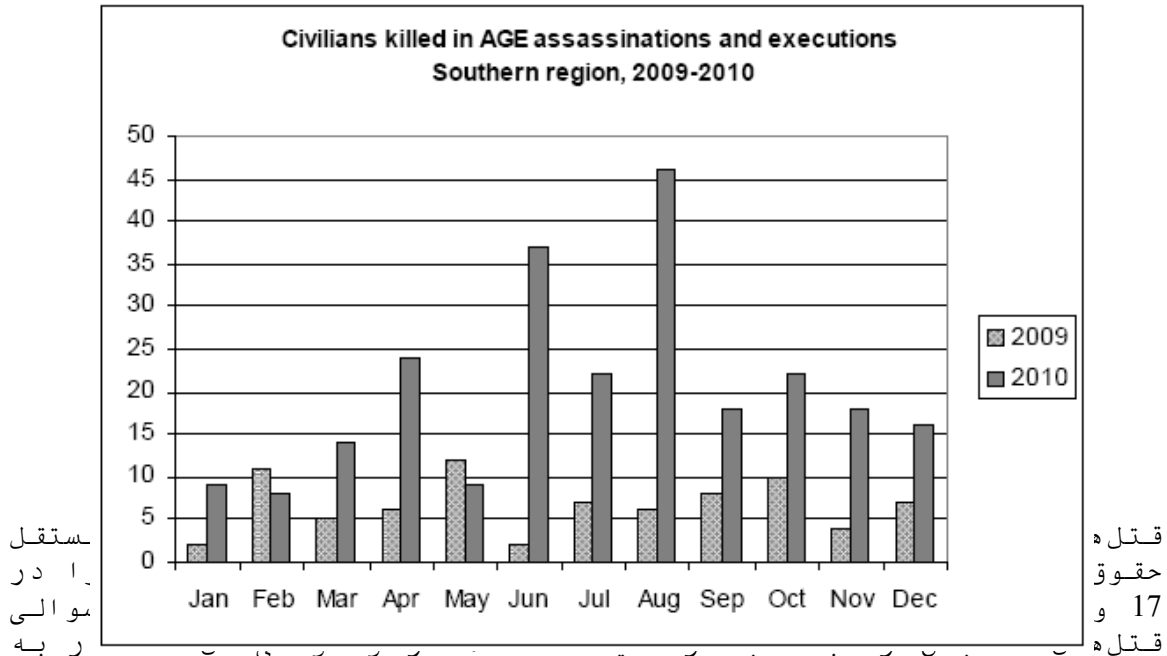
4. کمپاین ترور توسط طالبان در جنوب

با وصف راه اندازی جنگهای مسلحانه و جاسازی مواد منفجره تعبیه شده، استراتیژی طالبان برای مقابله با افزایش عملیات نیروهای طرفدار دولت، شامل افزایش قتلها توسط آنان بویژه در ولایت های قندهار و هلمند می باشد. زمانی که امارت اسلامی افغانستان (یعنی طالبان) در ماه می سال 2010 عملیات الفتح را اعلان نمود، در آن گفته شده بود: "عملیات الفتح اشغالگران امریکایی، پرسونل نیروهای نظامی ناتو، مشاورین خارجی، جاسوسانی که خود را دیپلمات های خارج وانمود می نمایند، اعضای حکومت دست نشانده کرزی، اعضای کابینه، اعضای پارلمان، پرسونل وزارت دفاع، امنیت ملی، وزارت عدلیه، وزارت امور داخله، قرارداد کنندگان کمپنی های داخلی و خارجی امنیتی، قرارداد کنندگان و پرسونل نظامی لوژستیک و کمپنی های ساختمانی نظامی و تمام حامیان اشغالگران خارجی که برای تقویه حاکمیت خارجی ایفای وظیفه می کنند، را مورد حمله قرار می دهد." پیام از این هم فراتر رفته و تهدید نموده "تمام استخبارات نظامی، کارمندان اداری و قضایی را مجازات می کنند. بخصوص تهدید نموده بود که مالکان و کارگران کمپنی های ترانسپورتی و ساختمانی را که برای خارجیان خدمات لوژستیک و ترانسپورتی آماده ساخته و برای آنان تسهیلات ساختمانی را ایجاد می کند، خواهند کشت." گفتار طالبان با اعمال شان مطابقت داشت و آنان افراد ملکی را مانند نظامیان مورد حمله قرار می دادند. در سال 2010 قربانیان قتل های طالبان کارمندان دولتی، اعضای شورای ولسوالی، اشتراک کنندگان پروگرام های انکشافی، دریوران موترهای حامل مواد برای آیساف، افراد پولیس که در حال وظیفه نبودند، اطلاع دهندگان مظنون و سایرین را احتوا می نمود.

در سال 2010 در حوزه جنوب، بر اساس احصائیه ثبت شده کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و واحد حقوق بشر یوناما، در مقایسه با سال 2009 قتل و ترور افراد ملکی توسط عناصر ضد دولتی سه برابر گردیده بود (204 درصد افزایش)¹. در مقابل آن در سایر واقعات، افزایش کشتار افراد ملکی توسط عناصر ضد دولتی 9 درصد بوده است. دلیل افزایش مجموعی 29 درصدی کشتار افراد ملکی توسط عناصر ضد دولتی، ازدیاد قتلها بوده است. در حالی که تا ماه می طالبان استراتیژی شانرا اعلان نکرده بودند ولی این جریان از قبل در ماه مارچ همان

¹ - کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و واحد حقوق بشر یوناما تلاش های شانرا بخرچ داده اند تا میان قتل های عادی و ترورهای که توسط عناصر ضد دولتی صورت گرفته را تفکیک نمایند و بر این مبنا تعداد زیادی از قتل های هدفمند آنها را مستثنی کردند، با در نظر داشت محدودیت تحقیقات پولیس و پروسه قضایی و هکذا عدم اعتماد به ادعا های طالبان و رد نمودن مسولیت توسط آنان، این را امکان پذیر میسازد که این ارقام در هر دو سال 2009 و 2010 بیشتر و یا کمتر از ارقام حقیقی بوده باشد. با وجود آن جریان دراماتیک افزایش قابل اشتباه نمیشود. بیاد داشته باشیم که این ارقام، کشتار عمدی افراد ملکی توسط عناصر ضد دولتی، کشتار ناشی از مواد منفجره تعبیه شده و حملات انتحاری را مجزا ساخته (هر دو اداره این واقعات را بطور جداگانه محاسبه نموده است)

سال آغاز شده بود و نیز بعد از حمله نیروهای طرفدار دولت برای عملیات پاکسازی در ولایت هلمند و عملیات بعدی پاکسازی در ولایت قندهار هم دوام داشت.



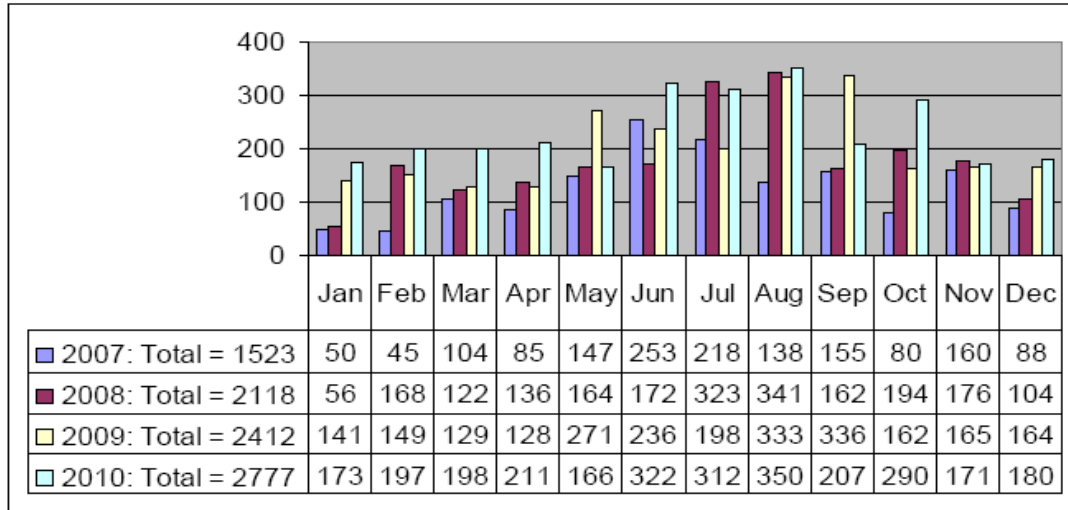
شماره قتلها در سال 2010 نواحی 1، 2، 3، 4، 5، 6، 7، 8، 9، و 10 بیشتر بوده است. در سال 2010 نواحی 1، 2، 3، 4، 5، 6، 7، 8، 9، و 10 قتل های بیشتری را شاهد بوده و هیچ یک از این نواحی شاهد قتل های کمتری نسبت به سال قبل نبوده است.

تأثیرات روانی و اجتماعی، یکجا با نقض های حقوق بشری مرتبط با این قتلها در مقایسه با شمارش آمار قتل، بسیار مخرب بوده است. افرادی که تصمیم می گیرند تا عضویت شورای ولسوالی را بدست آورند، و یا در همان ساحه در مورد یک قومندان طالب آزادانه صحبت کنند، اکثراً می دانند که نتیجه این عمل آنان حالت را ایجاد می کند که ممکن بگوئیم وضعیت بین مرگ و زندگی. هدف این قتلها محروم نمودن مردم از اجرای حقوق اساسی بشری آنان (زندگی و امنیت)، آزادی بیان، سهمگیری سیاسی، راه اندازی اجتماعات، کار و تعلیم و تربیه می-باشد. این محرومیت حقوق افراد نیز نتایج منفی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را به همراه داشته است، زیرا حکومتداری و توسعه را نیز متأثر ساخته است. نیروهای نظامی بین المللی و هم نیروهای امنیتی افغانی قادر نبوده اند تا افراد ملکی را در مقابل این قتلها محافظت کنند.

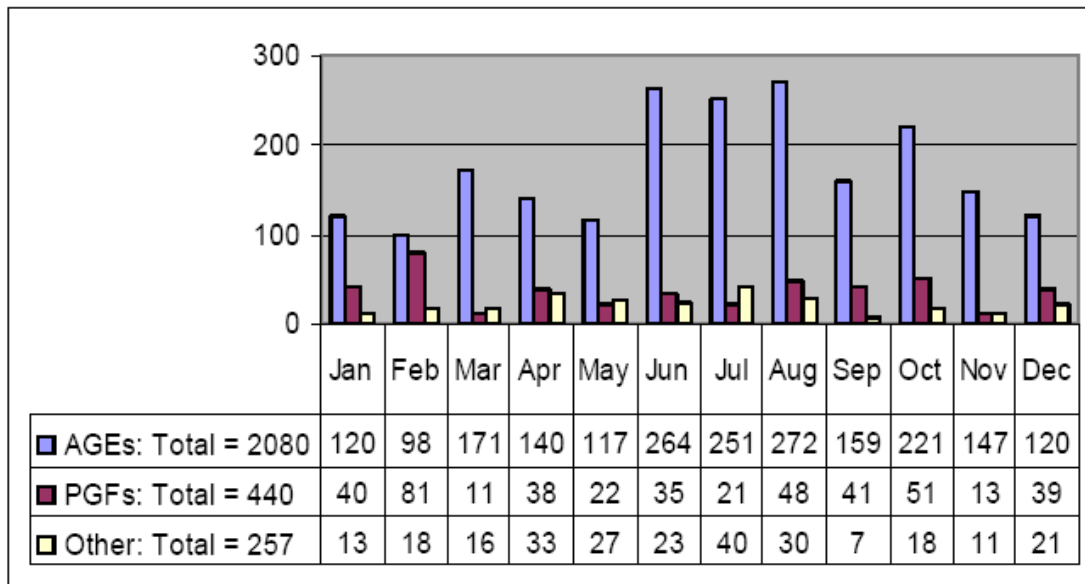
¹ - در هر دو سال ولسوالی دند و ولسوالی-مارجه، به ترتیب بخشی از ولایت قندهار و ولسوالی ناد علی محسوب شده است که این دو ولسوالی در جریان سال 2010 به ولسوالی های رسمی تبدیل گردید.

ضمیمه

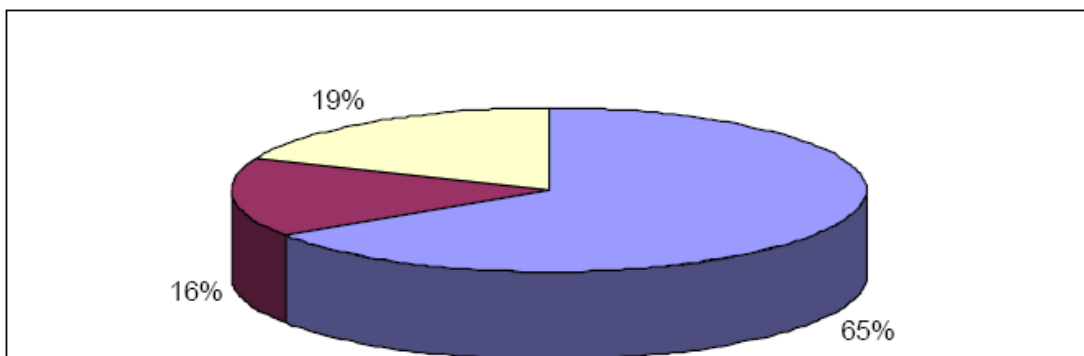
گراف های الحاقی در مورد تلفات ملکی
تعداد مجموعی افراد ملکی کشته شده در ماه های سال 2007، 2008، 2009 و 2010.



کشتار افراد ملکی در سال 2010، تفکیک بر اساس طرفین درگیر منازعه و ماه



ثبت تعداد کشته شده گان و مجروحین اطفال از جانب طرفین درگیر در منازعه در سال 2010



ثبت تعداد کشته شده گان و مجروحین طبقه اناث از جانب طرفین درگیر در منازعه در سال 2010

